

تاریخ امروز را فردا بنویسیم

بیژن هیرمن پور

۲۴ خرداد ۱۳۵۹ (۲۲/۶/۱۹۸۰)



<https://bijan.hirmanpour.net>

توجه 

یادآوری: مقاله حاضر، نوشته‌ای است منتشر نشده به تاریخ ۲۴ خردادماه ۱۳۵۹ از بیژن هیومن‌پور. این مقاله در نقد یکی از مقالات روزنامه «کار»، ارگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شماره ۵۸ به تاریخ ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹ است.

این نوشته بخشی از نوشته‌های بیژن هیومن‌پور برای جریان «چریکهای فدایی خلق ایران» است، جریانی که به آن تعلق داشت. جدائی این جریان از سازمان در خرداد ۱۳۵۸ صورت گرفت.

این مطلب از روی فتوکپی دستنویس آن سالها تایپ شده و هرگاه کلمه‌ای کاملاً خوانا نبوده داخل کروشه یک جایگزین همراه با علامت سؤال آورده شده است.

مقاله کوتاه حاضر ظاهراً با اشاره به «نامه یکی از افسران سابق حزب توده به نشریه «کار» تحت عنوان «سازمان نظامی، دولت مصدق و حزب توده» نوشته شده است.

در بند موقت «پس از غروب آفتاب آواز میخواند». آنچه میتوانیم برای تاریخ بکنیم اینست که تاریخ دیروز را بنویسیم. تاریخ امروز را بسازیم. راستی امروز شما تاریخ دیروز را چگونه مینویسید؟ شما که از هم‌اکنون خیانتکاران فردا را معرفی می‌کنید در مورد خیانتکاران دیروز چه می‌گوئید؟ [حواسمان؟] متوجه «کار» ۵۸ شد. افسر و عضو سابق حزب توده لابد با تصویری که از ماهیت شما داشته برای شما توضیح میدهد که چگونه پاره‌ای از خیانتکاران دیروز میخواهند خیانت خود را در مقابل خلق توجیه کنند و شما هم نامه او را بطور کامل می‌آورید ولی در زیرنویس در اصل مطلب مورد بحث آن نامه جانب توجیهاات کیانوری را می‌گیرید و بعد هم با جملات «سازمان ما اعتقاد دارد» و «البته این نافی نظریات نویسنده نیست»، قصد دارید کاری کنید که این وضع زیادی توی چشم نخورد و خواننده از خودش نپرسد که اگر اینها در اساس به حرف کیانوری باور دارند چرا این نامه را منتشر کرده‌اند.

و اما در زمینه ساختن تاریخ امروز شاید دیگر لازم نباشد نشان دهیم که چگونه چهره دشمنان خلق را می‌آرائید و در «اردوگاه سوسیالیستی» آنها را بدوستان موهوم امیدوار می‌کنید و نیروهای وفادار به خلق را بعنوان منشأ «بزرگترین خیانتها» معرفی می‌کنید و همه این کارها را آگاهانه انجام میدهید. مثلاً در همین مقاله «سخنان رئیس جمهور و تلاش ما برای استقرار صلح در کردستان» («کار» شماره ۵۹)، پس از ذکر این سخنان مینویسید: «به گمان ما، این بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمیتواند مورد استقبال قرار نگیرد.» در حالیکه خود در چند سطر پائین‌تر مینویسید: «سخنان آقای رئیس جمهور از حرف تجاوز نکرده و به مرحله عمل در نیامده است.» و باین ترتیب نشان میدهید که تمام این «استقبال» شما و «همه آن کسانی که...» فقط یک مشت حرف توخالی بوده، ولی یکی از حرفهای «آنارشئیستها» از نظر شما گویا همین است که تن به این بلاهت‌ها نمیده‌ند و از این حرفهای توخالی که از عرصه «حرف» تجاوز نمیکنند «استقبال» نمی‌کنند.

آنها آقای رئیس جمهور را آنوقتی که هنوز رئیس جمهور نشده بود و آن زمان که سخنران اولین جلسه تشکیل اولین [دسته؟] چماقداران رسمی شد، و هم آن زمانی که شیرین‌ترین سخنانیش را در مورد «اقتصاد توحیدی» می‌گفت، شناختند. حتی پیش از اینکه هنرمائیهای چماق‌بدستان را در زمان [ریاست جمهوری؟] ببینند و حتی پیش از آنکه برقابت حزب جمهوری اسلامی - و یا اگر «آنارشئیست» تر باشیم، برای آنکه مبادا چماق‌بدستان حزب جمهوری اسلامی در مقابل مقاومت دانشجویان درهم بشکنند - رسماً «مردم» خود را بدان‌شگاه و برای سرکوب دانشجویان دعوت نکرده بود، در کتاب «درباره تئوری مبارزه مسلحانه»، در صفحه ۱۱۵، بروشنی او و امثال او را بدین ترتیب به مردم معرفی کردند: «وقتی بازرگان می‌گوید اگر شما میخواهید انقلابی کار کنید مرا بیخود انتخاب کردید، خطابش با مردم نیست و بلکه کسانی است که در هیئت حاکمه فعلی واقعاً در به سر کار آمدنش مؤثر بودند، ولی امروز خواه برای مردم فریبی و برای برنده شدن در بحثهای تئوریک، خواه بدلیل تأمین زمینه جهت جاه‌طلبیهای خود در آینده و یا بدلائل دیگر در جمع مردم از «جامعه بی‌طبقه توحیدی» سخن میگویند و آنچنان جامعه‌ای را قابل وصول میدانند که در آن برای همه غذای کافی برای خوردن و سجاده کافی برای نماز گزاردن موجود است و هر کسی <تا نمازش برجاست غذایش مهیاست>، ولی <وقتی به خلوت میروند> در عمل <آن کار دیگر می‌کنند>. باندهای سیاه مسلح سرهم‌بندی میکنند و از گروههای ارادل و اوباش که برای حمله به اجتماعات مردم

آماده شده‌اند سان می‌بینند. روزنامه‌های آنچنانی براه می‌اندازند و غیره...»*.
و باین ترتیب نشان دادند که بهیچوجه حاضر نیستند فریب بخورند و به «استقبال» حرفه‌ای بروند که از «مرحله حرف» خارج نمی‌شوند.

بله، شما وظیفه تاریخی خود را اینچنین انجام می‌دهید و مردم را به اموری واهی امیدوار می‌کنید که خود نیز میدانید واهی هستند. شما پس از بیش از پنج ماه که از «جنگ مقاومت در کردستان» می‌گذرد، در ص ۲۱ کتاب «اشرف دهقانی بازمانده‌ای از دوران کودکی: درباره دهقانی در مهاباد» ضمن قبول اینکه در جریان همین جنگ ضعفهایی داشته‌اید، هنوز بررسی آنرا ببعد موکول می‌کنید، در حالیکه آنچنان در انتقاد از «آنارشیستها» ناشکیبا هستید که مهلت نمی‌دهید که حتی متن سخنرانی رفیق اشرف بدستتان برسد، هنوز ماه بسر نیامده از یک سخنرانی یکساعته یک انتقاد ۵۱ صفحه‌ای بیرون می‌دهید. شما که هنوز مسأله مهمی مانند موضع خود در جنگ مقاومت کردستان را بررسی نکرده‌اید از «احساس تهوعی» که از دیدن چیزهایی مانند دیدن روسری و عینک بشما دست داد، بتفصیل صحبت می‌کنید و حرفه‌ای را به رفیق نسبت می‌دهید که بعضی از آنها آنچنان بیشرمانه است که بعداً ناچار می‌شوید آنها را پس بگیرید. روشنفکرانی را که وقتی در اجتماعات سازمان می‌آیند <روشنفکران انقلابی> نامیده می‌شوند، «پسرها و دخترها» توصیف می‌کنید و خلق رزمنده کرد را وقتی به شنیدن سخنان رفیق می‌روند «مردم کنجکاو» مینامید. بله، شما اینچنین رفتاری می‌کنید. چهره بنی‌صدر را می‌آرائید و مردم را به سخنان تو خالی او امیدوار می‌کنید و در مورد خودتان سهل‌انگار و بی‌مبالا تید ولی همه خشم‌تان را متوجه «آنارشیستها» می‌کنید و برای کوبیدن آنها ناگزیر به اهانت بخلق می‌شوید.

ولی کاش لااقل در این کارتان صادق بودید. کاش واقعاً آنچه را که «آنارشیسم» مینامید همه‌جا محکوم می‌کردید. ما در «کار» ۴۷ دیدیم که شما [چند کلمه ناخوانا] را بر عمل آنارشیستی خرده‌بورژوازی [دمیدید؟] ولی همواره نسبت به این کار «آنارشیستی» از شما تعریف و تمجید شنیده‌ایم. راستی چرا یک بام و دوهوا؟ اگر بجای دانشجویان پیرو خط امام «آنارشیستها»ی دیگری سفارت را تسخیر می‌کردند باز هم شما با این لحن از آنها سخن می‌گفتید و یا وضع فرق می‌کرد؟ فرقی در کجاست؟ هم ما میدانیم و هم شما. راستی چرا شما که در مقاله «کارگران باید با آفرینش تولید و بهره‌وری مانع کار تبلیغات نفاق‌افکنانه دشمنان خود شوند»، به کارگران توصیه می‌کنید که با بکار انداختن چرخ صنایع وابسته هم دولت را نجات دهند هم وسیله «تبلیغات نفاق‌افکنانه» (بین چه کسانی؟) را از دست دشمنان خود بگیرند، چرا به این دانشجویان خط امام نیز توصیه نمی‌کنید این پنجاه و چند مزدور را آزاد کنند تا امپریالیستها «بهانه» تحریک بر علیه دولت را نداشته باشند؟ اگر شما واقعاً با عمل «آنارشیستی» مخالفید چرا آنرا بیان نمی‌کنید؟ و یا شما فقط بطور موضعی و برای خوشایند قدرت حاکم دچار احساسات ضد امپریالیستی شده‌اید؟

شاید تصمیم دارید از صف انقلاب خارج شوید و بر سر راه آن کمین کنید؟ ما علامی در دست داریم که در همین «کار» ۵۹ منعکس است. شما که همانطور که در بالا دیدیم همین یکی دو ماه پیش تنها اختلاف اساسی خود را با «پیکار» در همان تز «سوسیال امپریالیسم» میدیدید، چه شد که یکباره بفر آن افتادید در «کار» ۵۹ پرونده پیکار را از یکسال پیش باز کنید و خطاهایش را تذکر دهید؟ چه پیش آمده است؟ آیا عبارات «فشار از پائین»... افزایش خصلت انقلابی دولت... که در مقاله «گرایش‌های آنارشیستی و سندیکالیستی پیکار» (ص ۱۰ «کار» ۵۹) مطرح شد اگرچه بشکلی گذرا و معترضه، باز نمودار تحول تازه‌ای

نیست؟ آیا این نشان نمیدهد که کسانی که تا دیروز پشت سر کتاب «چه باید کرد؟ و شعار «تشکیل حزب» پنهان شده بودند، حالا که احساس کرده‌اند که «در محاسبه قدرت» «وزنه» ای شده‌اند بفکر آن افتاده‌اند که پشت سر کتاب دو تاکتیک سوسیال دموکراسی لینین و «فشار از بالا» پنهان شوند. آیا این امیدواری نیست که شاید رژیم کنونی ناچار شود از وجود آنها استفاده کند و آنوقت بحث معروف «فشار از پایین» و «فشار از بالا» لازم بیاید؟

بهرحال ما نمیخواهیم تاریخ را از حالا بنویسیم و فقط تذکری دادیم که بگوئیم حواسمان جمع اموری هست که هم اکنون میگذرد. وقتی می‌بینیم که کسانی که تا دیروز «آنارشیستها» را سرزنش میکردند که گویا به مبارزه طبقه کارگر با سرمایه‌دار بهای کافی نمیدهند، امروز کارگران را دعوت به سطح افزایش تولید و بهره‌وری میکنند بدون آنکه «تولید» برایشان صفت سرمایه‌داری داشته باشد و بدون آنکه تکلیف مبارزه طبقه کارگر را با طبقه سرمایه‌دار در این شرایط روشن کنند، ناگزیر باید شک کرد و دید اینها که دارند بساطشان را از کارخانه جمع میکنند، قصد انتقال به کجا را دارند؟ آیا از تاریخ چیزی بخاطرشان مانده و زمانی را بیاد می‌آورند که قیام آذربایجان راه توده‌ای‌ها را به کابینه باز کرد؟ البته ما تاریخ را بطور جدی قابل تکرار نمیدانیم ولی در نوشته‌های روزنامه «کار» بنحوی میتوان دید. نویسندگان این روزنامه توهماتی از این شوخی‌تر را هم جدی میگیرند.

۲۴ خرداد ۱۳۵۹

ضمیمہ

ت ترکیب مجلس و ...

بقیه از صفحه ۱

در عین حال بنی صدر از همان نخستین روزهای ریاست جمهوری، برای ایجاد تعادل تازمائی از نیروها به سود خود سیاستی را پیش برد تا " ترکیب نیروهای اپوزیسیون " را حتی الامکان در جهت تثبیت سیاسی خود با تغییراتی روبرو سازد. این سیاست در آنجا که به اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات مربوط می شود، متوجه به تأخیر انداختن " وحدت " نیروهای دمکرات با انقلابیون گونیمت است. سیاست بنی صدر بخصوص با در نظر گرفتن نفوذ و اعتبار در حال گسترش نیروهای انقلابی و دمکرات در بین توده های مردم متوجه استفاده های سیاسی " مطلوب " از یک نیروی اپوزیسیون نیرومند برای ایجاد یک تعادل سیاسی بین خود و حزب جمهوری اسلامی به سود خویش است. دفاع بنی صدر از حقوق دمکراتیک و آزادیهای سیاسی در مقابل آن سیاستهای این حزب که به آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک نه تنها بی اعتناست بلکه در جهت سرکوب آن عمل می کند، در عین حال ناظر بر چنین ملاحظاتی هم هست.

بنی صدر در دو هفته اخیر در پیشبرد این سیاست، گام های " شجاعانه " ای به جلو برداشت. او رسا از اتحاد نیروهای سنتی مذهبی با " روشنگران القاطنی " دفاع کرد. اعلامیه های توضیحی که در حمایت از مسعود رجوی برای انتخاب در مجلس با امضای دکتر حبیبی و مهندس سعادت و تن از حامیان نزدیک بنی صدر در شورای انقلاب انتشار یافت، در حقیقت همان سیاست رئیس جمهور بود. که رسا از جانب آیت الله خمینی مورد انتقاد و سرزنش قرار گرفت. اما رئیس جمهور در سخنانی که در نخستین جلسه سمنار انقلاب فرهنگی " ایراد کرد، به مردم گفت که می باید شجاعت اظهار عقیده و اندیشیدن مستقل را به دست آوردند و از اظهار عقیده نهراسند.

امروز انتخابات پایان یافته است و حزب جمهوری اسلامی اکثریت قاطعی را در مجلس به دست آورده است. اکثریتی که بقول آیت الله خمینی " ائتلاف " را در فرهنگ سیاسی اسلامی خود، مفهوم خوشایند و مقبولی نمی شناسد.

قابلی پیش بینی است که مجلس، اکنون پخوان زای دیه گری باشد که تضادهای درونی " حکومت " را شدت خواهد داد و اصطکاکهای تازمائی را با سیاست های رئیس جمهور به نمایش خواهد گذاشت و این حقیقت بدون تردید رئیس جمهور را وادار خواهد کرد که در طیف نیروهای اپوزیسیون از لیبرالها گرفته تا " اپوزیسیون ضد امپریالیست " متحدینی برای خود جستجو کند و در صدد تحکیم آن توازن نیرویی برآید که به تثبیت سیاسی او یاری رساند.

در چنین شرایطی سازمان ما وظیفه دشواری را برعهده دارد. از سویی می باید برای تحکیم و تقویت جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران، مبارزه قاطع و پیگیر خود را علیه " سرمایه داران لیبرال " که دشمنان مردم ما هستند و خواهان متوقف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی آنان هستند به پیش راند و از سوی دیگر از آزادی های سیاسی و حقوق دمکراتیک مردم دفاع کرده و با سیاستهای ضد دمکراتیک حزب جمهوری اسلامی مبارزه کند و تازه همه اینها را باید در راستای ایجاد صف مستقل طبقه کارگر و " کوشش در راه " اتحاد عمل نیروهای انقلابی و دمکرات یعنی نیروهای که واقعا خواستار پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی هستند، به پیش راند.

ما که اعتقاد داریم سمت اصلی مبارزات در این مرحله " متوجه " سرمایه داران لیبرال " باشد، باید به آنگونه از حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی دفاع کنیم که خط و مرزهای ما را با " سرمایه داران لیبرال " محدود نسازد. این سیاستها دفاع از دمکراسی انقلابی، دمکراسی بورژوازی را افشا خواهد کرد، از نهادهای توده های دفاع خواهد نمود و با افشای سیاست تخریب این نهادها، پاسدار حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی خواهد بود و توضیح خواهد داد که چگونه جنبش سیاسی در خدمت تحکیم اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست برای نابودی واقعی سلطه امپریالیسم و دستیابی به استقلال، کار، مسکن و آزادی است.

به این ترتیب ما مجاز خواهیم بود که از هر تریبونی (مانند میزگرد روزنامه اطلاعات) که به ما فرصت و اجازه این را می دهد که پیام خود را به گوش مردم برسانیم، در جهت سیاست های خود استفاده کنیم. علیه لیبرالها و سیاست های حزب آنان مبارزه کنیم و همه نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات که با اتحاد عمل در مقابل امپریالیسم جهانی سرگردگی امپریالیسم آمریکا تسویه نمانند، صفا موفقیتم تا آنجا که امکان پذیر است، مانع از اتحاد عمل نیروهای شوم که خواهان سرکوب جنبش گونیمتی ایران هستند، همانطور که وظیفه داریم از سیاست تخریب اتحاد عمل نیروهای ضد امپریالیست و دمکرات با انقلابیون گونیمت جلوگیری، به عمل آوریم و مانع از تقویت " جبهه سرمایه داران لیبرال " و کسب اعتبار برای آنان شویم.

خسرو روزبه نامی که همیشه در خاطر مردم مابین ما زنده خواهد ماند

خسرو روزبه: جان دادن بهتر...

بقیه از صفحه ۱

حشمتیه قدم می زند. او را به میدان تیر می برند، لشکری از مراقبین مسلح دور تا دور او را گرفته اند. او به لحظه تیرباران می اندیشد. خندان است و در چشمهایش نور ایمان و بهروری سوسالیسم می درخشد. او همیشه به رفقایش گفته بود که آرزو دارد اگر روزی به اعدام محکوم شود، در میدان تیر برای تحقیر دشمنان مردم ایران، خود فرمان آتش را صادر کند.

بدون محابا و با شجاعتی عظیم با به میدان تیر خشمتیه می گذارد. فروغ چشمانش، جوخه اعدام را مرعوب کرده است. دستهای ساقی زندانیان و شکنجه گر او می لرزد. با خود زمزمه می کند: " نمیدانم، این آدم سنگ و یا آهن است. در تمام عمرم چنین آدمی ندیده ام! "

او را به چوبه تیر می بندند. عکس هایی که از لحظه تیرباران روزبه در دست است، او را در برابر جوخه اعدام همانند کسی که در جنتی پرشکوه و شادی بخشی حضور دارد، نشان می دهد.

" آتش ... زنده ... باد ... گونیمت " فریاد او در میان سفیر گلوله های که در سینه مالامال از عشق او می نشینند. به خاموشی می گراید. روزبه در حالیکه نگاه او خندان است، با دهانی نیمه باز، سبکال و بوم به شهادت می رسد صدای او به گوش می رسد و برای آن خاموشی نیست:

" زنده باد گونیمت ... "

در همین شماره یادداشتی یکی از هم سنگران روزبه را می خوانید.

بر این حقیقت تأکید ورزد که امپریالیسم به کمک رژیم شاه با استفاده از خیانتها و انحراقات رهبری " حزب توده ایران " تبلیغات وسیع و برداشتهای را در میان توده های مردم سازمان داده تا عامل عمده و تعیین کننده شکست حکومت ملی دکتر مصدق را بنام گونیمت یا بورژوازی ایران نیز بنا به ماهیت طبقاتی خود بر این تبلیغات امپریالیستها دام، زدن تا سازشکاری ها، ناپیگیری ها، اشتباهات جناح های دمکرات بورژوازی خود جبهه ملی و دکتر مصدق را به فراموشی سپارند و از خاطره ها محو سازند و سهم اساسی آنان در شکست جنبش دمکراتیک و ملی خلقهای ایران همچنان در پرده بماند.

هدف آنان، هدف همه دشمنان گونیمت بوده و هست. برپایداری معاصر و مدافعان آن کوشش کردند که گونیمت را بی اعتبار سازند و اعتماد توده های میلیونی مردم را نسبت به جنبش گونیمتی و کارگری ایران که دارای سوابق درخشان و نمونه های تابناکی همچون روزبه ها است، سلب نمایند. آنچه که امروز به گونه ای دیگر در مورد سازمان ما، به عنوان پرچمدار جنبش گونیمتی ایران سازمان داده شده است رفیق خسرو روزبه با علم به این نکته و با پیش بینی آن در دفاع از گونیمت برخاست و نشان داد که گونیمت تا پای جان به خلق و آرمان طبقه کارگر وفادار خواهند ماند. بسنجد او چگونه به صحنه اعدام می رود.

" حراگاهان اردیبهشت ماه ۱۳۳۲ است. روزبه با قیافه ای آرام و با روحی آکنده از امید، امید به آینده و امید به پیروزی خلقها، در مقابل درب پاسدارخانه

روزبه، برای همه انقلابیون گونیمت ایران سمرقنی همیشه ماندنی و آموزگار وفاداری و ایثار در راه رهائی خلق و آرمان گونیمت است. خود روزبه در جریان محاکمات خویش می گوید:

" من نسبت به آن رژیمی تنفر عمیق و دشمنی آشفتنی ناپذیر پیدا کرده ام که به قیمت بدبختی، فقر، گرسنگی و محرومیت صدها میلیون نفر از افراد ملت ایران، همه مواهب زندگی را برای هزار خانواده عاشق و شقیته سوسالیسم هستم، با تمام عقل و شعور و منتقد و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیم ها احساس کرده ام و سحرگ من در هر عملی که انجام داده ام، آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد مبنای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تأمین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و شرف ملت عزیزم بوده است. "

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران اعتقاد دارد که بزرگداشت رفیق خسرو روزبه نباید به پرده استاری برای خیانتهای رهبری حزب توده تبدیل شود. چه این خیانت به آرمان رفیق خسرو روزبه است. رفیق خسرو روزبه خود در آخرین مدافعاتش با اشاره به خیانت های بزده ها، بهرامی ها، قریشی ها، شرمینی ها که رهبری حزب را برعهده داشتند و نیز با اشاره به فرار رهبران حزب گفت:

" در حلقه گارزار جان دادن بهتر که گریختن به نامردی من سنگر مبارزه را ترک نگردم و اکنون نیز تمام عواقب آن را با روی گشاده تحمل می کنم " سازمان ما در عین حال در مسئولیت خود می داند که

مصادره اقلایی

زمین های زمینداران بزرگ در منطقه اهر

مبارزه روستائیان منطقه " اهر " برای مصادره انقلابی زمین های زمینداران بزرگ و خان های برجگ که سالها حاصل دسترنج آنها را باغارت بردماند، روز بروز گسترش می یابد.

کشاورزان روستاهای " سوز بنده " و " رگهان " و " کلبیز آباد " از توابع اهر و کلبیز با اتحاد و همبستگی موفق شده اند، زمین های غصب شده خود را مصادره کنند و گام های بزرگی در جهت اداره شورایی کارهایشان بردارند. در روستای " یوزبنده " کشاورزان تصمیم گرفته اند برای مصادره قطعی زمین های اربابان شورایی در ده تشکیل دهند و از این طریق مبارزات خود را به نحوی آگاهانه ترو مضم تر به پیش برند

زحمتکاران روستای " ورگهان " کار مصادره انقلابی زمین ارباب ها و خان ها را به پایان رسانده اند. روستائیان مبارز محمد آباد نیز در فروردین ماه زمین های " سلطان سلطانی " بزرگ مالک روستا را مصادره کردند. به هنگام مصادره زمین ها، کشاورزان با مشت های گره کرده و روحیه مبارزاتی بی نظیری شعار می دادند. " مرگ بر امریکا " " مرگ بر امریکا، مرگ بر سرمایه دار، مرگ بر ارباب " روستائیان منطقه اهر هر روز بر این امر آگاهی بیشتری می یابند که ارباب ها با زمینداران بزرگ و سرمایه داران علت فقر و مملکت آنها هستند و مبارزه آنها را نابودی آنها در سراسر ایران می یابند تا دامنه داشته باشد

آن سخن از ثروت غارتگران فراری که به صورت اسکناسهای ایرانی بود، ارزش خود را از دست میداد و آنان نمی توانستند با انتقال این اسکناسهای هزار تومانی و باغچه های گرانند و پس از آن این اسکناسها را از درجه اعتبار ساقط کند. بدین ترتیب اگر مرزهای کشور در این مدت با دقت مراقبت می شد، دست کم

ما در نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت...

کراتر از نرخ رسمی به خریدار ارز می فروشد و در مقابل حواله ارز قاچاق، از او ربای دریافت می کند. خریدار ارز قاچاق، در شهرهایی که غارتگران فراری سکونت دارند، این ارز را با قیمتی بسیار گرانتر از آن که خریده است به فراریان می فروشد و از آنان ربای دریافت می کند، او سپس ربایا را به ایران می آورد و دوباره همین کار را تکرار می کند.

ما در نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت... آن سخن از ثروت غارتگران فراری که به صورت اسکناسهای ایرانی بود، ارزش خود را از دست میداد و آنان نمی توانستند با انتقال این اسکناسهای هزار تومانی و باغچه های گرانند و پس از آن این اسکناسها را از درجه اعتبار ساقط کند. بدین ترتیب اگر مرزهای کشور در این مدت با دقت مراقبت می شد، دست کم

ما در نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت... آن سخن از ثروت غارتگران فراری که به صورت اسکناسهای ایرانی بود، ارزش خود را از دست میداد و آنان نمی توانستند با انتقال این اسکناسهای هزار تومانی و باغچه های گرانند و پس از آن این اسکناسها را از درجه اعتبار ساقط کند. بدین ترتیب اگر مرزهای کشور در این مدت با دقت مراقبت می شد، دست کم

ما در نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت... آن سخن از ثروت غارتگران فراری که به صورت اسکناسهای ایرانی بود، ارزش خود را از دست میداد و آنان نمی توانستند با انتقال این اسکناسهای هزار تومانی و باغچه های گرانند و پس از آن این اسکناسها را از درجه اعتبار ساقط کند. بدین ترتیب اگر مرزهای کشور در این مدت با دقت مراقبت می شد، دست کم

مردم کردستان صلح و آزادی می خواهند

اما سرکوبگران خلق کرد هر روز صدها تن از مردم زحمتکش کرد را به خاک و خون می کشند



ارتش از پادگانها شهر سنندج را به توپ و خمپاره می بندد

و مردم زحمتکش هستند که بخون می غلتند

۱۳ اردیبهشت سنندج:

امروز ساعت ۴ بعد از ظهر پاسداران و ارتشها از تپه طومونوز شهر را مورد تهاجم قرار دادند لیکن طی یک درگیری ۶ ساعت به پاسداران و پیغمبرگه و سه جا گذاشتن اسلحه و مده زیادی زخمی مجبور به عقب نشینی می شوند. در کرمانشاه اعلام شده است که بهارستانهای شهر دیگر گنجایش گشتهها و مجروحین ارتش و سپاه پاسداران را ندارند. نظامیانی که در باشگاه افسران مستقر هستند به وسیله بیسیم از پادگان درخواست کمک فوری نمودند. کمبود آذوقه و مهمات، پاسداران را زیر فشار قرار داده است.

ارتش از زمین و هوا شهر سنندج را آتش گرفته است

نیمی از شهر سنندج به تلی از خاک تبدیل شده اما مردم قهرمانان سنندج در مقابل این پوشش وحشیانه مقاومت می کنند. آنها توانسته اند بخشی از نیروهای ارتش را وادار به عقب نشینی کنند.

شانزده روز است که سنندج مورد بورش ارتش و سپاه پاسداران قرار گرفته است. محاصره اقتصادی و کمبود آذوقه و دارو و مواد سوختی مردم را زیر فشار شدید قرار داده است. تاکنون نیمی از شهر به تلی از خاک بدل شده است. هرچا نشانی از ارتش و پاسدار می بینی، آنجا خانه زحمتکشی است که فرو ریخته است، آنجا نشان مقاومتی تا پای جان دارد.

بر اساس آخرین اخبار، نیروهای ارتش در محاصره پیغمبرگان قرار گرفته اند. تخلیه پادگانها از مهمات آغاز شده است. هلی کوپترها و توپها، شهر را از زمین و هوا آتش گرفته اند.



دارد و مهاباد جزئی از آن است. به هر شکل پیروزی از آن نیروهای است که در راه حلی دمکراتیک و عادلانه بکار می کنند.

بناب

امروز پاسداران ۶ مرد و ۱ دختر روستائی را که برای کار در کوره یخخانهها از بوکان زاهی تبریز شده بودند، دستگیر کردند. برای ارتش و پاسداری که به دستور فرماندهان خود، زحمتکشان را کشتار می کنند، همه دشمنانند خواه پیغمبرگای که برای تامین صلح عادلانه سلاح بر کف گرفته است و خواه آن کشاورز روستائی که از فشار گرسنگی و فقر خانه و کاشانه اش را رها می کند و بی کوره یخخانههای تبریز روی می آورد. شروع واقعه را از زبان همین کرد زحمتکش می شنوم:

من و دخترم و ۵ نفر دیگر برای کار در کوره یخ خانههای تبریز راهی شدم. نزدیکیهای مهاباد را با ماشین ما را متوقف کردند و پرسیدند: کجا می روید؟ گفتیم می رویم تبریز کار کنیم. آنها از ما کارت شناسائی خواستند و بعد هم ما را دستگیر کردند. آنها علیه نیروهای مبارز کردستان حرف می زدند. می گفتند: شما کردها چرا از این گروههای ضدانقلاب پشتیبانی می کنید؟ ما گفتیم برای اینکه آنها از حق ما دفاع می کنند و کتک می کنند که خودمستاری بگیریم اما شما که حق ما را نادیده می گیرید، تازه می خواهید جلوی فعالیت نیروهای سیاسی ما را هم بگیرید. شما به می گوید "ضدانقلاب" پاسداران دیگر جوابی نداشتند. بعد از چند ساعت من و دخترم و راننده را آزاد کردند که برویم کارت شناسائی ما را بگیرند. شما کاری نمی دهنند.

مهاباد:

جاشهای مزدور همراه سرکوبگران ارتش و پاسدار، از هر طریق ممکن مردم را زیر فشار قرار می دهند. امروز وانت باری حامل ۲۵ کیسه آرد در سه راه نرده به وسیله جاشهای "مجبودی" متوقف شد و از ورود آن به مهاباد جلوگیری به عمل آمد. دولت سیاست محاصره اقتصادی را همچنان ادامه می دهد. شهر از نظر غوار و بار، مواد غذایی، دارویی، سوختی و بخصوص نفت و بنزین به شدت در مضیقه است. مسئولین ملکیتی که همواره در رادیو - تلویزیون هو و جنجال راه می اندازند و مدعی می شوند که کردستان را یک مده محدود افراد صلح به نالار می کشانند، با محاصره اقتصادی مردم کردستان، با جلوگیری از تامین وسایل اولیه حاش زحمتکشان عملا مشت پر فریب خود را نزد خلقها باز می کنند. زحمتکشان دیگر نقاط ایران هر روز بیش از روز پیش به حقانیت خلق کرد آگاه می شوند. دروغ و جعل و موافقین تنها چند صبا می تواند افشای جنایت های جنگ افروزان، دوستان و جاسوسان امپریالیسم و همه کسانی را که دشمن آزادی و صلح طلبی خلقها هستند به تاخیر اندازد. در تبریز که اکنون در کردستان جریان

سنندج:

روز ۱۲ روز تهاجم ارتش و سپاه پاسداران به سنندج می گذرد. تاکنون صدها تن از زحمتکشان جان خود را بخاطر سیاست جنگ افروزان و دوستان و جاسوسان امپریالیسم از دست داده اند. فرماندهان مزدور ارتش با تمام قوا تلاش می کنند که روحیه مردم را متزلزل نمایند آنها را به ست خود جلب کنند و زمینه سرکوب خونین و همه جانبه آنها را، زمینه زیر پا گذاشتن دستاوردهای مبارزانشان را

چندان دوام نخواهد داشت و با تهاجمی دیگر از طرف نیروهای ارتش از میان خواهد رفت. فرماندهان مزدور آرام نخواهند نشست جنگ افروزی حرفه آنهاست. محاصره اقتصادی و کشتار زحمتکشان این است پاسخ به صلح جویی، آرامش طلبی و آزادیخواهی توده های قهرمان کردستان.

بافه:

پادگان شهر همچنان در محاصره نیروهای جنبش مقاومت است. بعد از ظهر امروز پیغمبرگان مسلح خلق مواضع مزدوران ارتشی را زیر آتش گرفتند. کتک و تلافی و خسارات سنگینی به پادگان وارد آوردند. فرماندهان ارتش که زیر ضربات بی در پی دیروز و امروز زحمتکشان مسلح به ستاره آمده اند، دستور داده اند که شهر را دیوانوار به توپ و خمپاره ببندند. زحمتکشان قهرمان دوش بدوش پیغمبرگان مسلح خود می رزمند. بر اساس آخرین اخبار امروز پادگان شهر تسلیم مردم بانه شد. طی چند روز گذشته تعدادی از پرسنل انقلابی به مردم سپردند.

سنندج:

مردم به خمپاره بسته می شود فانتومها در آسمان شهر پرواز در می یابند. بگذار این دوستان و جاسوسان امپریالیسم، بگذار دیگر آنچه را که در ویترام آورده اند، در تل زهتر آزمایش کرده اند، در کردستان خونین نیز بیازمایند. خلق کرد واقعبین است تا بگذار دیگر واقعبین پیروزی نهائی خلقها را ثابت کند.

چهارم اردیبهشت مریوان:

صلح و آزادی آرمان خلق کرد است. تاریخ نشان داده است که این آرمانی عادلانه است و پیروزی از آن زحمتکشان است. آینده از آن نیروهای صلح طلب و ترقیخواه است.

سنندج:

مردم مریوان تقویت نیروهای ارتش و سپاه پاسداران، هلی کوپترها، رزمندگان پیغمبرگه امروز موفق شده اند تهاجم ارتش و پاسداران پاسخ گویند و یک خودروی داخل پادگان را منهدم کنند. امروز همچنین دو فرزند هلی کوپتر کبری شهر را به رگبار بستند. هلی کوپترهای دیگری نیز برای تقویت پادگان آذوقه و مهمات حمل کردند. امروز شهر نسبتا آرام است. آرامشی که سلما

دروه بر همه شهدای خلق کرد

مردم کردستان صلح و آزادی

بعیاد صفحه ۳

در مستنگ با اعلام این مواضع آگاهی انقلابی خود را شناسایی و شتاب بیشتری را به شیب در مسیقه قرار گذاشتند و مشت محکمی بر دهنان همه آنان که با عوامفریبی قصد دارند سیاستهای جنگ طلبانه و نفاق افکنانه خود را به خلق کرد و نیروهای سیاسی آن نسبت دهند، فرود آوردند.

مسئله کردستان از راه مذاکره ناکند ورزیده اند و همواره گفته اند که در شرایطی که سپهر ما درگیر مبارزه‌های جاد با امپریالیسم است، دامن ردن به جنگ داخلی تنها آب به آسیاب دشمنان مردم می‌ریزد.

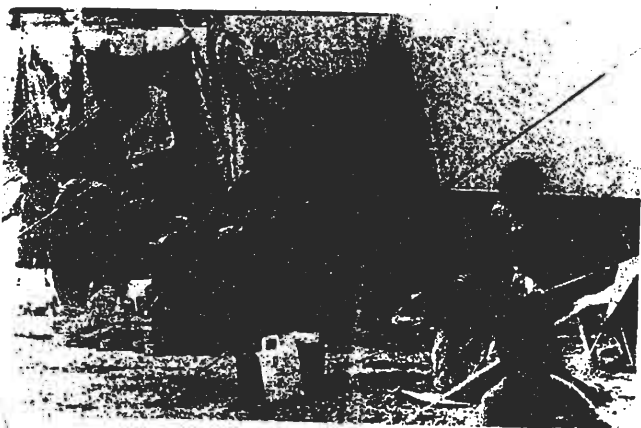
سنندج:

علیرغم آتش سس ۶ ساعته برای جمع آوری اجساد، سه دستور فرماندهان ارتش همحان چهارها به سوی شهر شلیک می‌شود. یک انومیل سواری که خانواده‌های را به یکی از روستاهای اطراف می‌برد، از طرف مزدوران مستقر در ساختمان رادیو - تلویزیون به رگبار مسلسل بسته می‌شود که در جریان آن یک زن جان خود را از دست می‌دهد. مهاجمین امروز سعی کردند به سمت مواضع پیشمرگان بشیروی کنند لیکن با مقاومت دلیرانه آنها روبرو شده و با جا گذاشتن دو کشته مجبور به عقب نشینی شدند.

شاهین دژ

امروز جاش معروف بوکان عبدالله عباسی به همراهی پاسداران در حدود ۲۵ نفر

فرماندهان ارتش امروز این مردم را که خواستی جز صلح و آزادی ندارند، بمباران می‌کنند.



نیروهای پیشمرگه عملاً به پیروی هوایی اجازه ندادند است که به فضای مزبور نفوذ کند. روحیه نظامیان بسیار متزلزل است. ۴۰۰ نفر از پرسنل انقلابی ارتش که عمدتاً از درجه‌داران تشکیل می‌شوند، به جنبش مقاومت خلق کرد پیوسته‌اند و هم‌اکنون در کنار پیشمرگان علیه فرماندهان ارتش و سیاست‌های جنگ طلبانه آنها مبارزه می‌کنند.

بوکان

امروز از طرف سازمان ما میتیگی، بره میدان تمام برگزار شد. حدود ۴۰۰۰ نفر از مردم شهر در این گردهمایی شرکت داشتند. یکی از مسئولین سازمان در منطقه طی سخنرانی خود جنگ اخیر و سایر مسائل خلق کرد را مورد بررسی قرار داد.

رفیق سخنران پس از بررسی نقش ارزنده مبارزات خلق کرد در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دیکتاتیک خلقهای ایران و تأکید بر پیوند مبارزات خلقها با جنبش طبقه کارگر، سیاستهای جنگ طلبانه دولت را بشتت مورد حمله قرار داد و مواضع اصولی سازمان را در این زمینه تشریح نمود. او در قسمتی از سخنان خود گفت: "سازمان ما سیاستهای جنگ افروزان را منکوم کرده و تا آن حد که توان دارد، بنایز شهر دوشادوش خلق از جنگ جلوگیری خواهد نمود و خواهان برقراری صلح عادلانه در کردستان خواهد بود." او در قسمت دیگری از سخنرانی خود تأمین صلح را پیش شرط تحقق خواسته‌های اساسی خلق کرد را در شرایط

سقز:

پادگان شهر هنوز در محاصره پیشمرگان است. تقویت آن جز از طریق هوا امکان پذیر نیست. امروز یک هواپیمای سی ۱۳۰ مقداری آذوقه و مهمات به وسیله چتر به پادگان رسانده است. نیروهای پیشمرگه با آتش سلاح خود هلی‌کوپترهایی را که به امر تقویت پادگان مشغولند زیر آتش می‌گیرند. از طرف مقابل نیز شهر به غمباره بسته می‌شود. ویرانی‌هایی به بار می‌آورد. نیروهای پیشمرگه با حمله به پادگان در "باشک" صدمات زیادی به آنها وارد کرده و موفق می‌شوند مقداری از مهمات آنها را مصادره کنند.

پاوه

درگیری‌ها در این شهر چند روز است که ادامه دارد. تمام مدارس شهر اکنون تعطیل است. دانش آموزان بنایز شهر دوشادوش خلق از جنگ جلوگیری خواهند نمود و خواهان برقراری صلح عادلانه در کردستان خواهد بود." او در قسمت دیگری از سخنرانی خود تأمین صلح را پیش شرط تحقق خواسته‌های اساسی خلق کرد را در شرایط

مریوان:

در جریان درگیری‌ها تاکنون تعداد زیادی از نیروهای ارتش و پاسدار توسط پیشمرگان دستگیر شده و عده‌ای از آنها نیز به مردم پیوسته‌اند از جمله روزهای ۱۱ تا ۱۵ اردیبهشت نیروهای جنبش مقاومت در جریان محاصره پادگان موفق می‌شوند ۶۸ نفر از ارتشی‌ها را که اکثر آنها در هستند دستگیر کنند. در همین رابطه ۳۵ تن از جانشینان مزدور نیز دستگیر شده‌اند. سرگرد افشین یکی از فرماندهان پادگان توسط پیشمرگان کشته شد. پیشمرگان قرار گرفته و زخمی شده است. تا به امروز ترغیبخواه قرار دارد.

بانوه

ارتش همچنان برای تسخیر تپه‌های اطراف شهر تلاش می‌کند. امروز چند فروند هلی‌کوپتر به قصد تسخیر دو تپه در اطراف بانوه تعدادی ارتشی و پاسدار در این تپه‌ها دیده می‌شوند. پیشمرگان دلیر کرد به محض اطلاع از این حرکت ارتش، درگیری سختی بین ارتش و پیشمرگان پیش می‌آید. در این درگیری که یک ساعت به طول می‌انجامد، بازه نظامی کشته و ۱۰ تن دیگر به اسارت پیشمرگان درمی‌آیند. تنها یک نفر از مزدوران موفق به فرار می‌شود. در این درگیری ۳ تن از پیشمرگان قهرمان کرد به اسامی فائق بهرامی، محمداسماعیل‌زاده و کاک‌طاهر محمودی به شهادت می‌رسند. پادشان گرامی و راهشان پاینده باد علاوه بر شهادت این سه تن از پیشمرگه دیگر زخمی می‌شوند که حالشان رو به بهبود است.

ارتش بعد از این شکست به اعمال جنون‌آمیز تلاشی جوانانه دست زده و روستای "قانی‌هرد" و "سی‌جان" در اطراف بانوه را زیر آتش غمباره و توپ گرفته است که پر نتیجه این حملات سیاهانده‌ای از اهالی زحمتکش روستای "سیجان" شهید و چند نفر زخمی می‌شوند. ارتش به قصد نابودی کردستان حرکت می‌کند و هرچه در اثر مقاومت خلق و کرد و پیشمرگانش ضربه‌پذیرتر می‌شود، به همان میزان بر شدت اعمال خرابکارانه و ویران‌کنندگی خود می‌افزاید.

اردیبهشت ۱۷

سنندج: محاصره اقتصادی هر دم فشار بیشتری بر زحمتکشان

۱۶ اردیبهشت سردشت

یک ماشین روبرو ارتشی در اثر برخورد با مین منفجر شد که در این حادثه سه ارتشی کشته و عده‌ای زخمی شدند. بعد از ظهر نیز بر اثر انفجار مین یک ارتشی کشته و سه نفر زخمی شدند. نظامیان که در هر حرکت تلافی بر جای می‌گذارند، پادگان‌ها را هم چیز را به آتش می‌سوزند. گلوله‌باران یک لندور غیر نظامی توسط پادگان شهر نمونه‌ای از این اقدامات جنون‌آمیز است. در این جریان ۲ تن از مسافران به شهادت رسیدند و ۴ نفر زخمی شدند.

سنندج:

امروز نیز مثل روزهای دیگر شهر آماج غمباره‌های ارتش است که تاکنون منجر به ویرانی تعدادی از خانه‌ها شده است. روستای "ناهر" بر اثر شلیک غمباره و توپ ویران شده است. تعدادی از سربازان و پرسنل انقلابی ارتش که این فاجع را دیده‌اند، سلاح خود را بر زمین گذاشته و به سمت مردم آمده‌اند. اکنون بیشتر از دو هفته است که شهر تحت شدیدترین محاصره اقتصادی

بوکان

امروز آوارگان سقز که در بوکان مستقر شده‌اند، در یک گردهمایی در مسجد بازار بوکان بکار دیگر مواضع صلح طلبانه و عادلانه خود را بر راستای تحقق خواسته‌های اساسی‌شان اعلام نمودند. آنها در قطعه‌ای خود صص ناکید بر اهمیت تعیین - کننده مبارزه با دشمن اصلی همه خلقهای ایران، یعنی امپریالیسم آمریکا، ادامه جنگ تحمیلی در کردستان را مشخصاً در جهت منافع امپریالیسم و دوستان و حامیان داخلی آن اعلام کردند. آوارگان که اکنون بر اثر همس سیاستهای جنگ طلبانه مجبور به ترک خانه و گاشانه خود شده‌اند، بکار دیگر با صراحت اعلام نمودند که خلق کرد خواهان صلح است و بر آن است. مسائل را از طریق سیاسی حل کند. مردم شرکت کننده



نامه یکی از افسران سابق حزب توده به نشریه کار

سازمان نظامی، دولت مصدق و حزب توده

رسته	تعداد کل	افسران شاغل در تهران
هوایی	۲۲	۲۹
توپخانه	۲۵	۷
سوار	۲۶	۹
پیاده	۸۰	۱۷
مخابرات	۱۷	۲
مهندس و فنی	۴۱	۲۵
افسر ساد	۶	-
زناندارمری	۳۱	۲۳
شهربانی	۴۷	۲۴
پزشک	۲۷	۱۵
دانشجوی پزشکی	۳۶	۳۱
دانشجوی افسری	۵۲	۵۲
وهوایی		
درجه داران	۱۶	۹

۴۲۹ ۲۴۳

از ۲۴۳ نفر در تهران:

دانشجو	۵۲
پزشک و دانشجوی پزشکی	۲۶
افسر مهندس و فنی	۲۵
افسر خلبان	۲۹
افسر شهربانی	۲۴
افسر زاندارمری	۲۳
افسر ساد	۱۷
افسر سوار	۹
افسر توپخانه	۷

"ار این عده افسران توده‌ای در تهران که پس از حذف پزشکی و دانشجو، ۱۴۵ نفر می‌شدند، عده زیادی در مشاغل قضائی، دادرسی ارتش، در مشاغل اداری، در مراکز اطلاعات، یعنی در مشاغل غیر عملیاتی نظامی قرار داشتند. . . . در نتیجه تهیه و تدارک سلاح خیلی به کندی و در مقیاس بسیار کوچک عملی گردید و آنچه حزب ما در ۲۸ مرداد در اختیار داشت، منحصر می‌شد به چند تفنگ، ده دوازده سلاح کمربندی، مقداری نارنجک و ۱۵۰ باروکاری ضدتانک. آنچه من در یازده تصمیحات هیئت اجرائیه در زمینه لزوم تدارک مقاومت مسلحانه در برابر کودتای احتمالی به‌خاطر دارم، این است که . . . مسئله اساسی برای رهبری حزب عبارت بود از ایجاد و تحکیم جبهه نیرومندی از همه نیروهای ضدامپریالیستی و در درجه اول از نیروهای وفادار به دکتر مصدق و نیروهای حزب توده ایران. . . . نظر حزب ما این بود که تنها در صورت به وجود آمدن چنین جبهه‌ای می‌توان همه نیروهای ضدامپریالیستی خلق را در برابر توطئه‌های روز افزون دشمنان تجهیز کرد. . . . مسلح شدن مخفیانه حزب توده ایران یا هر سازمان مخفی کار دیگر، در صورتی که گوشه‌ای از فعالیتشان در این زمینه ناشی می‌شد، می‌توانست به صورت عاملی شدیداً منفی در جریان تلاش حزب بمنظور تشکیل جبهه متحد اثر گذارد"

بقیه در صفحه ۶

تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی ایران نیازمند بررسی‌های عینی و علمی جدیدی است. این بررسی‌ها نه تنها بمنظور اخذ تجارب و آموزشهای تاریخی ضرورت دارد، بلکه تحلیل علمی اشکال مختلف اپورتونیزم و روزیونیسم در جنبش کمونیستی ایران گام بلندی در اشاعه و دستیابی به حزب طراز نوین طبقه لنینیسم و دستیابی به حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است. در این میان تحلیل بدور از تنگ‌نظری‌ها و پیش‌داوری‌ها از "حزب توده اهمیت ویژه‌ای دارد. روشن است که ارائه چنین تحلیلی نیاز به اطلاعات و فاکت‌های تاریخی و مشخص فراوانی دارد. نامه‌ای که در زیر می‌خوانید بخش کوچکی از اطلاعاتی را که برای چنین تحلیلی ضروری است، در اختیار می‌گذارد. ما از همه نیروها می‌خواهیم که اطلاعات و تحلیل‌های خود را در زمینه "بررسی تاریخی و علمی جنبش کارگری و کمونیستی ایران در اختیار نشریه "کار" قرار دهند.

"برای رهبری حزب که همه در همان محل کمته ابالتی تهران جمع شده بودند. . . . مسلم بود که هرگونه عمل جداگانه حزب، در مقابل چنین نیروی مسلطی، بدون حتی همکاری اسمی دکتر مصدق، تنها با یک قتل عام پایان خواهد یافت. بر این پایه بود که زهری گسترش یافته حزب ابتدا با تردد بعضی از رفقا، ولی بالاخره به اعراض آراء تصمیم گرفت که سازمان حزبی را از زیر اولین ضربه‌های حردکسده کودتاچیان مسلط شده و خونخوار درآورد. . . . کمی بعد از ابلاغ این تصمیم و متفرق شدن رفقای مسئول به ما خبر رسید که در خانه دکتر مصدق مبارزه درگیر شده است و مدافعان خانه مصدق دفاع می‌کنند. همراه با این خبر این شایعه هم به ما رسید که واحدهای نظامی هوادار دکتر مصدق وارد عمل شده و به مقابله با کودتاچیان پرداخته‌اند. . . . ما فوراً تصمیم گرفتیم که باید همه نیروها را برای حمایت از مدافعان خانه دکتر مصدق و به یاری واحدهای هوادار دکتر مصدق تجهیز کنیم. ولی تا ما این خبر را به شبکه حزبی برسانیم. . . . خبر رسید که مقاومت خانه مصدق پایان یافته. . . ."

"افسانه نیرومندی سازمان افسری حزب توده ایران
گفته می‌شود که حزب توده ایران سازمان افسری نیرومندی که در آن ۶۰۰ افسر، حاضر به جنگ عضویت داشته و در جریان کودتای ۲۸ مرداد از آن بهره گیری نکرده است. این ادعا از واقعیت فرسنگها به دور است. به دلائل زیر:
۱- تعداد اعضای سازمان افسری حزب توده ایران در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ جمعا ۴۶۶ نفر بوده است که ۴۲۹ نفر آنها بازداشت و محکوم و ۳۷ نفر آنها فراری شدند.
۲- از این افراد بخش مهمی دانشجوی دانشکده افسری و هوایی، پزشکی و مهندسی و قاضی و کارمند اداری بوده‌اند.
در صورت زیرین تقسیم این افسران به دسته‌ها و وضع پخش آنها در سراسر کشور دیده می‌شود:

من یک عضو سابق سازمان نظامی حزب توده هستم و بمناسبت سرنوشتی که حزب توده در اثر اشتباهات اساسی در لحظات مهم تاریخی به آن دچار شد و بدنبال آن سازمان نظامی لورفت، اکثر اظهارنظرهای موافق و مخالف حزب توده را می‌خوانم و می‌بینم که بعد از گذشت ۲۶ سال یعنی یک نسل کامل، هنوز رهبران حزب توده برای فرار از مسئولیت بزرگی که در آن روزهای سرنوشت ساز ۲۸ مرداد به عهده دارند، تاریخ را تحریف می‌کنند. ناگزیر حقایق را مبتنی بر کذب ادعای حضرات بیان می‌کنم باشد تا نسل جوان که از تاریخ گذشته دوران قبل از ۲۸ مرداد کمتر اطلاع دارد با اطلاع بیشتری راه را از چاه تشخیم دهد. برای توضیح مطالب خود ابتدا قسمتی از نوشته‌های نامه مردم و مجله دنیا را نقل می‌نمایم. سپس به شرح یکیک مطالب می‌پردازم.

در نامه مردم، ارگان مرکزی حزب توده ایران مورخ ۱۴ فروردین ۱۳۵۹ سرمقاله مفصلی به قلم نورالدین گیانوری دبیر اول حزب توده ایران تحت عنوان "حزب توده ایران و دکتر مصدق" که در جریان کودتای خائنانه ۲۸ مرداد مسئول تشکیلات و عضو هیئت اجرائیه حزب توده بوده، چنین آمده است:

"روز ۲۳ مرداد بعد از ظهر، باز هم سرهنگ مشوری به منزل من آمد و خبر آورد که برای شب، قرار قطعی حمله لشکر گارد گذاشته شده است و ضمناً اسمی برخی افسران بالارته‌ای را که گرداننده کودتا بودند، با خود آورد. . . . "من در همان ساعت باز از راه اندرونی با دکتر مصدق ارتباط گرفتم و به او گفتم: "آقای دکتر، توطئه کودتا قطعی است. کودتاچیان کنار هم جا گرفته‌اند. نام کودتاگران چنین است: سرتیپ‌دفتری که شما به او اعتماد دارید، با آنان ارتباط دارد. ما اطمینان داریم که دوستان شما در ارتش که در پستهای فرماندهی هستند، عرضه و لیاقت هیچ اقدامی را ندارند. ما دوستان با ارزش و فداکاری در میان افسران داریم که پستهای حساس فرماندهی ندارند. ما حاضریم این افراد را به شخص شما معرفی کنیم. از آنها برای دفاع خانه خودتان و برای پستهای مهم فرماندهی استفاده کنید. تنها از این راه می‌شود جلوی خطر را گرفت. . . ."

در مجموعه این شرایط بود که صبح روز ۲۸ مرداد، ما از حرکت اوباش و فواحش در شهر با خبر شدیم. . . ."

"ما باز هم با مصدق تماس گرفتیم. . . . و از او خواستیم که دستور دهد به نیروهای توده‌ای اسلحه داده شود تا مهاجمان را سرکوب کنیم. . . . در حدود ساعت ۲ بعد از ظهر به ما خبر رسید که واحدهای نظام ارتش به هواداری از کودتاچیان در گوشه‌های شهر وارد عمل شده‌اند ما که هر لحظه منتظر بودیم که نیروهای وفادار به دکتر مصدق در ارتش وارد عمل شوند، باز هم با دکتر مصدق تماس گرفتیم. اینبار او به ما گفت که: "آقا، همه به من خیانت کرده‌اند. . . . شما اگر کاری از دستتان برمیآید، بکنید. . . ."

پیروزی مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

سازمان نظامی، دولت مصدق و ...

بقیة از صفحه ۵

مثل بت می پرستیدندش و حاضر بودند به فرمان او به خیابانها بریزند (خلاصه کلام ۲۸۰ نفر افسر با واحدهایشان به اضافه سازمان درجه داران می توانستند در صورت لزوم چنانچه حزب توده به فرض محال از عهده اوباش و فواحش و کودتاجیان برنی آمد، وارد عمل شوند و کار کودتاجیان را یکسره کنند.

بعلاوه فرق ۳۰ تیر و ۲۸ مرداد در این بود که در ۳۰ تیر مردم به مقابله با یک حکومت ظاهرا قانونی (قوام السلطنه) برخاسته بودند (کسه قاعدتا ارتش موظف به دفاع از آن بود) و شاه هم در کشور حضور داشت و هنوز بکلی بی اعتبار نشده بود. در خالیکه در ۲۸ مرداد شاه فراری شده و روحیه طرفدارانش بکلی درهم شکسته بود و حزب به دفاع از یک حکومت قانونی وارد عمل می شد و مقابله با کودچیان را از جنبه قانونی و روانی آسانتر می کرد.

۳- در مورد کمبود سلاح، باز هم یک دروغ دیگر! قبول اینکه ۲۸۰ نفر افسر عضو سازمان نظامی در تهران بوده اند به معنی این است که اکثر آنها حداقل یک طپانچه کمری داشته اند و ذکر اینکه حزب فقط ۱۰ - ۱۲ سلاح کمری، تعدادی نارنجک و ۱۵۰ بازوگای ضدتانک داشت، دست کم گرفتن این نیروی سازمان یافته و حاضر به عمل است. بعلاوه افسرانی که دارای واحد نظامی بودند، اسلحه خانهها در اختیارشان بود و می توانستند به موقع اسلحه مورد لزوم را تامین نمایند.

۴- آقای کیانوری! شما مدعی هستید که مانع اساسی در برابر تدارک وسائل فنی و حداقل سلاح، جنبه متحد خلق بود که چنانچه مسلح شدن حزب توده رو می شد، به تشکیل جنبه آسیب می رسانید!

د.م. خروس از همین جا پیداست! شما بزرگترین سازمان نظامی مخفی را در ارتش تشکیل داده اید و دستگاه حاکم کم و بیش از وجود آن مطلع بود (لورفتن رفا مرزوان، هنریار، پوریا) تلفسن خودتان به دکتر مصدق که در ارتش افسرانی دارید، آیا به جنبه متحد خلق لطمه نمی زد، لکن تدارک سلاح توسط یک حزب سیاسی مستقل مدعی رهبری طبقه کارگر که همیشه در حرف راه قهرآمیز را یکی از طرق دستیابی به حکومت می داند، به جنبه متحد لطمه وارد می کرد؟ جنبه های که هیچگاه نه در دوره حکومت مصدق، نه در دوره ۲۵ ساله اختناق محمدرضا شاهی و نه امروز تشکیل نشده و حتی حزب جمهوری اسلامی هم با همه خدماتی که حزب توده در تئوری و عمل و راهنمایی های زیرکانه در مقابله با نیروهای چپ به آن می کند و در هر حرکتی، حتی جشن اول ماه مه، به جای همکاری در دموکراتراسیون یکبارچه کارگران، صف خود را از سایر نیروهای چپ جدا نموده و بدنبال دعوت حزب جمهوری اسلامی برای اقامه نماز به میدان امام حسین می رود، مورد تعرض و توهین فالانژهای دست - پرورده آن حزب قرار می گیرد و اجبارا قبل از رسیدن به محل میتینگ متفرق می شود.

۵- آقای کیانوری! مطلب اینجاست که برای تارو مار کردن طلا به کودتاجیان (اوباش و فواحش) اصولا نیازی به دخالت سازمان نظامی

ایران مرتکب شده و خلق ستم دیده ایران بعد از گذشت ۲۶ سال هنوز هم چوب آن بی کفایتی را می خورند، آنقدر بی انصافی کرده اید که به سبب تحقیر این سازمان، اعتراض آن عده از افسرانی را که هنوز هم به راه شما اعتقاد دارند، برانگیخته اید و من عمیقا به آنهایی که با خلوص نیت و بدون فرصت طلبی به آن سازمان رو آورده اند و آن را قبله آمال خود می دانند احترام می گذارم و امیدوار و منتظرم که حوادث سیاسی چشم و گوش آنها را باز کند و راه را از چاه تشخیص دهند. و اما پاسخ من به دست کم گرفتن قدرت سازمان نظامی (*):

الف - بحث بر سر روز ۲۸ مرداد می باشد نه یکسال بعد که سازمان نظامی لورفت یعنی شهریور ۳۳ بنابراین حذف ۳۷ نفر از رفقای افسر که علیرغم دستور صریح شخص شما دایر به اینکه (خودرا به قسمتها معرفی کنید زیرا هرچه تعداد دستگیرشدگان زیادتز باشد، جرم سبکتر میشود) بنا به ابتکار شخصی و به علت بی اعتمادی از دستورالعمل دستگاه رهبری حزب سربچی کردند تا پس از مدتی اختفاء و در بدری از کشور خارج و جان سالم بدر بردند، این جابجا کردن تاریخ و کم کردن تعداد افسران، یک تقلب بی سرو صدا برای انحراف نسل جوان است. بنابراین تعداد افسران سازمان نظامی در تهران بالغ بر ۲۸۰ نفر می شدند.

ب - اگر بقول شما در پایتخت که در هر انقلابی نقش تعیین کننده دارد، ۲۸۰ نفر افسر و تعدادی درجه دار که آنها را بکلی از قلم انداخته اید، و در اثر مقاومت قهرمانانه سرگرد شهید جعفر و کلبلی که رابط آنها بود، لو نرفت - در صورت لزوم، تحت شعار دفاع از حکومت قانونی دکتر مصدق وارد عمل می شد و عده های اوباش و فواحش را سرکوب می کرد، به کاسه کوزه کی برمیخورد؟! مگر در ۳۰ تیر ۱۳۳۱ سرهنگ ژاندارمری، برهان عضو سازمان نظامی در میدان توپخانه روی تانک نرفت و علیرغم ماموریت خود برای سرکوب جنبش مردم ضمن سخنرانی مردم را به مقاومت تشویق نمود؟

ج - آقای کیانوری! سازمان نظامی را در روز ۲۸ مرداد دست کم نگریید. طبق آمار خود شما ۲۹ افسر خلبان (که فرودگاهها در اختیارشان بود و در هنگ شکاری به اتفاق افسران طرفدار مصدق به جای سرگرد خاتم خلبان فراری شاه برای واحد خود فرمانده تعیین کرده بودند) ۱۴ افسر شهربانی (که تا آنجا که اطلاع دارم سروان مدنی و سروان درمشیان روسای دو کلانتری بودند و بقیه در شهربانی و کارآگاهی و اطلاعات شهربانی پستهای حساسی داشتند)

۲۳ افسر ژاندارمری
۱۷ افسر پیاده (که دونفر از آنها ستوان قربان نژاد و ایروانی با واحدهای تانک تحت فرماندهی خود در شهر سرگردان بودند و مرتب به مسئول خود تلفن می کردند و کسب تکلیف می نمودند و جواب منفی می شنیدند. ستوان شجاعیان هم با واحد خود از خانه دکتر مصدق دفاع می کرد)

۹ افسر سوار
۷ افسر توپخانه

۵۲ دانشجوی دانشکده افسری (به فرماندهی سرهنگ پهلوان که همه دانشجویان غیر حزبی هم

این بود ارزیابی رهبری حزب توده از قدرت سازمان نظامی، در آنجائی که لازم است شکست کودتای خائثانه ۲۸ مرداد و بی عملی آن حزب توجیه و ناگزیر قلمداد گردد. لکن در جایی که بحث بر سر قدرت حزب توده در آستانه کودتای ۲۸ مرداد و پاسخ به چریکهای فدائی خلق به اینکه ما تمام اشکال مبارزه را اعم از علنی و غیر علنی، مسالمت آمیز و قهرآمیز در نظر داریم، در مجله دنیا ارگان سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی مورخ مهرماه ۱۳۵۸ صفحه ۱۰۱ چنین می گوید:

"تاریخ حزب ما نشان می دهد که ما همواره برای استفاده از همه اشکال مبارزه آمادگی می دیده ایم. کار شمربخش در درون ارتش و بنیان گذاری سازمان افسران توده ای که (در تمام دوران پیش از کودتای ۲۸ مرداد) یکی از بزرگترین سازمان های از نوع خود در مقیاس جهانی بود، نمونه ای از چنین آمادگی است"

رهبری حزب توده نمی تواند ادعا کند که نظریات فوق مقالاتی است که افراد بی مسئولیتی نوشته اند و نیابستی بعنوان نظر کمیته مرکزی تلقی گردد زیرا قسمت اول، نظریات دبیر اول کمیته مرکزی است و قسمت اخیر نقطه نظر سیاسی و تئوریک کمیته مرکزی است.

حال با در نظر گرفته ظرفیت محدود صفحات نشریه به پاسخ یک یک مطالب نقل قول های فوق که انباشته از تضاد است، می پردازیم:

۱- آقای کیانوری! آنجا که به دکتر مصدق پیشنهاد می کنید که لیست افسران طرفدار حزب توده را برای تصدی پستهای مهم فرماندهی در اختیارش بگذارید به اجازه کی و به چه حق وجود افسران توده ای را در ارتش افشاء کردید و حتی حاضر شدید اسامی عده ای از آنها را بر اختیار دکتر مصدق که نخست وزیر یک حکومت سرمایه داری است، قرار دهید؟ اگر مصدق ظاهرا پیشنهاد شما را می پذیرفت و لیست تقدیمی شما را به جوخه اعدام می سپرد، جواب مردم ایران را چه می دادید؟ بعلاوه هرکس که کمترین مطالعه ای از مارکسیسم - لنینیسم داشته باشد و لااقل مختصر کتاب "دولت و انقلاب" اثر لنین را خوانده باشد و به مفهوم دولت و ابزار سرکوب آن که عمده ترین نیروهای انتظامی است آشنا باشد، می داند که این بورژوازی به هیچ وجه ابزار اصلی حاکمیتش را در اختیار دشمن طبقاتی خود که شما مدعی رهبری حزب آن هستید، قرار نخواهد داد. بنابراین برای آنکه شما را از این مخمه نجات داده باشم، قبول می کنم که این گفتار تلفنی شما، جعلیاتی است که بعد از مرگ دکتر مصدق چاپ کرده اید.

و هم چنین آنجا که روز ۲۸ مرداد هیئت مدیره جمعیت ضد استعمار به اتفاق محمدرضا قاده نزد مصدق می روند و درخواست توزیع اسلحه بین نیروهای توده ای می کنند، نشانه بی اطلاعی و عدم درک شما از مبارزه طبقاتی است.

آقای کیانوری! اسلحه را از دشمن طبقاتی گدائی نمی کنند. چنین برداشتی از حکومت، برداشتی کاملا غیر مارکسیستی است.

۲- راجع به افشاء نیرومندی سازمان افسری، تحقیر و بی ارزش نشان دادن این سازمان، برای توجیه خیانتی که رهبری حزب نسبت به مردم

بقیه در صفحه ۱۱

مردم همین ما تاقطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

مبارزه و مقاومت

درس بزرگ تاریخ جنبش دانشجویی ایران

نشان دادند، از جمله وحشی‌گری‌های کم نظیر این دستگاه‌های ضد مردمی بود. محیط دانشگاه‌ها علیرغم تمام تلاش‌های سرکوبگرانه رژیم، تبدیل به محیطی برای رشد سیاسی و انقلابی جوانان میهن ما شده بود و دانشجویان در روبرویی با

پلیس ماهیت جنایتکارانه رژیم وابسته را بیشتر و عمیق‌تر درک می‌کردند. هر قدر که بر اعمال خشونت‌بار ساواک و پلیس در دانشگاه‌ها افزوده می‌شد، به همان میزان دانشجویان بیشتری به لزوم مبارزه، تشکل و وحدت برای درهم کوبیدن

چنین دستگاه‌های سرکوب‌کننده‌ای پی می‌بردند. دستگیری دانشجویان در این سالها و درسی که آنان در شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌های رژیم از انقلابیون می‌گرفتند، عامل موثری بود در رشد و شکوفایی سیاسی و مبارزاتی دانشجویان. دانشجویانی که در پی مبارزات خود به زندان‌ها روانه می‌شدند، با چهره پلیس سرمایه‌داری بیشتر

آشنا می‌شدند و فرصتی به دست می‌آوردند که با افکار انقلابی آشنایی بیشتری پیدا کنند، دانش طبقاتی‌شان افزون گردد و فن سازماندهی مبارزات خود را از امثال "جزنی‌ها" که در زندان‌های

شاه درس مبارزه و مقاومت را به نیروهای انقلابی می‌آموختند، فرا گیرند و با درپایی از دانش و تجربه انقلابی، با دلی آکنده از کینه طبقاتی و با شوری شرشار از عشق به خلق و ایمان به پیروزی پرولتاریا به آغوش مکتب‌خانه‌های خود بازگردند و راه‌آورد مسافرت پربار خود را صمیمانه در جهت ارتقاء و سازماندهی مبارزات دانشجویان و توده‌ها بکار گیرند.

در این سالها تا اوج‌گیری مبارزات پر شکوه خلق، جنبش دانشجویی هر روز گام‌های موفقیت‌آمیزتری در جهت پیوند با مبارزات توده‌ها برمی‌داشت. تب و تاب فزاینده مبارزه در دانشگاه‌ها خبر از آینده‌ای روشن می‌داد. آینده‌ای که رژیم دیکتاتوری شاه را به زیاده‌دانی تاریخ بهانه‌دازد و آینده‌ای که امپریالیسم در مقابل اراده خلق به زانو درآید. دانشگاه‌ها انعکاسی از مبارزات توده‌ها را درخود داشتند.

هر چه مبارزه توده‌ها گسترش می‌یافت، آتش مبارزات دانشجویی پرله‌پس‌تر و فرورزان‌تر می‌شد و چون دانشگاه‌ها بستر رشد آگاهی طبقاتی نیز بودند، نمود مبارزات مردم را به شکل بارزتر و برجسته‌تری در دانشگاه‌ها می‌دیدیم.

شروع مبارزات مردم "خارج از محدوده" علیه استمگرهای رژیم شاه، اولین نشانه‌های آشکار شده مبارزات توده‌ها و اولین زبانه‌های آتش بود که زیر خاکستر نهان گشته بود. جنبش دانشجویی با بروز این اولین نشانه‌ها، موقعیت را با هوشیاری انقلابی خود درک کرد و خود را برای سازماندهی این مبارزات آماده نمود. دانشجویان انقلابی اینبار روانه گودنشین‌ها، حلی‌آبادها و "خارج از محدوده" تهران شدند و در تداوم فعالیت‌های انقلابی خود دستاوردهای پرارزشی از تجارب سازماندهی مبارزات توده‌ها اندوختند. دانشگاه‌ها با آغاز مبارزات گسترده و بی‌امان توده‌ها در سال ۵۴، بدل به سگری از بقیه در صفحه ۱۱

به سیاست تهدید و فریب توده‌ها شد، دهقانان را بعنوان شرکت در جشن کشاورزی روانه شهرهای دانشگاهی کردند و آنها را بقول خود در مقابل دانشجویان قرار دادند اما زمزمه‌هایی که در بین توده‌ها شروع شد بخوبی خشم مردم را از چنین سیاستی نشان داد: عدم استقبال توده‌ها از این بسیج فرمایشی رژیم را واداشت که نیروهای سرکوب خود، ساواک و پلیس، را روانه دانشگاه‌ها کند. دستگاه جهانی ساواک و پلیس ضد خلقی رژیم از این سال تا چندی بعد بعنوان "گارد ویژه" در دانشگاه‌ها مستقر شد و کوچک‌ترین حرکت دانشجویی زیر ضرب پلیس قرار گرفت. در این سالها رژیم علاوه بر سیاست سرکوب، سیاست تطمیع دانشجویان را نیز در برنامه خود قرار داد. امکانات رفاهی برای آن دسته از

"گارد ویژه" رژیم شاه برای این در دانشگاهها مستقر شده بود تا کوچکترین حرکت دانشجویی را زیر کنترل و ضرب قرار دهد.

دانشجویانی که خود را می‌فروختند و با گرایش به مبارزه با رژیم نداشتند، فراهم شد. تلاش برای رواج فساد و انحطاط در بین دانشجویان از طریق برنامه‌های مختلف به اجرا درآمد اما هیچکدام از این شیوه‌ها نتوانست جنبش دانشجویی را به بیراهه کشد.

در سال ۴۹ سازمان ما که متشکل از روشنفکران انقلابی برخاسته از دل دانشجویان انقلابی بود، موجودیت خود را اعلام کرد و بسیاری از دانشجویان انقلابی که صادقانه به آرمان طبقه کارگر و به خلق ستمدیده خود عشق می‌ورزیدند، به سازمان پیوستند. آمار شهدای سازمان و سازمان مجاهدین صدها دانشجوی انقلابی را که به دست دژخیمان شهید گشتند، به نمایش می‌گذارد و سند گویایی است بر جانبازی‌ها، مبارزات و مقاومت‌های دلاورانه دانشجویان انقلابی ما.

از سال ۴۹ به بعد، جنبش دانشجویی شکوفایی هر چه بیشتری یافت. سازمان‌های متشکل دانشجویی به وجود آمد که با رهنمودهای انقلابی خود توانست تشکیلات دانشجویی را در تمام زمینه‌ها ارتقاء بخشد. این رشد، خود را در مبارزات خونین دانشجویان در سال ۵۱ به خوبی نشان داد. دانشجویان در سال ۵۱ در تداوم مبارزات خود علیه استقرار گارد در دانشگاه‌ها دست به مبارزات وسیعی زدند. آنان از سال ۴۹ به بعد که ساواک و پلیس بعنوان گارد دانشگاه در دانشکده‌ها مستقر و محیط دانشگاه‌ها را تبدیل به محیطی نظامی و خشونت‌بار کرده بودند، علیه گارد مبارزه بی‌امانی را شروع کردند. این مبارزات در سال ۵۱ به اوج خود رسید و بار دیگر دانشگاه‌ها صحنه خونین مبارزات بین دانشجویان انقلابی و پلیس ضد خلقی شد. در این دورگیری‌ها تعداد کثیری از دانشجویان زخمی و تعدادی به شهادت رسیدند. سببیتی که ساواک و پلیس در این سال در سرکوب جنبش دانشجویی از خود

سازمان‌های دانشجویی در سازماندهی اعتصابات اتوبوسرانی نقش عمده‌ای داشتند و شرکت وسیع دانش‌آموزان در این مبارزه نقش نیروهای جوان انقلابی را در این سال هر چه برجسته تر نشان داد. رژیم در اثر مبارزه گسترده و پیگیر توده‌ها ناچار به عقب نشینی شد و توده‌ها باردیگر قدرت خود را آزمودند. آنها در سال ۴۸ همچنین دیدند که چگونه جوانان و نوجوانان دانشگاهی و دانش‌آموزی پرشور و پرتلاطم مبارزاتشان را سازماندهی کردند و چگونه تا عقب‌نشینی رژیم در این مورد لحظه‌ای آرام نگرفتند. توده‌های ما از این نمونه فعالیت‌ها و جانبازی‌ها از جوانان خود بسیار دیده‌اند و به همین دلیل هم هست که به راحتی نمی‌پذیرند آنان "خرابکارند" و یا به قول حاکمیت فعلی "ضد انقلابی‌اند".

زحمتکشان ما می‌دانند هر جا و هر زمان که مبارزه‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته‌اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته‌اند. آنها می‌دانند زمانی که مبارزات میلیون‌ها مردم به خون کشیده و سرکوب می‌شود، دانشجویان انقلابی به دلیل داشتن دانش و آگاهی طبقاتی همچنان به مبارزه خود علیه دیکتاتوری و امپریالیسم ادامه می‌دادند. توده‌های ما خاطرات پرشکوهی از مبارزات خونین و دلاورانه جوانان دانشجویی خود دارند و به همین دلیل هم هست که سیاست‌های سرکوبگرانه حاکمیت کنونی در مورد دانشگاه‌ها از نظر توده‌ها نه تنها محکوم است، بلکه آنان را به یاد سیاست‌های وحشیانه سرکوب رژیم شاه می‌اندازد. نفرت آنان را نسبت به دروغ‌گویی‌های حزب جمهوری اسلامی و کشتارهای وحشیانه دانشجویان به دست سپاه پاسداران و باندهای سپاه برمی‌انگیزد. در سال ۴۹ هنگامی که یک دسته از ستاتورهاى امریکائی برای بررسی زمینه‌های سرمایه‌گذاری در

زحمتکشان می‌دانند هر جا و هر زمان که مبارزه‌ای علیه رژیم وابسته به امپریالیسم داشته‌اند، دانشجویان با شور و دانش انقلابی خود در کنارشان به جانبازی برخاسته‌اند.

میهن ما به تهران آمدند، باز دانشجویان انقلابی فریاد اعتراض خود را علیه سلطه امپریالیسم بلند کردند و بعنوان اعتراض به برخی از موسسات امریکائی حمله بردند، در این سال دانشجویان ابتدا دست به تظاهرات وسیع در داخل دانشگاه‌ها زدند و بعد تظاهرات را از صحن دانشگاه‌ها به محوطه خارج از دانشگاه‌ها و تا حدودی به خیابان‌های شهر گشاندند. شعار دانشجویان در این سال "کارگر، بزرگر، اتحاد، اتحاد" بود. توده‌های ما این بار از زبان جوانان انقلابی خود شعاری را می‌شنیدند که خود در جریان مبارزات خود می‌رفتند که آنرا متحقق کند و ما تحقق این شعار را در دوران یکساله انقلاب و قیام شگوهمند ۲۲ بهمن دیدیم. در این سال رژیم جهت سرکوب دانشجویان متوسل

گرامی باد حماسه شهادت دلاوران دانشجویان رزمنده و انقلابی دانشگاهی ایران

بمناسبت پنجمین سالگرد فتح سایگون (شهر هوشی مین) و آزادی کامل ویتنام (قسمت آخر)

ویتنام: در راه صلح، دمکراسی و سوسیالیسم

جنگ تجاوزکارانه امپریالیسم در ویتنام و اثرات آن

تجاوز سی ساله امپریالیست‌ها به خاک ویتنام نتایج مخرب و وحشتناکی برای مردم این کشور به بار آورد. بمباران ویتنام شمالی که چندین سال بطور مستمر انجام یافت ویرانی‌های فراوانی به وجود آورد. بطور نمونه مراکز دوازده استان و بیش از پنجاه بخش کاملاً از بین رفتند. تمام خطوط راه‌آهن و پل‌ها غیر قابل استفاده شده بودند و سیستم حمل و نقل دریایی و رودخانه‌ای از هم پاشیده شده بود. در روستاها ۱۶۰۰ شیکه آبیاری آسیب دیده بودند و صدها هزار هکتار زمین‌های مزروعی غیر قابل استفاده به جای مانده بود. ۳۰۰۰ مدرسه و ۳۵۰ بیمارستان بکلی ویران شده بودند. علاوه بر همه اینها اکثر شهرها به وسیله بمب دچار ویرانی شده بودند.

در جنوب وضع به مراتب بدتر بود. از ۱۵۰۰ دهکده تا ۹۰۰۰ در اثر بمباران با خاک یکسان گردیده بود. تعداد معلولین و زخمی‌های جنگ به یک میلیون نفر می‌رسید. ۸۰۰۰۰ کودک بی‌سرپرست برجای مانده بود. رواج فحشا به وسیله آمریکا نیم میلیون فاحشه که به انواع امراض مبتلا بودند برجای گذاشت. ده میلیون نفر سکنه دهات بمباران شده آواره گردیده بودند. در روی زمین‌ها و مزارع اقصی نقاط کشور دست کم صدوپنجاه هزار تن بمب منفجر نشده باقی‌مانده بود که هر روز ضایعات جدیدی ایجاد می‌کرد. رژیم سایگون چهار میلیون نفر بی‌سواد، یک میلیون بیوه، نیم میلیون متاد به مواد مخدر و هزاران دزد و ولگرد برجای گذاشته بود. سیاست‌های وابسته این رژیم ۹/۵ میلیون نفر را بطور دائمی بیکار کرده بود و در آستانه پیروزی اوضاع از اینها هم بسیار وخیم‌تر شده بود. رژیم تئو سالانه ۲ بلیون دلار کمکهای اقتصادی (برنج و ...) از آمریکا دریافت می‌کرد و با سقوط این رژیم میلیونها نفر در عرض یک شب کار خود را از دست دادند. (بیش از یک میلیون پرسنل ارتش، یک میلیون کارمند دولتی و ... صدها هزار تاجر کوچک که وابسته به رژیم تئو بودند با احتکار و انواع دغلقاری‌ها قیمت اجناس را بالا برده و بحران را تشدید می‌کردند. علاوه بر همه اینها چندین میلیون هکتار شالیزار، باغ و جنگل در اثر بمباران و مواد شیمیایی از بین رفته بودند و امراضی چون مالاریا، تیفوئید و وبا خطری دائمی ایجاد کرده بود.

انقلاب می‌بایست با همه این مشکلات و صدها مسئله دیگر دست و پنجه نرم کرده و جامعه ویتنام را از درون اینهمه خرابی‌ها به سوی آینده و ساختمان سوسیالیسم هدایت نماید. خلق ویتنام تحت رهبری حزب کمونیست ویتنام که در رهبری نبردهای سالیان آیدیده شده بود مصمم بود که با تمام این مشکلات مقابله کرده و با در هم شکستن آنها راه خود را به سوی آینده، به سوی صلح،

دمکراسی و سوسیالیسم به پیش برد.

نظری به اقدامات یکساله انقلاب در جنوب

یکی از مهمترین وظایف انقلاب تجدید تربیت سربازان، پلیس و کارگزاران رژیم سابق بود. پیشبرد این وظیفه که کنترل و تربیت بیش از یک میلیون نفر (منجمله ۴۰ هزار افسر) را در بر می‌گرفت بدون کمک و همکاری همه‌جانبه جمعیت خصوصاً سازمان‌های زنان، جوانان و ... امکان‌پذیر نبود. بازگرداندن این افراد به خانواده‌هایشان و الحاق آنان به زندگی عادی شهروندان پس از سالها خدمت در دستگاه

حل شده بود) و تنها در عرض یک سال نیم میلیون نفر خواندن و نوشتن آموختند. همچنین کلاس‌های فوق‌العاده برای بزرگسالان ایجاد گردید و در سال ۷۶-۷۷، ۱۰ هزار موسسه آموزشی چهار میلیون دانش‌آموز را در جنوب در خود جای دادند. تمام مدارس خصوصی ملی شدند. در زمینه بهداشت کار ترک اعتیاد صدها هزار معتاد به سرعت پیش رفت و مبارزه با سایر امراض به دستاوردهای بزرگی نائل آمد. جنبش وسیعی برای ایجاد مناطق اقتصادی جدید سراسر کشور را در بر گرفت. به هر



نواستعماری طبعاً با مشکلات بسیاری مواجه بود. انقلاب بسیاری از آنها را پس از رسیدگی به پرونده‌هایشان بدون قید و شرط آزاد نمود و تنها افسران و تعدادی عوامل بالای رژیم سابق را برای تجدید تربیت و پاکسازی در اردوگاه‌هایی مستقر ساخت. به این ترتیب آنها پس از طی دوره‌های تجدید تربیت سه ماهه، شش ماهه و .. آزمایش‌های لازمه به جامعه باز گردانیده شدند.

انقلاب برای نابود کردن فرهنگ استعماری فیلم‌های مبتذل و سکسی، پوسته‌های تبلیغاتی و مجلات منحرف را جمع‌آوری نمود و مردم همکاری وسیعی در این زمینه انجام می‌دادند. مراکز "احیای حیثیت زنان" برای آموزش فاحشه‌ها و مراکز متعدد ترک اعتیاد، کمک به ناتوان‌ها، یتیم‌ها و ... در سراسر جنوب برپا شد و گوش همه جانبه‌ای برای تربیت مجدد فاحشه‌ها، معتادین و ... به کار گرفته شد. فرهنگ انقلابی در سراسر کشور گسترش یافت. فیلم‌ها، اشعار، سرودها و آهنگ‌های انقلابی مورد استقبال وسیع خلق قرار می‌گرفت و جوانان اشتیاق بی‌سابقه‌ای نسبت به آن نشان می‌دادند.

با استفاده از روش‌های آزمایش شده انقلابی، انقلاب بلافاصله به مسئله بی‌سوادی در جنوب پرداخت (در شمال بیسوادی تا سال ۱۹۵۸

خانواده قطعه‌ای زمین داده می‌شد و با کمک دولت کئوپراتیوهای (تعاونی‌ها) کشاورزی شروع به شکل گیری نمودند. در عرض یک سال و نیم بیش از نیم میلیون نفر از سایگون به مناطق جدید اقتصادی پیوستند. در منطقه دانانگ که بسیاری از اهالی آن در سال ۷۵ از ترس جنگ فرار کرده و آواره بودند مجدداً اسکان داده شدند و در شهرهای دیگر نیز اسکان جمعیت بسرعت پیش رفت.

روشنفکران انقلابی و دانش‌آموزان شهرهای مختلف دست‌یاری به سوی دهقانان دراز کرده و به کمک آنان شتافتند. جنوب ویتنام که خود منطقه برنج خیزی بود تحت رژیم تئو سالانه مقدار زیادی برنج از آمریکا وارد می‌کرد. اما برنامه‌های انقلاب به زودی این نیاز را برطرف نمود. آمار زیر این مسئله را اندکی روشن‌تر می‌کند. در ظرف یک سال ۱/۸ میلیون متر مکعب شبکه‌های آبیاری و ساختمان‌های مربوط به کشاورزی در اطراف سایگون ایجاد گردید. ۵۰۰۰ کیلومتر کانال آبی ساخته و یا تجدید ساختمان شد. همچنین ۹۵۰ کیلومتر رودخانه و دریاچه مصنوعی ساخته و با تجدید ساختمان شده ۱۵۰۰۰ کانال و سدهای کوچک ساخته شد. ۲۰ هزار چاه ایجاد شده است و ...

دولت انقلابی در زمینه نابود ساختن طبقه بورژوازی وابسته به قهده در صفحه ۹

امریکا تو خالی است ویتنام گواهی است



ویتنام: در راه صلح، دمکراسی و ...

بقیماز صفحه ۸

طرحریزی برده و سراسر کشور تحت رهبری حزب برای تحقق این برنامه بسیج و سازماندهی شدند. در سال ۱۹۷۸ برای مثال تولید برق ۸۸۰۰۰ کیلووات ساعت آنتراسیت ۱/۹ میلیون تن، آپاتیت ۶۱۰۰۰۰ تن، منسوجات ۶۶ میلیون متر و ... افزایش یافته است. علیرغم شرایط نامناسب آب و هوا در سال ۷۷ و ۷۸ (سیل های بی سابقه و توفان ها) موفقیت های قابل توجهی در کشاورزی به دست آمد. تا آخر سال ۷۸ جمع زمین های مرزویی کشور به ۷/۶ میلیون هکتار رسید. مساحتی بیش از ۱/۶ میلیون هکتار زیر پوشش احیای زمین و آب رسانی قرار گرفت.

جمهوری سوسیالیستی ویتنام در پنج سال گذشته در جهت تحقق اهداف انقلابی خود و ساختمان سوسیالیسم گام های وسیعی برداشته و در این راه از همبستگی و کمک های بی دریغ خلق های سراسر جهان، طبقه کارگر و کشورهای سوسیالیستی برخوردار بوده است. اکنون پنج سال بعد از پیروزی انقلاب در جنوب، ویتنام پیشقراول صلح، ترقی و سوسیالیسم در جنوب شرقی آسیاست.

مقایسه دستاوردهای انقلاب ویتنام با برنامه هایی که در یک سال اخیر در کشور ما انجام گرفته خود مبین این واقعیت است که انقلاب تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن چگونه می تواند تمام نیروهای خلق را برای ساختمان جامعه و پیروزی کامل در جهت محور سرمایه داری و نظام استثمار انسان از انسان بسیج کرده و موفق شود. اما نیروهای غیر پرولتری به خاطر سازشکاری با نظام سرمایه داری قادر نخواهند بود قدم های اساسی در جهت نابودی سلطه امپریالیسم برداشته و دیر یا زود انقلاب را از مسیر پیروزی کامل منحرف خواهند کرد.

پیروزی های انقلاب ویتنام چه در جنگ آزادیبخش و چه در مرحله ساختمان سوسیالیسم تنها و تنها موهوب رهبری انقلابی حزب کمونیست ویتنام، خط مشی مستقل و انقلابی آن در پیاده کردن مارکسیسم-لنینیسم در شرایط مشخص جامعه ویتنام و برپاداشتن آنترناسیونالیسم پرولتری است. حزب ما رهبری درست استراتژیکی و تاکتیکی نوانست در هر مرحله نیروهای خلق را به خوبی رهبری کرده و به پیروزی های بی دریغ برساند و اکنون در مسیر ساختمان سوسیالیسم نیز با درک عمیق مارکسیسم-لنینیسم جامعه ویتنام را به سوی پیشرفت و ترقی رهبری می نماید.

در پنجمین سالگرد فتح سایگون (هوشی مین) و پیروزی کامل انقلاب ویتنام ما خود را در شادی خلق دلیر ویتنام سهم دانسته و مبارزه خود را در اتحاد و همبستگی با تمام نیروهای انقلابی جهان برای رسیدن به سوسیالیسم و کمونیسم و نابودی کامل سرمایه داری و امپریالیسم ادامه خواهیم داد. ما نیز خواهیم کوشید تا به این وصیت رفیق هوشی مین که می گفت:

« هیچ چیز عزیزتر از استقلال و آزادی نیست »

درجهت رسیدن به آزادی و استقلال میهنمان از تجربیات انقلاب ویتنام بهماوزیم. زنده باد جمهوری سوسیالیستی ویتنام

" جمهوری سوسیالیستی ویتنام " را به خود می گیرد و هانوی را پایتخت کشور قرار داد. مجلس ملی همچنین یک کمیسیون برای تدوین قانون اساسی جدید کشور تعیین نمود و ویتنام از جولای ۱۹۷۶ رسماً دارای یک دولت واحد گردید.

تشکیل کنگره چهارم حزب کمونیست ویتنام

در تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۶ چهارمین کنگره حزب کمونیست ویتنام تشکیل گردید و پس از استماع گزارش کمیته مرکزی حزب در ۲۰ دسامبر به اتفاق آراء آن را تأیید نموده و استراتژی مرحله جدید توسعه و تکامل انقلاب اجتماعی را تعیین نمود. این استراتژی وظیفه: " تبدیل ویتنام به یک کشور سوسیالیستی با اقتصاد صنعتی - کشاورزی مدرن، فرهنگ، علم و تکنولوژی پیشرفته، نیروی دفاعی مستقل و یک



زندگی معادلتبخش را مشخص می کرد. کنگره خط ساختمان سوسیالیسم در ویتنام را این چنین ترسیم می نمود:

حفظ قاطعانه دیکتاتوری پرولتاریا، ترغیب کارگران به سیادت جمعی، پیشبرد همزمان سه انقلاب، انقلاب در روابط تولیدی، انقلاب علمی و تکنیکی و انقلاب ایدئولوژیک و فرهنگی با محور قرار دادن انقلاب علمی و تکنیکی پیشبرد صنعتی کردن سوسیالیستی که وظیفه مرکزی مرحله گذار به سوسیالیسم می باشد. ساختمان سیستم سیادت جمعی سوسیالیستی، ساختمان تولید سنگین سوسیالیستی، توسعه فرهنگ جدید، ساختن انسان های جدید سوسیالیست از بین بردن رژیم استثمار انسان از انسان، از بین بردن فقر و عقب ماندگی، برپا داشتن بی وقفه دقت نظر، تحکیم دائمی دفاع ملی، حفظ امنیت سیاسی و نظم اجتماعی، ساختمان موفقیت آمیز سرزمین مادری ویتنام به یک کشور صلحدوست، مستقل متحد و سوسیالیست، کمک فعالانه به مبارزه خلق های جهان برای صلح، استقلال ملی، دمکراسی و سوسیالیسم. کنگره برنامه پنجساله (۸۰-۱۹۷۶) را

و از بین بردن رشوه خواری ها و ... اقدامات قاطع و سریعی انجام داد. تمام بانکها فوراً ملی شدند. تجارت خارجی در کنترل و انحصار کامل دولت در آمد. تجارت خصوصی برنج (یکی از مواد اساسی مورد احتیاج مردم) لغو شد و بدین ترتیب قیمت برنج در کشور تثبیت شده تحت کنترل دولت در آمد. دولت برنج دهقانانی را نیز که کشت خصوصی داشتند، خود می خرید و برنج را با قیمت ارزان در اختیار مردم قرار می داد. دولت به خانواده ها، که محتاج نقش بسیار مهمی می داد. سازمان زنان از غذائی به عهده گرفت و این امر را به خوبی انجام می داد. به زودی پس از انقلاب بیش از ۷۰۰۰ کارخانه بخصوص در قسمت صنایع سبک آغاز به کار نمودند. صنایع کوچک دستی رشد یافت و سهم قابل ملاحظه ای از تولید ناخالص جنوب را تشکیل داد که حتی برای صادرات هم استفاده می شد.

درشمال:

شمال از سالها قبل در جهت ساختمان سوسیالیسم برنامه ریزی کرده و در شرایط سخت جنگ ساختمان سوسیالیسم را به پیش رانده بود و در عین حال پشت جبهه مستحکمی را برای انقلاب در جنوب ایجاد کرده بود. در طول جنگ خرابی های زیادی در شمال ایجاد شده بود. تمام مراکز صنعتی بمباران شده و خسارت دیده بود. پل های جاده ها و راه آهن همگی ویران شده بودند. بعضی شهرها و بسیاری دهات با خاک یکسان شده و از بین رفته بودند. اما انقلاب ساختمان سوسیالیسم را همچنان به پیش رانده بود بعنوان نمونه بین سال ۱۹۶۵ تا ۷۵ یعنی ده سال تعداد بیمارستان ها در شمال از ۲۵۲ به ۴۴۲ و تحت خواب های آنها از ۶۹/۷۰۰ به ۱۰۹/۹۰۰ عدد رسیده بود. در عرض یکسال هزاران مدرسه بیمارستان و شیرخوارگاه که در اثر بمباران نابود شده بودند دوباره ساخته شدند.

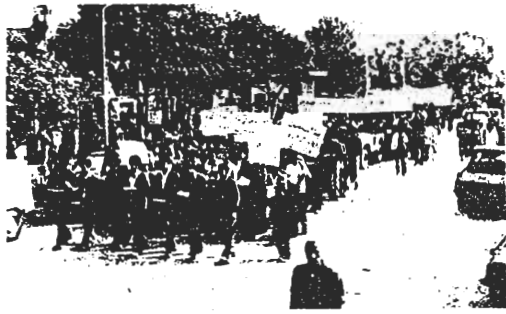
در زمینه کشاورزی، سیستم کشاورزی هیدرولیکی بیش از ۵۰۰ هزار هکتار زمین را فراگرفت و به سرعت در جهت آبیاری هیدرولیکی در سایر مناطق اقدام گردید. در مدت ۱۰ سال تولید الکتریسیته به ۲/۴ برابر تولید کودهای شیمیائی به ۲/۵ برابر و کارهای مهندسی به ۲/۵ برابر رسید. چندین مرکز عظیم صنعتی جدید ساخته شده و در یک کلام تجدید ساختمان خرابی های جنگ و تحکیم سوسیالیسم در شمال با سرعت بی سابقه ای پیش رفت.

در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۷۶ یعنی اندکی کمتر از یک سال بعد از فتح سایگون انتخابات سراسری برای تشکیل مجلس ملی جهت انجام وحدت کامل شمال و جنوب انجام گرفت. بیش از ۹۰٪ جمعیت در انتخابات شرکت کرده و ۴۹۲ نماینده از سراسر کشور از گرایش های مختلف سیاسی و مذهبی مختلف، از اقلات و طبقات گوناگون جامعه، انتخاب شدند. مجلس ملی در ۲۴ ژوئن تا ۳ جولای تشکیل گردید.

مجلس ملی اعلام کرد ویتنام متحد شده نام

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم امریکا

راهپیمائی اول ماه مه در بجنورد



شد که ضمن تاکید بر نقش ویژه طبقه کارگر در گسترش و پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌های مردم، از مبارزات کارگران و زحمتکشان برای احقاق حقوق اقتصادی و سیاسی‌شان پشتیبانی کرده و بیمان همسنگیشان را با کارگران و زحمتکشان سراسر جهان تجدید کردند.

و مملتان در صفوفی منظم با شعارها و سرودها و تلاکاردهایی که بی‌انگیزه و بی‌شرد پیشبرد قاطعانه مبارزات صدامبرالستی - دمکراتیک مهن ما و همچنین بجلی اتحاد و همسنگی کارگران و زحمتکشان بود، این روز بزرگ را گرامی دانستند. در پایان این راهپیمائی قطعنامه‌ای قرائت

در سرکرداست روز جهانی کارگر (۱۱ اردیبهشت) به دعوت گروهی از کارگران بجنورد، راهپیمائی باشکوهی برگزار شد که در این راهپیمائی در حدود ۲۵۰۰ نفر شرکت داشتند. گروه‌ها و انصار مختلف مردم، معمر - کاران، تاکسی‌رانان، قصابان، دامداران، حر و دانش‌آمواران

نقش امپریالیسم فرانسه در غارت منابع نفتی

امپریالیسم فرانسه نه تنها در رشته نفت بلکه در رشته ماشین‌سازی، صنایع اتمی، راه و ساختمان، راه‌آهن، تلویزیون، مترو و... با قراردادهای امپریالیستی در غارت و استثمار مردم میهن ما نقش بسیار فعالی داشته است.

عنوان بهره‌میلغ فوق به شرکت "اراپ" الزامی شد. نه تنها این قرار داد بلکه اکثر قراردادهای استعماری نفتی یا کشورهای امپریالیستی هنوز به قوت خود باقی است. خاطر نشان می‌سازیم که شرکت فرانسوی "توتال" که از اعضای کنسرسیوم بین‌المللی نفت است، همبا سایر شرکت‌های امپریالیستی نزدیک به ۳۰ سال به غارت و جپاول منابع نفتی ما مشغول بوده است. امپریالیسم فرانسه نه تنها در رشته نفت، بلکه در رشته ماشین‌سازی، صنایع اتمی، راه و ساختمان، راه‌آهن، تلویزیون و مترو و... با قراردادهای امپریالیستی در غارت و استثمار مردم میهن ما، نقش بسیار فعالی داشته است. امپریالیسم فرانسه هم اکنون حاضر نیست که لغو قرارداد انرژی اتمی را بپذیرد، در نتیجه یک میلیارد دلار از ثروت ما را ضبط نموده است. اینها گوشه‌ای از عملکرد امپریالیسم فرانسه در سالهای گذشته و حال در میهن ما می‌باشد. کشورهای امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به‌خوبی نشان دادند که نه تنها در غارت منابع و استثمار مردم میهن ما با هم متحدند بلکه در تحريم اقتصادی و فشار ساسی و نظامی بر خلق قهرمان و سایر خلفهای جهان سانس واحدی را پیش گرفته و خواهند گرفت.

حدود ۳۵۰۰۰ بشکه نفت از میدان نفتی "سیری" واقع در خلیج فارس را به عیما می‌برد. مبلغ ۳/۵۵۰/۰۰۰ دلار بر سبب اولین فسطوام توسعه‌ای با بهره‌ای به مراتب بیشتر از دیگر وام‌های امپریالیستی در سیرماه ۱۳۵۸ یعنی پنج ماه بعد از قیام، به شرکت فرانسوی "اراپ" پرداخت شده‌است که خود نشان می‌دهد این قرارداد امپریالیستی به همان صورتی که توسط رژیم گذشته امضاء شده بود، اجرا می‌گردد. قرارداد دوم که در سال ۱۹۶۹ منعقد شده بود، در منطقه کنگان در استان ساحلی به مسع عظیم گاز طبیعی دست یافت. شرکت فرانسوی می‌بایستی برنامه لازم برای توسعه میدان گاز و بهره برداری از آن را ارائه داده و منابع مالی آن را فراهم می‌نمود. لیکن شرکت "اراپ" اعلام عدم آمادگی نمود و مطابق آنچه در همان قرارداد به امضاء رسیده بود، می‌بایستی بدون دریافت دیناری قرارداد را فسخ می‌نمودند. ولی با توصیه دربار، قرارداد جداگانه‌ای برای فسخ قرارداد اصلی در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ به امضاء رسید که به موجب آن شرکت ملی نفت مملک گردید مبلغ ۱۲۶/۸۰۰/۰۰۰ دلار مخارج برداختی توسط شرکت فرانسوی "اراپ" را در اقساط مساوی ۶ ماهه از تاریخ ۳۱ نوامبر ۱۹۸۱ به آنها برگرداند. علاوه بر آن مبلغ ۲۷/۲۰۰/۰۰۰ دلار به

دو قرارداد "سومیران" و "اکوکو" به ترتیب در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۶۹ با شرکت فرانسوی "اراپ" برای اکتشاف و استخراج و صدور نفت از حوره‌های نفتی معینی در خلیج فارس و سواحل آن منعقد گردید معاد هر دو قرارداد امپریالیستی، با تفاوتی در جزئیات ماهیت آنها را نشان می‌دهد. این قراردادها هنوز به قوت خود باقی است. طبق همین قرارداد شرکت ملی نفت می‌بایست برای مخارج توسعه‌ای که به صورت وام به حساب شرکت ملی نفت منظور شده‌است، بهره‌ای معادل نرخ بهره بانک فرانسه به اضافه ۲/۵٪ به شرکت فرانسوی "اراپ" سر دارد و ۴۵٪ نفت تولید شده با حقیقت قابل توجه که طبق فرمول خاصی در قرارداد کجساخته شده، محاسبه گردیده و در اختیار شرکت فرانسوی قرار می‌گیرد و علاوه بر آن شرکت ملی نفت موظف است که نسبت به عهه صادرات نفت خام ۲٪ قیمت به عنوان حق‌العامل فروش نفت را صرف خرید کالاهای فرانسوی در بازار فرانسه کند. از دو قرارداد منعقد شده با شرکت فرانسوی "اراپ" آنکه در سال ۱۹۶۶ امضاء شد، به نفت رسیده و هم اکنون بطور متوسط روزانه

کارگران پیمانی آبیک

نوطئه‌های کارفرما را نقش بر آب کردند

اتر پیگیری و اتحادشان توانستند دستور استخدام را از وزارت کار بگیرند اما کارفرما، بازم از استخدام آنها سر باز زد اما اینکه پس از چندبار اعتراض و بی‌نتیجه ماندن اعتراضات، کارگران در روز شنبه ۳۰ فروردین مهندس سپهر را به گروهان کرمنه و در طغه دوم ساختمان آرماسکاه متحدم می‌نمود. کارگران پس از یک شب تحصن موفق می‌شوند کارفرما را به قبول خواسته‌هایشان وادار نمایند. در جریان این تحصن و گروهان‌گری، عددای از کارگران با آگاه به تحریک کارفرما علیه کارگران پیمانی دست به اعتراض می‌رسد. برسا عوامان کارفرما به برخی از کارگران رسمی کفه بودند که حاسد کارگران پیمانی رسمی سید، سودوره و سایر مرانی کارگران رسمی گاهس خواهد نامت ولی کارگران محصن ضمن آنکه حواسیهاسان را برای کارگران تحریک شده بوضوح می‌دهند. هفتای غمته‌های عوامانگناه کارفرما در دام بدن به اختلاف بین کارگران رسمی و پیمانی می‌برداند و اردیکر نوطئه‌های کارفرما را نقش بر آب می‌کنند.

کارگران پیمانی کارخان سمان آبیک (فروس) مذنها است که حواسنار رسمی شدن (برداشت حق مسکن، حق حوارویان، حق اولاد، اضافه حقوق و...) همسند ولی در مقابل، کارفرما با نوسل به حنده‌های کوناگون مانع از اسخدام رسمی آنها شده است. از جمله کارکنی‌های کارفرما یکی این بود که به هنگام شروع کار، کارگران را به نام کارخانه بلکه به نام یکی از معالطه‌کاران استخدام کرده‌بود با عدا محبور نبود آنها را به اسخدام رسمی درآورد و قبل از آنکه مدت کار این کارگران به ۱۰۰ روز برسد با اجراج آنها از ربر بار هرگونه کعبدی (از نظر اسخدام رسمی و پرداخت حقوق و مزایا طبق قانون کار) مانع حالتی کند که با معاونت کارگران پیمانی مواحد بد. کارفرما پس از آنکه در نوطئه اجراج آنها سکت خورد بد جمله دیگری موصل بد. بدس برست که قبل از آنکه مدت کار کارگران به ۱۰۰ روز برسد، پس از گذشت ۳ ماه کارگران پیمانی را به یک مرحصی اجسازی ۱۵ روره می‌فرستند. در مدت سه ماه، دو کار، کارگران به وزارت کار فروسین شکایت کردند و در

استقلال - کار - مسکن - آزادی



مبارزه و مقاومت...

بقیه از صفحه ۷

دانشجویان و دانشموزان پاهای کارگران و زحمتکش بیخاسته ما حماسه آفرینند. ارتش سرکوبگر لجام گسیخته و بیمناک از چنین مبارزهای انقلابی گشود و چپبازی از خون رزمندگان در خیابانهای شهرها به راه افتاد. دیگر برای رژیم کارخانه، مزرعه بازار، کوچه و خیابان، مسجد و دانشگاه فرقی نداشت. کابینه‌ها یکی بعد از دیگری عوض می‌شد، کابینه‌های زاری روی کار آمد. قیام دانشجویان و دانشموزان در ۱۳ آبان ۵۷ یکی از عوامل سقوط کابینه‌های زاری شد و بار دیگر دانشگاه به خون کشیده شد. مردم ما به یاد دارند شبی را که تلویزیون صحنه‌های از جنایات رژیم شاه را به نمایش گذاشت. آنها هرگز آن صحنه‌ها را فراموش نمی‌کنند. آنها دیدند که چگونه سربازان به فرمان فرماندهان مزدور خود سینه‌های دانشجویان را نشانه گرفتند. دانشجویان در آن روز با فریاد "مرگ بر شاه" به خون غلطیدند و در آن روز دانشگاه شهدای زیادی به جا گذاشت. با یورش ارتش به دانشگاه‌ها خشم و نفرت عمیق توده‌ها نسبت به رژیم هرچه بیشتر دامن زده شد و توده‌ها در کنار نیروهای انقلابی خلق، جوانان دانشجو و نوجوانان دانشموز خود، شاه را ساقط کردند، پادگان‌ها را به تصرف درآوردند.

توده‌ها در آن روز هرگز تصور نمی‌کردند که بعد از سقوط شاه بار دیگر شاهد چنان صحنه‌هایی از کشتار جوانان خود باشند. آنها می‌دانستند که اگر قدرت حکومتی را به دست توانای خود بگیرند دیگر هرگز هیچ قدرتی نخواهد توانست دانشگاه

را به خون کشد. اما امروز زحمتکشان ما می‌بندند که چنین نشد، آنها در اول و دوم اردیبهشت ۵۹ یعنی یکسال و چندماه بعد از پیروزیشان در سرنگون کردن شاه، بار دیگر در نهایت ناباوری و تعجب شاهد صحنه‌هایی از کشتار و وحشیگری شدند که در تاریخ یورش سرکوبگرانه به دانشگاه‌ها کم سابقه است.

حزب جمهوری اسلامی با برنامه قبلی "انقلاب فرهنگی" را توسط عده قلیلی از دانشجویان در دانشگاه‌ها علم کرد و تحت این عنوان خواست که دانشجویان و انقلابی پاک کند. شورای انقلاب و بنی‌صدر نیز بسته شدن دفاتر سیاسی دانشجویان را عنوان کردند و در جهت عملی کردن برنامه‌های خود برآمدند. دانشجویان انقلابی دریافتند که برنامه‌هایی در کار است تا سمت مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها را به آنها انحراف کنند. با تعطیلی دانشگاه‌ها از تشکل سیاسی دانشجویان پیوند جنبش دانشجویی با جنبش ضد امپریالیستی توده‌ها جلوگیری کنند. این را تجربه سالیان دراز مبارزه و مقاومت دانشجویان در سالهای قبل به آنها می‌گفت. دانشجویان انقلابی با تکیه بر تجارب خونبار خود در این زمینه و برای حفظ یکی از دستاوردهای قیام خونین خلق به مقاومتی دلآورانه در مقابل این یورش دست زدند. طراحان یورش به دانشگاه‌ها به قصد درهم شکستن مقاومت دانشجویان انقلابی دستور کشتار، دستگیری و اعدام دانشجویان را صادر کردند و به این ترتیب دانشگاه‌ها یکسال بعد از پیروزی خلق در سرنگونی شاه به خون کشیده شد و شهدای زیادی به جا گذاشت. در یورش وحشیانه باندهای سیاه و سپاه پاسداران به دانشگاه‌های سراسر ایران، دهها نفر از دانشجویان انقلابی شهید، صدها نفر زخمی و صدها نفر دستگیر شدند و اخیراً دو تن از انقلابیون اهواز در رابطه با حوادث خونین دانشگاه‌ها به دستور جنتی امام جمعه

اهواز و غرضی استاندار اهواز و البته با تأکید حزب جمهوری اسلامی و شورای انقلاب تیرباران شدند. توده‌ها انزجار خود را از چنین سیاست وحشیانه‌ای به شکل‌های مختلف نشان دادند. آنها از رادیو و تلویزیون خواستند که صحنه‌های درگیری دانشگاه‌ها را به مردم نشان دهند ولی تلویزیون عوامفریبانه دروغ شرم آوری را تحویل مردم داد مبنی بر اینکه هوا آبری بوده و نتوانسته‌اند فیلم تهیه کنند درحالیکه طبق اعلامیه‌ای که کارکنان انقلابی رادیو - تلویزیون داده‌اند، همان موقع هلی‌کوپترها از صحنه‌های خونین نبرد دانشگاهی فیلم برداشت و اینک در آرشو رادیو - تلویزیون موجود است. آنها از اینکه توده‌ها با دیدن صحنه‌های وحشی‌گری باندهای شیاه و پاسداران به خشم آیند و صحنه حمله ارتش به دانشگاه‌ها در ۱۳ آبان ۵۷ برایشان تداعی شود، این دروغ بشماره را تحویل مردم دادند اما مردم ما بسیار از این سیاست‌ها را آزموده‌اند.

ما ایمان داریم خشم فروخورده توده‌ها از جنایات بشماره‌ای که بعد از قیام تاکنون از جانب حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و باندهای سپاه وابسته به آن صورت گرفته، دبری نخواهد کشید که تبدیل به انفجاری عظیم خواهد شد و زحمتکشان ما برای بی‌ریزی دنیای آزاد و پرسعادت آینده خود بخواهند خاست.

زحمتکشان ما همچنانکه در سالهای پیش دانشجویان را در کنار مبارزات خود دیده‌اند، از این پس نیز همراه آنان به مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خود ادامه خواهند داد!

و دانشجویان انقلابی همچنان دوشادوش و پیشاپیش توده‌ها برای برپاداشتن دنیای نوین آینده گام برخواهند داشت!

بقیه از صفحه ۶

سازمان نظامی، دولت مصدق و ...

نمود. تحلیل اکثریت اعضای حزب و سازمان نظامی که از نزدیک ناظر بر اوضاع روز ۲۸ مرداد بودند این است که کمیته ابالتی تهران به تنهایی و بدون استفاده از سلاح گرم قادر بود کودتا را در نطفه خفه کند و سازمان نظامی به عنوان نیروی ذخیره مورد استفاده قرار گیرد. یعنی چنانچه به فرض محال، تشکیلات تهران از عهده کودتایچیان بر نمی‌آمد، ضربه نهائی توسط واحدها و افراد سازمان نظامی وارد می‌شد.

گذشته از همه اینها باید قبول کرد که هر سازمان سیاسی، در لحظات مشخص تاریخی، وظیفه معینی به عهده دارد. حزب توده که تا قبل از کودتا، در روزنامه‌های خود با کوس و کرنا، شعار "کودتا را به ضدکودتا تبدیل خواهیم کرد" میداد و مردم را به عوض تجهیز به قدرت خود امیدوار می‌ساخت، در اثر بی‌عملی بکلی اعتبار خود را از دست داد. در صورتی که وظیفه تاریخی‌اش حکم می‌کرد که حتی در صورت احتمال عدم موفقیت وارد عمل می‌شد. در آن صورت می‌توانست اعتماد توده‌ها را به خود جلب کند و در اوضاع و احوال کنونی از پشتوانه انقلابی گذشته‌اش بهره‌برداری نماید. خنثی ماندن حزب و در نتیجه شکست سیاسی ۲۸ مرداد نه تنها بدنه حزب را از ضربه مصون نداشت بلکه سازمان‌های حزبی و از جمله سازمان نظامی را زیر ضربه مستقیم قرار داد و همگی شناخته و دستگیر شدند بخصوص با لو رفتن سازمان نظامی، حزب

توده پوشش خود را از دست داد و زیر ضربات سنگین فرمانداری نظامی سرتیپ بختیار و اربابان امریکائی‌اش فرار گرفت و تا آخرین واحد آن لو رفت. مزید بر این ضربات فیزیکی، باید ضایعه جبران ناپذیری را که از نظر معنوی به حزب توده و افراد آن وارد شد ذکر کرد و آن دستور غلط و شرم‌آور کمیته مرکزی به افراد زندانی بود که توصیه می‌کرد برای نجات خود نسبت به حزب اظهار تنفر کنند و از مقامات حاکم درخواست بخشش نمایند.

۶- آقای کیانوری! صرفنظر از همه این مسائل مشکل خود را در یک کلمه خلاصه می‌کنم: آیا حزب توده ایران یک حزب مستقل سیاسی طبقه کارگر است یا نه زائیده بورژوازیست؟ بطوریکه ادعا می‌کنید، حزب توده ایران، حزب مستقل طبقه کارگر است. خوب، بنا به اظهارات کمیته مرکزی از انتشار جزوه "درباره ۲۸ مرداد" تا به امروز کوشش شما بر این بوده که می‌خواهید ثابت کنید بدون موافقت مصدق دست به هیچ اقدامی نمی‌خواستید بزنید. یعنی مثل یک محصل با تربیت و مطیع که برای هر امر واجبی انگشت بلند می‌کرده و از معلم اجازه می‌گرفته‌اید و بنا به گفته خودتان در تمام موارد، این معلم بگدنده به درخواست شما جواب منفی میداده است. پس ادعای شما درباره استقلال سیاسی بهبود یافته است و حزب توده را بصورت دنبالمرو بورژوازی درآورده بدهید.

سخن کوتاه. درد ما مبارزان نسل قدیم تنها اشتباهات گذشته رهبری حزب توده نیست بلکه درد تازه امثال ما این است که دستگاه رهبری حزب توده بار هم کوشش می‌کند برای حفظ و بقای خود حقایق را تحریف کرده و نسل جوان را از آموزش‌های تاریخی لازم محروم سازد. دستگاه رهبری کنونی "حزب" نیز مانند گذشته تنها همه توان خود را صرف تأمین دنباله روی جنبش کمونیستی و کارگری ایران از نیروهای غیر پرولتری می‌نماید و به این ترتیب در راه شکل‌گیری آن نیروی توانمندی که می‌باید پرچمدار پیروزی مردم و ایجاد ایران آزاد و دمکراتیک باشد، مشکلات و موانع به وجود می‌آورد.

با احترام مجدد به هیئت تحریریه نشریه "کار"

(*) - سازمان ما اعتقاد دارد که رهبران "حزب توده" بخصوص در سالهای گذشته در باره قدرت تشکیلاتی و رزمی "حزب" و سازمان افسران همیت تصویرهای مبالغه آمیز و غیرواقعی را تبلیغ می‌کردند بطوریکه در اذهان توده مردم تصویر مبالغه آمیز و غیر واقعی از توان "حزب توده" به وجود آمده بود. البته این نافی نظریات نویسنده در مورد تحقیر سازمان نظامی توسط رهبری کنونی "حزب توده" نیست. آنچه که قابل تأکید است این است که هواداران ما نیز باید از این تجربه درسهای لازم را بیاموزند و از اراکه تصاویر نادرست و مبالغه آمیز از سازمان پرهیز نمایند.

فتودالها بکمک مسئولین دولتی

برای پس گرفتن زمینها می خواهند منطقه فارس را به خون بکشند

پاسداران مستغنی از سیاه پاسداران استان فارس، در ابتدای استعفا نامه خود که به مقامات مسئول مملکتی ارسال داشته‌اند، انگیزه‌های ورود خود را به سیاه پاسداران خدمت به زحمتکشان و محرومان جامعه و مبارزه علیه ستمگران و جباران خوانده‌اند. آنها تاکید کرده‌اند که این امر تحقق نیافت و سیاه پاسداران در بیشتر موارد به حمایت از ظالمان برخاسته است تا جایی که فرمانده سپاه در نماز جمعه در حضور هزاران مسلمان از خوانین ظالم و توطئه‌گر منطقه حمایت می‌کند و این عمل دقیقا در زمانی صورت می‌پذیرد که کشاورزان و عشایر ستمدیده ما که یک عمر هستی‌تان به وسیله همین خوانین سرسپرده به تاراج رفته است بر اثر فشار و تهدید آنان در استانداری فارس و شورای انقلاب در تهران به نظم و دادخواهی نشتانند. آنها در استعفانامه خود ادامه می‌دهند: در جریان

حوادث بامانیر مسنی همه خوانین جانی و غارتگر دست بدست هم می‌دهند و با صدها نفر مزدور مسلح، عشایر محروم مسلمان را که برای دفاع از حقوق از دست رفته سالیانشان بیا خاسته بودند به محاصره می‌کشند. در این میان سیاه و نماینده امام برای پایان بخشیدن به ماجرا وارد عمل می‌شوند اما به جای پشتیبانی قاطعانه از عشایر محروم و احقاق حقوق پامال شده آنان با خوانین وارد مذاکره می‌شوند که کار را به جایی می‌رسانند که قرار می‌شود پاسداران به جای جیره‌خواران و مزدوران مسلح خوانین در سنگرها و رو در روی عشایر وارد عمل گردند پاسداران مستغنی تاکید کردند که اگر هوشیاری ما نبود می‌رفت تا نقره و یا ترکمن صحرای دیگری در منطقه برپا گردد. در همین جریان سهراب‌خان ضراغی کشکولی و محمدحسین دره شوری این عاملین سرسپرده رژیم سابق که مدارک همکاری آنان با ساواک منحلّه نیز در

دست است، توسط ما (پاسداران) دستگیر می‌شوند اما یکی دو روز بیشتر نمی‌گذرد که آقایان این توطئه‌گران را آزاد می‌کنند. پاسداران مستغنی در استعفانامه خود ادامه می‌دهند: آقایان (مسئولین منطقه) تمام نیرو و انرژی خویش را صرف تفرقه‌اندازی و... و توطئه در مدارس و دبیرستان‌ها می‌کنند. اینها همه در زمانی صورت می‌پذیرد که عاملین کشتار خونین روز یکشنبه سیاه شیراز (پیش از قیام) روز حمله به شهرپاتی که حدود شصت تن شهید و پانصد تن مجروح شدند. پس از بازجویی مختصری آزادانه به توطئه عناصر و فعالین ساواک منحلّه از قبیل تاک (رهبر عملیات ضدجاسوسی ساواک) نیکخو، (رهبر عملیات) افغانیان، (رهبر عملیات) هوشنگ سلیمی (رهبر عملیات) و معاون ساواک آبادی به سرعت یکی پس از دیگری آزاد می‌گردند هم چنین می‌نویسند: در

فاجعه دردناک سروستان که با توطئه مشترک فتودالها و دیگر عناصر مرتجع منطقه به وقوع پیوسته و در نتیجه آن دو برابر مسلمان و مبارز به نام‌های احمدعلی و حسین عسکری بد دام توطئه ارتجاعی مزبور گرفتار و سپس در دادگاه انقلاب محکوم به اعدام گردیدند و برادر بزرگتر ایشان به نام غلامعلی عسکری به حبس طولی‌المدت محکوم شد... مجرم و محرک اصلی فاجعه شیخ عبدالنسی انصاری روحانی نمای سروستانی حتی مورد سؤال قرار نمی‌گیرد و بلافاصله ارتقاء مقام نیز پیدا می‌کند در پایان می‌گویند: ما از این انحصارطلبی‌ها و تصفیه عناصر دلسوز و آگاه در دستگاه‌ها و ارگان‌های حساس انقلابی به امام امت هشدار می‌دهیم. ما بیم داریم که به زودی منطقه فارس را به آتش و خون بکشند و ترکمن صحراها و نقره‌های دیگری بیافرینند. ما بارها گفته‌ایم که عده زیادی از جوانان پرشور و

در قریه جیحون آباد از روستاهای صحنه کرمانشاه

● دوتن از کسانی که علیه فتودال منطقه مبارزه کرده‌اند پی در پی به قتل رسیده‌اند

قریه جیحون آباد در ۵۵ کیلومتری کرمانشاه قرار دارد. اکثر زمین‌های این منطقه یعنی سه قریه "جیحون آباد"، "کاکاوند" و "احمدآباد" متعلق به حفراد ایمانسی فتودال بزرگ منطقه است. کشاورزان که اکثرا فاقد زمین هستند پس از قیام زمین‌های فتودال را مصادره کردند، اکنون مدتی است که باقتل پی در پی کسانی که در مصادره زمین‌ها شرکت داشتند، روبرو هستند. حدود سه ماه قبل یکی از

هلمین قریه "جیحون آباد" به نام "بیگلری" که به همراه زحمتکشان روستادار مصادره انقلابی زمینها شرکت کرده بود و همواره در جهت بالا بردن آگاهی و متشکل نمودن روستائیان فدکاری بسیار از خود نشان می‌داد شبانه در منزل مسکونی‌اش به ضرب گلوله به قتل رسید. در تاریخ ۲۰ فروردین ۵۹ نیز یکی از اهالی روستا به نام "ابرج سریری" که اوهم برضد فتودال منطقه مبارزه کرده‌بود

به‌هنگام شکار در کوه، با گلوله کشته شد. نحوه انجام این جنایت‌ها و نیز کسانی که به قتل رسیدند به وضوح نشان می‌دهد که فتودال منطقه و عوامل مزدور او مستقیما در کشتار زحمتکشان روستادست دارند. در این میان دولت و دادگاه‌های آن نیز پس از هر جنایتی که در روستاتفاق افتاده، به منظور فریب مردم و برای آنکه دست فتودال‌ها را هرچه بیشتر در اینگونه

اعمال وحشیانه بازبگذارند به‌حای آنکه سرخ‌اصلی را بگیرند روستائیان زحمتکش دیگر و یا عده‌ای از قوم و خویش‌های کشته شدگان را بازداشت می‌کنند در این شکی نیست که اینگونه جنایت تنها از فتودال‌ها و سرمایه‌داران یعنی دشمنان مردم ساخته‌است. اما دادگاه‌ها همانطور که تاکنون در کردستان، گنبد و... نشان داده‌اند، حامی منافع آنها هستند و

نمی‌خواهند که به این آدامکشی و جنایت علنی رسیدگی کنند. فتودال منفور منطقه مدبوحانه تلاش می‌کند که از طریق به قتل رسانیدن روستائیان، روحیه مبارزاتی آنها را تضعیف کند و مانع مصادره انقلابی زمینها توسط آنها شود. لیکن او و تمام فتودال‌ها و سرمایه‌داران کور خوانده‌اند. اینبار دیگر کارگران و دهقانان برای تصفیه حساب نهایی به پا خاستند و تا حق خود را نگیرند از پای نمی‌نشینند.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

مردم کردستان صلح و آزادی ...

بقیاض صفحه ۲

سندج :

جنگ با شدت هرچه تمام تر در سندج ادامه دارد. ارتش شهر را بی وقفه زیر آتش خمپاره و توپ و راکت گرفته است. مقاومت پیشمرگان قهرمان چندین بار مانع ورود ارتش و پاسداران به شهر شده است. مساجد بصورت بیمارستان درآمدند و مردم از نظر دارو و مواد غذایی به شدت در مضیقه اند. جنایات ارتش به اوج خود رسیده است. مردم در زیرزمین ها زندگی می کنند. آب و برق شهر قطع است. اجساد هنوز در خیابانها مانده اند. بنکها (شورا - های محلی) وظیفه امداد و رساندن آذوقه و دارو را به عهده دارند. پزشکان و پرستاران صافخانه و پیکرانه همراه عده ای از داوطلبین شب و روز به مداوای زخمی ها مشغولند اما در اثر نارسایی دارویی و امکانات پزشکی بسیاری از مجروحین بعد از خونریزی های شدید به سندج شهادت می رسند. در سندج هر خانهای که از آسیب خمپاره ها مصون مانده باشد بیمارستانی است. مدرسه ها نیز بر اثر مجروحین جنگ تعطیل گردستند. امداد - گران پرشور با روحیه های سرشار از ایمان بی وقفه در جهت آزمان انقلابی خود پیش می روند. آنان سرود خوانان به کار انقلابی خود مشغولند. مجروحین را صمیمانه می پذیرند و از هیچ تلاشی برای زنده نگاه داشتن هم می پاشان فرو گذار نمی کنند. همسنگی مردم کردستان شگوه و عظمت وحدت تاریخی زحمتکشان را به نمایش گذاشته است.

۱۹ اردیبهشت

سندج :

امروز نیز مانند روزهای قبل ارتش همچنان از تهمای اطراف شهر را زیر آتش خمپاره، راکت و توپ گرفته است. ارتش عمدتاً از سلاحهای سنگین استفاده می کند. حاصل شلیکهای بی امان هوایی و زمینی ارتش در سندج ویرانی شهر و تلی از اجساد زحمتکشان است که خیابانها و کوچه ها را پر کرده است. در پیاده رویهای شهر جوی خون راه افتاده است. فرصتی برای دفن اجساد نیست. بی فضائی، بی دارویی، کمبود پزشکی و پرستاری، سستی و نداشتن سوخت، فشار فزاینده ای به روی زحمتکشان سندج می آورد اما مردم قهرمان سندج به مقاومت خود علیه تجاوزات و جنایات ارتش ادامه می دهند. در طی چند روز گذشته ارتش از خمپاره های آتش را استفاده نموده که علاوه بر به آتش کشیدن منازل سستی، عده ای را به ذغال تبدیل کرده است. علاوه بر این سلاحهای دوررسین دارگرن نیز به کار می رود. دو روز قبل یک ستون نظامی که از همدان مازم سندج بود در دهگلان به دو بخش تقسیم گردید. یک بخش آن در رسول آباد مستقر شد. این واحد که به وسیله ۲۰ فروند تانک چفتن

پاوه :

درگیریها در پاوه توسط پیشمرگان کرد تسخیر شد و از آن به بعد ارتش تلاش بسیار کرد تا تپه را از دست پیشمرگان درآورد چرا که از نظر نظامی این تپه بسیار حائز اهمیت است و ارتش که تاکنون نتوانسته است در اثر مقاومت و مقابله پیشمرگان و خلق رزمنده کرد، در شهرها پیشروی کند. برای استقرار نیروهای خود و بیمارارن شهرها احتیاج دارد که تپه های اطراف شهر را تسخیر نماید به این جهت برای چندین بار به تپه "آربابا" در پاوه حمله کرد و هر بار با به جا گذاشتن تلفات سنگینی ناچار به عقب نشینی شده است. در این روز نیز ارتش بار دیگر به تپه "آربابا" حمله کرد که با برجای گذاشتن چندین کشته و زخمی ناچار به عقب نشینی به پادگان شد و دو رتشی مزدور نیز به اسارت پیشمرگان درآمدند.



زحمتکش کرد پس از جمعیت بلبلهای سرکوب ستم و شکنجه، امروز بی خواهر ریس را در صلح و آزادی تبارد
او هرگز حواسبار جنگ برادر کشی نیست
او برای دفاع از صلح عادلانه و سرافراز انقلاب حوس خلق شکست بردوس گرفته است

نموده اند. در اثر این بیمارانهای وحشیانه ارتباط بخشهای نوسود و نودته و دیگر روستاهای این منطقه که از چندماه پیش در محاصره اقتصادی بودند، به کلی قطع شده است. رشد جنبش مقاومت خلق کرد، فرماندهان ارتش را آنچنان دچار وحشت و هراس کرده است که دیوانوار و لجام گسیخته تنها فرمانی که صادر می کنند، گفتار زحمتکشان مبارز کرده است.

سردشت

سردشت نیز مانند سایر شهرهای کردستان زیر بمبارانهای هوایی ارتش به هم جز نشان از پایداری قهرمانانه مردم دارد.

ارومیه

ملاحسنی - عده ای از اوباشان جیره خوار خود را جهت تفتیش خانه های روستائیان، به دهات اطراف ارومیه گسیل داشته است. در درگیری های پراکنده ای که بین سپاه پاسداران با مردم روستاهای ارومیه روی داده است، تلفاتی به پاسداران وارد آمده و عده ای از زحمتکشان روستاها زخمی گشته اند.

در جاده های اطراف بقیاض صفحه ۱۴

و مهیات در اختیار ارتش و پاسداران می گذارد و راهبها فقط برای عبور کامیونهای فدایی ارتش باز است در حالیکه کامیونها توده کرد حتی سوخت برای به راه انداختن تراکتورهای خود را ندارند تا لااقل محصول زمین های سرسبزشان را برداشت کنند.

پاوه

تا این تاریخ پادگان پاوه همچنان در محاصره پیشمرگان قهرمان کرد است. عده ای از سران، درجه داران و افسران از اجرای دستور فرماندهان خود جهت گشتار و سرکوب خلق دلاور کرد سر باز زده اند. روز قبل هلی - کوپترهایی که به قصد رساندن مهیات به پادگان پاوه در آسمان شهر به پرواز درآمدند بودند. با مقابله ارتش همچنان روستای قاینه و "سی جان" را به زیر آتش راکت گرفته و عده ای از روستائیان زحمتکش را به شهادت رسانده است.

پاوه

فانتومها روستاهای اطراف پاوه و مناطق آتشگاه، زردوئی دوآب و حتی پل دوآب یعنی تنها راه ارتباطی پاوه - نوسود را بمباران و منهدم

مزدوران سینه سپر کردن رسم توده ها است و سراسیمه به هر سو دویدن برای شکار انسان و به هر سباهی شلیک کردن نیز عادت مرسوم سرکوبگران و جنگ افروزان، این محکومین تاریخ است.

سنگر

مردم دلیر سقر و پیشمرگان قهرمانش زیر آتش خمپاره های ارتش به پایداری و مقاومت خود ادامه می دهند. در شلیک خمپاره های آتشزای ارتش عده ای از جمله یک پسر مرد به شهادت رسیدند. درگیری های امروزینجر به ویرانی تعدادی خانه و مجروح شدن عده ای از مردم مبارز سقر شد. در جاده سقر - پاوه طی درگیری هایی که بین پیشمرگان کرد و ارتش رخ داد، تلفات سنگینی به این واحد ارتشی وارد آمد.

در حالیکه کردستان همچنان در محاصره اقتصادی و تشدید می سرمهر، هواپیماهای بالبری سی ۱۳۰ مقدار زیادی آذوقه و مهیات به داخل پادگان سقر می ریزند مزدوران ارتش که هر کدام علاوه بر حقوق ماهانه مبلغی به عنوان پاداش و تشویق دریافت می کنند، در غارت حاصل رنج کارگران، دهقانان و زحمتکشان ما با سرمایه داران و مالکان ستم می شوند. دولت فدا، دارو

اسکرت می شد، در درگیری با پیشمرگان کرد چند خودرو و عده ای از افراد خود را از دست داد و متحمل تلفات سنگین شد. بخش دیگر این ستون که در "مارنج و شوروز" مستقر شده بود از رفتن به سندج و گشتار خلق کرد امتناع ورزید.

پاسداران در سندج که قصد داشتند از طریق تپه "طوس نوذر" به شهر هجوم آورند، با مقابله پیشمرگان رو برو شده و بعد از تحمل تلفاتی مقب نشینی کردند. پیشروی ارتش و پاسداران در شهر به دلیل مقاومت پیشمرگان به سختی صورت می گیرد. آنها از تهمای اطراف شهر و مردم را زیر آتش می گیرند. در بیمارستان سندج یک دختر جوان که یک پای خود را در اثر اصابت خمپاره از دست داده است در حالیکه سرود شمریب را با تمام وجود فریاد می زند و با صدای رسا و سرشار از امید به پیروزی می خواند: "کردستان مجبور است با این هدیه من به تو در راه آزادی پای من است! این هدیه مرا بپذیر!" چنین روحیه های سرشار از استقامت و پایداری را با چه سلاحی می توان درهم شکست؟ ایستاده و بافاشانه افزایش شهادت شدن، سرود خوانان در مقابل رگلوله های

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

مردم کردستان صلح و ...

بقیماز صفحه ۱۳

کردستان، پاسداران، سافرنین اتوبوسها را بازرسی بدنی و وسایل نقلیه را نشتی می‌کنند. آنها از ورود هرگونه مواد غذایی و دارویی و همچنین ورود گادر پزشکی به شهرهای کردستان جلوگیری به عمل می‌آورند.

۲۰ اردیبهشت عجب شب

در چندروز اخیر مردم عجبشیر شاهد فرار دسته جمعی سربازانی بودند که تن به فرمان فرماندهان مزدور برای کشتار خلق کرده‌اند و نخواستند که دست به خون هم میهنان گرد خود بیالایند در شاهرود و تبریز نیز نمونه‌هایی از فرار دسته‌جمعی سربازان دیده شده است. در شاهرود بیش از ۴۰۰ نفر از سربازان به عنوان اعتراض به سرکوب خلق قهرمان کرد پادگان را ترک کرده‌اند. سربازانی که در مقابل فرماندهان مزدور سر خم نمی‌کنند بار دیگر ثابت می‌نمایند که فرزندان خلقی ستم‌دیده و رزنده‌اند که با سلاحهای خود تنها سینه مزدوران را نشانه خواهند گرفت. سربازان درجه‌داران و افسران جزء انقلابی دسته از خدمت در ارتش سر باز می‌زنند و به توده‌های زحمتکش کرد و سازمان‌های سیاسی آنان می‌پیوندند.

سردشت

به دنبال حمله هوایی فانتومها و هلی‌کوپترهای ارتش به روستاهای اطراف سردشت عده‌ای از مردم شهر را ترک کردند. هلی‌کوپترهای ارتش به یک آمبولانس که حامل عده‌ای زخمی بود، حمله کردند و این عمل غیر انسانی و وحشیانه آنان مورد اعتراض شدید کارکنان بیمارستان سردشت قرار گرفت و آنان طی اعلامیه‌ای نفرت خود را از این عمل ضد انسانی ابراز داشتند. مزدوران ارتش طی جنگ تحمیلی جدید به کردستان و وحشیانه‌ترین جنایات را در حق گروه‌های پزشکی و امداد و کارکنان بیمارستانها مرتکب شده‌اند لیکن پزشکان، پرستاران و کارکنان بیمارستانها با ایمان و صداقت بی نظیری به وظایف خطیر خود عمل می‌کنند.

بناب

بار دیگر عده‌ای از روستائیان زحمتکش کرد که برای کار در گروه‌بخانه از بناب عازم تبریز بودند توسط پاسداران به گروگان گرفته می‌شوند. پاسداران آنها را به پاسدارخانه برده و در حیاط پاسدارخانه به زیرشان آب باز می‌کنند و تن خیس آنها را شلاق می‌زنند. نصف شب چشمان آنها را بسته و می‌گویند شما به اعدام محکوم شده‌اید. با چشمان بسته آنها را به خارج شهر برده و در آنجا تیراندازی هوایی می‌کنند. پاسداران با این عمل وحشیانه خود قصد داشتند بیهوشی کدامیک از این روستائیان سرود خواهند خواند تا شمار خواهند داد تا بدین وسیله انقلابیون را از بین آنها شناسایی کنند

مردم مهاباد در سخت‌ترین شرایط اول ماه مه را جشن گرفتند

مهاباد

کارگران و زحمتکشان مهاباد با راهبمائی و میتینگ با شکوهی عید بزرگ کارگران را جشن گرفتند. پیشاپیش صف کارگران و زحمتکشان که هریک ابزار مزدوران ارتش دارد. ارتش از حمله پیشمرگان سخت در هراس است به همین دلیل هر سباهی را که می‌بیند به سویش شلیک می‌کند و این نشانه ترس و زبونی و پوسیدگی بقایای ارتش شاهنشاهی است. تاریخ بارها نشان داده ارتشی که در برابر مردم ایستاده است، سرانجامی جز نابودی و شکست ندارد.

کارگران جهان متحد شوید
به این ترتیب همبستگی ساززاتی خود را با طبقه کارگر سراسر ایران و جهان اعلام می‌گردند.

جمعیت انبوهی از قبل در محل برگزاری میتینگ گرد آمده بود و همین که صدای شعارهای راهبمایان به گوش رسید، یکباره جمعیت حاضر در محل به غرورش درآمد:
"فریاد هر کارگر، فریاد هر بزرگوار، کار، سکن، آزادی"
سر و صدای سه‌چرخه‌های موتور کارگران و زحمتکشان به مراسم شکوه و عظمتی خاص بخشیده بود.

گرومانشا

میتینگ کارگران پیشرو که به مناسبت روز همبستگی کارگران جهان، اول ماه مه برگزار شده بود، یکبار دیگر وحشت و هراس برانگیختند و قدرت و مکتب را برانگیختند



آنها که از هر حرکت مستقل کارگران پای تا سر بر خود می‌لرزند، با کسبل چماق‌داران خود میتینگ را مورد تهاجم قرار دادند

تقدیه

تهاجم چماق بدستان و باند‌های سپاه طیفه سرمایه‌دار، در این شهر نیز مانع برگزاری جشن اول ماه مه شد.

جوانان پیشگام بوکان

برای یاری به مردم سقز اردوگاه‌های صحرائی ساختند

مردم سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و بمب و توپ و راکت، خانه و کاشانه خود را رها می‌کنند و به شهرها و دهات اطراف می‌روند.

سپه‌نایان هم‌رزم خود استقبال نمود اما به دلیل محاصره اقتصادی شدید، تامین غذا، دارو و سوخت برای ۳۰ هزار مهاجر با مشکلات فراوانی مواجه شد. انبوه جمعیتی که از جنایتکاران ارتشی نفرتی عمیق به دل گرفته‌اند، در سرتاسر شهر بوکان جلسات بحث و گفتگو و مشاوره به راه انداخته‌اند. آنها از تجاوزات و جنایات ارتش و پاسداران به همدیگر می‌گویند سیاست جنگ‌افروزان را محکوم می‌کنند و از صلحی عادلانه دفاع می‌نمایند. از طرف دیگر کمبود ازیاق عمومی دارو، سوخت و مسکن آنها را به فکر چاره انداخته است. در این میان جوانان پیشگام بوکان با هوشیاری انقلابی خود به موقع وارد عمل می‌شوند و طرح برهائی

میدانان هم‌رزم خود استقبال نمود اما به دلیل محاصره اقتصادی شدید، تامین غذا، دارو و سوخت برای ۳۰ هزار مهاجر با مشکلات فراوانی مواجه شد. انبوه جمعیتی که از جنایتکاران ارتشی نفرتی عمیق به دل گرفته‌اند، در سرتاسر شهر بوکان جلسات بحث و گفتگو و مشاوره به راه انداخته‌اند. آنها از تجاوزات و جنایات ارتش و پاسداران به همدیگر می‌گویند سیاست جنگ‌افروزان را محکوم می‌کنند و از صلحی عادلانه دفاع می‌نمایند. از طرف دیگر کمبود ازیاق عمومی دارو، سوخت و مسکن آنها را به فکر چاره انداخته است. در این میان جوانان پیشگام بوکان با هوشیاری انقلابی خود به موقع وارد عمل می‌شوند و طرح برهائی

مجدد در کردستان، عده‌ای از اهالی شهر سقز برای در امان ماندن از آتش خمپاره و توپ و راکت ارتش، خانه و کاشانه خود را رها کرده و به بوکان مهاجرت کردند. آنان منتظرنا بر خلاف تبلیغات رادیو - تلویزیون از "ارتش با آغوش باز استقبال" ننمودند بلکه با ورود ارتش و پاسداران به شهرشان، اضط خود را در خطر دیدند و با تخلیه شهر اعتراضی خود را نسبت به ورود ارتش نشان دادند. با روی آوردن سبل مردم به بوکان، تراکم جمعیت این شهر فزونی گرفت. مردم بوکان تامین مسکن و غذای مهاجرین را به عهده گرفتند هر خانواده بوکانی چند نفر از مهاجرین را در خانه‌اش جا داد و به گرمی از

تصحیح خبر در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ صفحه اول ستون دوم - پاراگراف دوم، نوشته بودیم: "سازمان ما متعاقب اعلام آتش بس... خبر به این صورت تصحیح می‌شود: سازمان ما قبل از اعلام آتش بس از طرف هیئت نمایندگی، اطلاعاتی درباره برقراری آتش بس در تاریخ ۵۹/۲/۱۰ داد که متن کامل اعلامیه در "کار" ویژه کردستان شماره ۳ آمده است"



خلق قهرمان کرد، خواستار قطع جنگ

و صلح عادلانه در کردستان است

● بمباران شهر سنندج، یرقاب خمپاره ها و کشتار وحشیانه

مردم این شهر به دستور چه کسانی صورت می گیرد؟

مردم آگاه و مبارز ایران!

در برابر امپریالیسم امریکا نیاز دارند، می خواهند صوف مردم را پراکنده ساخته و جنگ داخلی در میهن ما به راه اندازند. حزب جمهوری اسلامی و روزنامه آن که با تحریف حقایق و دروغ پردازی و ایجاد تفرقه و دشمنی در میان مردم، ضربات مهلکی به انقلاب مردم ما وارد آورده است همچنان کانون اصلی مدافعان جنگ کردستان و کشتار خلق کرد است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که همواره در افشای نقشه های دوستان و جاسوسان امپریالیسم امریکا و مبارزه قاطع با دشمنان خلقهای قهرمان ایران لحظهای از پای ننشسته است به همه مردم میهن هشدار می دهد و بیکار دیگر اعلام می دارد که قطع جنگ و استقرار صلحی عادلانه در کردستان خواست خلق کرد و همه انقلابیون ایران است ما قاطعانه اعلام می داریم که با جنگ و کشتار نمی توان مردمی را که برای کسب حقوق خود بپا خاسته اند، از ادامه مبارزات حق طلبانه باز داشت. همه آنان که می خواهند با سرکوب و کشتار خلق کرد بحران کردستان را پایان دهند، تنها به رسوائی خود دامن می زنند و این را اثبات می کنند که هیچ وقت قادر نیستند از تاریخ درسهای لازم را بیاموزند. در میان کسانی که چنین اندیشه های را تبلیغ می کنند، بی گمان دستهای پیدا و ناپیدای امپریالیسم امریکا را باید جستجو نمود. زیرا جنگ در کردستان و کشتار خلق کرد تنها به گسترش پراکندگی ها و دشمنی ها در میان مردم ایران خواهد انجامید و از تفرقه و پراکندگی تنها دشمنان مردم ما، یعنی امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن سود خواهند برد.

ما مسئولیت جنگ در کردستان و عواقب فاجعه بار آن را متوجه شورای انقلاب و شخص رئیس جمهور می دانیم و از همه مقامات مسئول و سازمان ها و نیروهای ضدامپریالیست و مردمی می خواهیم که برای پایان دادن هرچه سریع تر جنگ در کردستان اقدام نمایند.

سرکوب خلق کرد، بدون تردید مردم کردستان را - علیرغم میل سرکوبگران - در پیشبرد جنبش مقاومت آبدیده تر و مصمم تر خواهد ساخت. تاریخ همه جنبشهای ترقیخواه و انقلابی نشان می دهد که پیروزی از آن مردمی است که مصممانه برای کسب حقوق و مطالبات عادلانه خود بپا خاسته و مبارزه می کنند. ما با تاکید بر این حقیقت، یادآوری می کنیم که در موقعیت حساس کنونی عواقب ادامه جنگ در کردستان، مبارزات ضدامپریالیستی خلقهای سراسر ایران را با مخاطرات جدی روبرو خواهد ساخت.

ما قاطعانه اعلام می داریم که قطع جنگ و تلاش مسالمت آمیز برای تامین مطالبات خلق کرد، در جهت وحدت صفوف خلقهای قهرمان ایران است و مردم ما را در مبارزه برای نابودی سلطه امپریالیسم امریکا توانا تر خواهد ساخت. خلق کرد و سازمان های سیاسی نماینده آن با آگاهی بر این حقیقت در اعلام آتش بس پیشقدم بوده و برای دستیابی به صلحی عادلانه و جلوگیری از جنگ و کشتار مردم ما همه توان خود تلاش و مبارزه می کنند. ما از همه عناصر آگاه و همه نیروهای ترقیخواه می خواهیم که ماهیت سرکوبگران را افشا کرده و خواسته های عادلانه زحمتکش کردستان را به گوش همه مردم میهن بخصوص زحمتکش میهنمان برسانند.

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان
نابود باد جنبه جنگ طلبان

فشرده تر باد صفوف خلقهای قهرمان ایران علیه
امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

یکشنبه ۲۴ اردیبهشت ۱۳۵۹

جنگ تحمیلی سنندج، روز بروز ابعاد فاجعه بار تری پیدا می کند. دامنه دومین جنگ تحمیلی به مردم کردستان، اکنون از شهر سنندج و جنوب کردستان به سرتاسر کردستان در حال گسترش است. بمباران سنندج و کشتار بی سابقه و وحشیانه مردم سنندج در هفته های اخیر نشان می دهد که سرکوب خلق کرد، اینبار در مقیاسی به مراتب خونبارتر از جنگ تحمیلی گذشته در دستور کار طرفداران سرکوب خلق کرد قرار دارد.

مردم کردستان و سازمان های سیاسی مسئول و انقلابی خلق کرد، همواره و در تمام دوران ۱۵ ماهی که از قیام شکوهمند خلقهای ایران می گذرد، بیزاری خود را از جنگهای تحمیلی اعلام داشته و همیشه آماده بوده اند به جای جنگ برادرکشی با مذاکره و مسالمت حقوق عادلانه ای را که بیش از ۵۰ سال برای به دست آوردن آن مبارزه کرده و جان بهترین فرزندان خود را در این راه نثار کرده اند، تثبیت و تحکیم بخشند.

خلق کرد و سازمان های سیاسی آن بارها اعلام کرده اند که مبارزه آنان برای کسب حقوق دمکراتیک و آزادی های سیاسی، به ویژه در راه تامین حق خودمختاری، جزئی از مبارزه دلاورانه خلقهای ایران برای رهائی از سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و تامین حق تعیین سرنوشت مردم ایران به دست خود مردم بوده و هست. خلق کرد تامین این حقوق را برای تحکیم بیکارچگی مردم ایران و تحکیم صفوف ضد امپریالیستی خلقهای میهن ضروری دانسته و ادعای سرکوبگران را دایر بر وجود تمايلات تجزیه طلبانه در میان مردم کردستان اتهام و دروغی می داند که برای لوٹ کردن مبارزات مردم کردستان و ایجاد تفرقه در صفوف خلقهای ایران به کار گرفته شده است.

مردم مبارز ایران!

سازمان های سیاسی کردستان و پیشمرگان خلق کرد تا کنون دوبار اعلام آتش بس کرده اند و با تمام توان خود خواستار قطع جنگ و استقرار صلح عادلانه در کردستان شده اند با این همه فرماندهان ارتش و سپاه پاسداران همانطور که در مطبوعات رسمی کشور نیز درج شده است از هرگونه آتش بس خودداری کرده و بر ادامه جنگ و کشتار مردم کردستان اصرار دارند. مدافعان سرکوب خلق کرد، که رادیو و تلویزیون و دیگر وسایل تبلیغاتی را در اختیار دارند، با دروغ و وارونه جلوه دادن حقایق مربوط به کردستان کوشش می کنند مردم را فریب دهند و حقایق جنگ را از آنان پنهان نگاهدارند. مدافعان سرکوب خلق کرد، آشکارا از جنگ برادرکشی دفاع کرده و قطع بمباران ها و پایان جنگ در کردستان را "خیانت" به خلقهای ایران توصیف می کنند. آنان بی شرمانه در شرایطی که میهن ما در معرض انواع تجاوزها، توطئه ها و دسایس امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن قرار دارد، در شرایطی که پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی و خنثی کردن توطئه های دشمنان مردم ما وحدت هرچه بیشتر خلقهای قهرمان ایران را ضروری ساخته است، در شرایطی که مخرب ترین نیروی نظامی امپریالیسم امریکا در خلیج فارس و سرزمین های زیر سلطه خاورمیانه کمین کرده است تا خلقهای مبارز ما را به خاک و خون کشاند، در راه گسترده تر کردن دامنه جنگ تحمیلی کنونی تلاش می کنند و درصددند جنگ و کشتار را در سراسر کردستان گسترش دهند. آنان برای تضعیف مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما، تلاشهای مذبحانهای را آغاز کرده اند. آنها در شرایطی که خلقهای میهن ما بیش از هر زمان به وحدت عمل

کمکهای مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	تاریخ
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰
۵۱
۵۲
۵۳
۵۴
۵۵
۵۶
۵۷
۵۸
۵۹
۶۰
۶۱
۶۲
۶۳
۶۴
۶۵
۶۶
۶۷
۶۸
۶۹
۷۰
۷۱
۷۲
۷۳
۷۴
۷۵
۷۶
۷۷
۷۸
۷۹
۸۰
۸۱
۸۲
۸۳
۸۴
۸۵
۸۶
۸۷
۸۸
۸۹
۹۰
۹۱
۹۲
۹۳
۹۴
۹۵
۹۶
۹۷
۹۸
۹۹
۱۰۰

مادر نخستین روزهای پس از قیام ضرورت تغییرات پولی و جمع آوری اسکناسهای درست را اعلام کرده بودیم!

پانزده ماه تأخیر در تغییر سیاست پولی دولت

میلیون ها تومان به مردم میهن ما ضرر رساند

داخل کشور باشند و از رمالهایی که توسط کارگزاران آنان به دستشان می‌رسد، استفاده کنند. بدین ترتیب نقل و انتقال ارز قاچاق خود تجارتهای پر سود می‌شود. در بسیاری از موارد دو سر جریانی قاچاق ارز به یک جا ختم نمی‌شود. تاجر صادرکننده یا وارد کننده که می‌تواند با سوء استفاده از موقعیت خود مقداری ارز خارجی را به نرخ رسمی در حساب خود در خارج نگهدارد، این ارز را در داخل با نرخی بقیه در صفحه ۲

باز می‌گردانند. این قاچاقچیان ارز چه کسانی هستند؟ اینان تجار بزرگی هستند که از یک طرف می‌توانند از طریق نیرنگهایی که در کار صادرات و واردات وجود دارد، در حسابهای خود در بانکهای خارجی ارز نگهداری کنند و از طرف دیگر برخلاف غارتگران فراری می‌توانند در

ماههای بهمن و اسفند ۱۳۵۷ به حدی بود که اسکناسهای درشت کمیاب شده بود. این اسکناسها را غارتگران فراری در خارج به قاچاقچیان ارز می‌فروشدند و آنان نیز اسکناسها را به ایران بزمی‌گردانند. سود قاچاقچیان ارز در این است که اسکناسهای ایرانی را به قیمتی بسیار ارزان

دولتها، طی ۱۵ ماهی که از قیام می‌گذرد، برخی از سرمایه‌داران و جنایتکاران فزایی که نتوانسته بودند همه ثروت خود را به پولهای خارجی تبدیل کنند باقیمانده آن را به صورت اسکناسهای هزار تومانی و پانصد تومانی به خارج قاچاق پول ایرانی در

در دو هفته گذشته، بالاخره پس از پانزده ماه تأخیر و تعلل دولت اعلام کرد که اسکناسهای هزار تومانی را تا آخر ماه جاری از دور خارج خواهد کرد. ما در همان نخستین هفته‌های بعد از قیام ضرورت اتخاذ چنین سیاست پولی را اعلام کرده بودیم و در نتیجه تزلزل شورای انقلاب و

پيام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به

جبهه خلق برای آزادی ساقی الحمراء و ریودواره پولیساریو

به مناسبت سالگرد تشکیل جبهه پولیساریو

رفقای انقلابی!

شادباشهای رفیقانه ما را به مناسبت این روز تاریخی بپذیرید. مبارزات عادلانه و برحق خلق صحرا برای کسب استقلال و آزادی و رسیدن به جامعه‌های مستقل با زیربنای سوسیالیستی، تحت رهبری جبهه پولیساریو تاکنون ضربات بی در پی و شدیدی بر پیکر استعمار فرتوت اسپانیا، امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و رژیم‌های دست نشانده آنها چون رژیم ارتجاعی سلطان حسن وارد کرده، و موجب شور و شغف نیروهای انقلابی سراسر جهان گردیده است. تشکیل جمهوری دموکراتیک عربی صحرا که از طرف بسیاری از جنبشهای آزادیبخش و کشورهای سوسیالیستی و مترقی جهان به رسمیت شناخته شده است، نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم صحرا جهت رسیدن به اهداف تاریخی خویشاست. پیروزی‌های مستمر انقلابیون صحرا چشم‌انداز روشن پیروزی نهائی را به خوبی ترسیم نموده است و دیر نیست روزی که خلق صحرا سراسر خاک میهن خود را از لوٹ وجود نیروهای استعماری امپریالیستی و ارتجاعی پاک نموده و جامعه آزاد و دموکراتیک خود را بنا نهند.

خلق‌های استمدید سراسر جهان و از آنجمله خلق‌های ایران و صحرا در مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع در کنار یکدیگر قرار دارند و مبارزه خود را مشترکاً و با همبستگی عمیق انترناسیونالیستی به پیش می‌برند و در این راه از حمایت و همبستگی اردوگاه سوسیالیستی و طبقه کارگر جهانی برخوردار می‌باشند و با نیروی لایزال خود سرانجام امپریالیسم را به گور خواهند سپرد.

خلق‌های قهرمان ایران همبستگی خود را با مبارزه خلق صحرا علیه دشمن مشترک امپریالیستی همواره اعلام داشته و خود را در پیروزی‌های شما سهم می‌دانند. در سالگرد این روز تاریخی یک بار دیگر گرم‌ترین درودهای خود را به شما اعلام داشته و دست شما را در مبارزه مشترکمان می‌فشاریم.

پیروز باد مبارزات خلق‌های صحرا و ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۰ اردیبهشت ۱۳۵۹

در شماره آینده "کار" بررسی مختصری در باره تاریخچه جنبش آزادیبخش خلق صحرا در راه رسیدن به استقلال و آزادی درج خواهد شد.

چرا علیه نیروهای انقلابی بخصوص فدائیان خلق

اخبار جعلی منتشر می‌کند

"سخنگوی کمیته مرکزی امروز اعلام کرد: یکی از اعضای شاخه نظامی گروه بختیار همراه با ده عدد بمب دستی، یک عدد نارنجک دست‌ساز، مقدار زیادی اعلامیه‌های چریکهای فدائی خلق و اعلامیه‌های چپی دیگر هنگام کار گذاشتن بمب در یکی از خیابان‌های تهران توسط گروه ضربت کمیته مرکزی دستگیر شد...."

در پایان این مطلب دوباره چنین نوشته شده است: "وی ادامه داد هنگام دستگیری از شخص نامبرده اعلامیه‌های چریکهای فدائی و اعلامیه‌های گروه‌های چپی و ده بمب دستی و یک..."

امروز هرکس که ذره‌ای آگاهی سیاسی داشته باشد، بخوبی می‌داند که اینگونه اکاذیب که بازها در روزنامه‌ها چاپ شده و رادیو شب و روز امثال آن را به خورد مردم می‌دهد، تا چه حدی بی‌پایه و بی‌اساس است. نه تنها مردم این دروغهای کثیف را باور نمی‌کنند بلکه قطعا و همانگونه که تاکنون دیده‌ایم اشاعه اینگونه اخبار و تلاش برای بی‌اعتبار ساختن نیروهای انقلابی خلق، که شاه و ساواک او از مستکران آن بودند، همواره باعث بی‌اعتنایی و نفرت و بی‌زاری هرچه بیشتر مردم از منابع و سرچشمه‌های این جعلیات شده و عملاً وسیله‌ای برای شناختن ماهیت جاعلین آن بوده است. اما به هر حال این جعلیات می‌تواند کسانی را که هنوز از حداقل آگاهی‌های سیاسی برخوردار نیستند، بفریبد و آنان را از شناخت دوست و دشمن برای مدتی باز دارد.

اشاعه و چاپ اینگونه جعلیات هدفهای زیر را دنبال می‌کند:

۱- پنهان کردن دستهای جنایتکاری که با بمب‌گذاری در اماکن پرجمعیت، آتش زدن کتابخانه و به خون کشیدن اجتماعات مردم و ایجاد رعب و وحشت، قصد دارند این تصور را در مردم ایجاد کنند که بدون قدرت گرفتن نیروهای امنیتی (ساواک و شبکه‌های جاسوسی) و فرماندهان نظامی وابسته به امپریالیسم آمریکا، این نابسامانی‌ها و خرابکاری‌ها ادامه خواهد یافت و بدین وسیله زمینه را برای تقویت هرچه بیشتر شبکه‌های امنیتی، تقویت ارتش و حکومت نظامیان فراهم کنند. بدیهی است که مادام که این دستهای جنایتکار ناشناخته بمانند، به راحتی می‌توانند به هدفهای شوم خود ادامه دهند.

۲- کسب اعتبار برای عناصر سرسپرده‌ای چون بختیار و غیره از طریق چسباندن آنها به نیروهای انقلابی. این کار روحیه ساواکی‌ها و عناصر سرسپرده به امپریالیسم را تقویت می‌کند و آنان را به ادامه اعمال خویش تشویق می‌نماید.

۳- ایجاد بدبینی و عدم اعتماد در مردم نسبت به آشتی ناپذیرترین دشمنان امپریالیسم آمریکا.

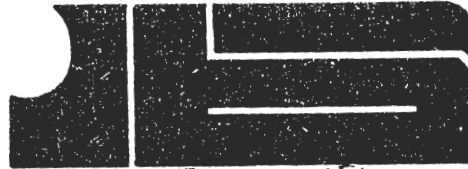
۴- ایجاد زمینه برای تهاجم علیه نیروهای انقلابی و سرکوب آزادی‌های سیاسی و همه ثمرات انقلاب.

۵- ایجاد تشنت در میان مردم و جلوگیری از آگاهی و اتحاد مردم که امروز برای مقابله با امپریالیسم آمریکا بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد.

روشن است که جعل و اشاعه اینگونه اکاذیب بیش از همه امپریالیسم آمریکا را که دوستان و دشمنان خود را می‌شناسد، خوشحال و خشنود می‌کند. بدون شک کسانی که طراح و مجری این برنامه‌های بی‌شرمانه هستند، عده‌ای از سران آگاهی و قطعا برخی با آگاهی کامل در خدمت امپریالیسم آمریکا قرار دارند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

تنگنا



سخنان رهبر جمهورو

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

آنچه که در هفته گذشته جناحها و جریان های مختلف درون حاکمیت در باره بحران کردستان بر زبان راندند، مدو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد.

۲ صفحه

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

”باید بدانند ما شه را به خاطر چه
و به سوی چه کسانی می چکانند!“

از آغاز جنگ خونین اخیر بهمیچ قیمت دست خود را به در کردستان، ارتش دچار خون زحمتکشان میهنشان تب و تاب و جوش کم بیالایند، پادگان ها را به سابقای است سربازان، عرصه فعالیت ترقیخواهانه و درجه داران و افسران جز آفاگرانه خود بدل انقلابی که حاضر نیستند بقیه در صفحه ۱۶

برای مقابله با امپریالیسم آمریکا اتحاد همه زحمتکشان یک ضرورت قاریخی است

امروز میهن ما یکی از پراهمیت ترین سنگهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی است. مبارزه شورانگیز مردم ما تاکنون به پیروزیهای چشمگیری دست یافته است. این مبارزه اینک از مرزهای ایران گذشته و در ابعادی جهانی توجه صدها میلیون زحمتکش در بند جهان سرمایه داری و توجه همه نیروهای مترقی جهان را به خود جلب کرده است. این مبارزه امروز تاروپود امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا را به لرزه در آورده است. پیروزی یا شکست مبارزات مردم ما تاثیری عظیم بر مبارزه پرولتاریای جهانی، خلق های زیر سلطه جهان و کشورهای سوسیالیستی علیه امپریالیسم جهانی و دولت های دست نشانده آن دارد و هم از این رو است که زحمتکشان جهان، احزاب و سازمان های ترقیخواه جهان اردوگاه سوسیالیستی از جنبش ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ما بی دریغ و قاطعانه حمایت می کنند و عمیقاً نگران سرنوشت آن هستند و باز از همین رو است که همه دولت های امپریالیستی و رژیم های ارتجاعی و دست نشانده جهان در پشت سر امپریالیسم آمریکا و علیه مردم ما صف آرای گردمانند.

وقتی به اهمیت این مبارزه سرنوشت ساز، به پیوند عمیق آن با مبارزه پرولتاریای جهانی و نیروهای ترقیخواه علیه سرمایه داری جهانی و به تاثیری که هرگام از پیروزی و یا شکست آن بر سرنوشت صدها میلیون زحمتکش ایران و جهان دارد بیاندیشیم، بیش از پیش به اهمیت سیاست های درست و حرکات و موضعگیری های اصولی نیروهای ترقیخواه میهنان می بی بریم و بیش از پیش درمی یابیم که هراشتباه نیروهای ترقیخواه سیاسی که بر پیگر این جنبش خراش وارد می کند، چه ابعاد خیانت آمیزی به خود می گیرد و بر عکس هر تلاشی که این جنبش را گامی به جلو راند و این سنگر مبارزه را متحد و استوارتر سازد چه خدمتی عظیم در راه آرمان پرولتاریای ایران و جهان و خلق های ستمدیده ایران و جهان به حساب می آید. وقتی عمیقاً به این واقعیت ها توجه می کنیم سنگینی، حساسیت و عظمت مسئولیتی که تاریخ بر دوش فرد فرد عناصر آگاه و مبارز جنبش کمونیستی ایران گذاشته است، بقیه در صفحه ۲

تکثیر از سازمان دانشجویی ایران

نودمین سالگرد تولد رفیق هوشی مین گرامی باد!



مرگ برتر از بردگی است
در سراسر وطنم
باردیگر پرچم های سرخ در اهتزازند
و درست در این لحظه
باید در درون زندان به سر برم
گی از زندان رها خواهم شد
تا نقش خود را در جنگ برعهده گیرم
از یادداشت های زندان -
رفیق هوشی مین

نودمین زادروز رفیق هوشی مین رهبر کبیر خلق ویتنام، انترناسیونالیست و میهن پرست انقلابی گرامی باد. یاد رفیق هو و مبارزاتش همواره الهام بخش مبارزات طبقه کارگر و خلق های سراسر جهان خواهد بود.

در این شماره:

یادداشتی از سرپروژه کردستان
• مردم کران مرکز بودند، خبر تا ارتش "۱۳۵۹" پای همه علوم کرد
• هیچک از جوانان به آسانی دست از سر خلقی خود بر نخواهند داشت.
آنجا که شوراها و واحی کارگری برار خاله حاکم است
کارگران باید با افزایش تولید و بهره وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند
گرانی از ارتش:
مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

چه کسانی
به جای صلح، جنگ را دامن می زنند؟
یازدهمین اجلاس
"اتحادیه سراسری روسانی ترکمن صحرا"
با موفقیت به کار خود پایان داد
گرایشات آنارشویستی
و سندیکالیستی "بیگان"

نقش اوپک در مبارزه علیه امپریالیسم!

بزرگترین صادر کننده نفت در کشورهای عضو اوپک است. کشورهای امپریالیستی با همکاری رژیم حاکم بر عربستان سعودی برگزار شد. با جمعیتی نزدیک به ۹ میلیون نفر بقیه در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را
علیه امپریالیسم آمریکا تحکیم بخشیم

سخنان رئیس جمهور و

تلاش ما برای استقرار صلح عادلانه در کردستان

امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه " جنگ تحمیلی " را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال امروز بیش از پیش آشکار می شود که حل صلح آمیز مسائل کردستان تاجه اندازه برای پیشرفت مبارزه مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا اهمیت دارد. ما همیشه " جنگ تحمیلی " را محکوم کرده و از استقرار صلح عادلانه در کردستان دفاع کرده ایم. در عین حال

این حقیقت که بحران کردستان با راه حل های نظامی نمی تواند خاتمه یابد در عین حال از آموزش های بزرگ تاریخی نیز ناشی می شود. خلق کرده است مشکل سازمان یافته است بر حقوقی که سالیها متنادی پیوسته در آن مبارزه کرده است آگاهی و ایمان کامل دارد.

جناحها و جریان های مختلف. درون حاکمیت درباره بحران کردستان بر زبان راندند دو نحوه برخورد و تلقی نسبت به مسئله کردستان را آشکار کرد. در کنار نیروهای که آشکارا از جنگ و ادامه جنگ در کردستان سخن گفتند، رئیس جمهور، ضمن تأکیدهایی که بر اعمال حاکمیت جمهوری اسلامی و مقابله با کسانی که این حاکمیت را زیر علامت سؤال قرار داده اند کرده از امکان تحقق صلح آمیز مطالبات خلق کرد و ضرورت کوشش برای پایان دادن به جنگ کردستان سخن گفت و تأکید کرد که امکان حل صلح آمیز بحران کردستان وجود ندارد. باید از چنین امکانی بیشترین بهره گیری را کرد. رئیس جمهور با انتخاب داریوش فروهر برای مذاکرات صلح کردستان گام عملی مثبتی به جلو برداشت. به گمان ما، این بخش از مواضع رئیس جمهور از جانب همه آن کسانی که قادرند بحران کردستان را در چارچوب مبارزه علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا مورد بررسی قرار دهند نمی تواند مورد استقبال قرار نگیرد.

بازی مقابله با امپریالیسم

عمیقا احساس می کنیم. امروز از سوی مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم آمریکا در ابعاد وسیع جریان دارد و خلق ما در این مبارزه دشوار از حمایت همه نیروهای ترقیخواه جهان برخوردار است و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا با تکلیف بر طبقه سرمایه دار ایران و به یک آیدادی خود و شبکه های جاسوسی خویش که حتی الامکان تقویت کرده است همه نیرو و تجربه خویش را برای دلسرد کردن و سرخورده ساختن زحمتکشان ما از مبارزه، جلوگیری از اتحاد عمل افشار و طبقات خلق ما، ایجاد جو بدبینی و خشونت میان مردم و صانعت از اتحاد عمل و هماهنگی نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست و خلاصه به هدر رفتن انرژی انقلابی میلیون ها زحمتکش به پا خاسته ایران به کار گرفته است.

دست نشانده خود را در ایران بر سر کار آورده و بدین ترتیب جنبش ضد امپریالیستی خلق های مختلف را با خطر جدی روبرو ساخته و سرکوب کند. با این چشم انداز است که اوضاع و شرایط کنونی میسرمان را بسیار حساس می بینیم. روزهای سرنوشت ساز در پیش داریم. روزهایی که هر نیروی ترقیخواه و ضد امپریالیست و هر کسی که قلبش برای استقلال و آزادی ایران می تپد باید با احساس مسئولیت کامل و به دور از هرگونه ناشکیبایی و داوری های عجولانه به استقبال آن برود و اگر نه می تواند اشتباهاتی مرتکب شود که تاریخ از آن به عنوان خیانت یاد خواهد کرد. با این چشم انداز می بینیم که بیش از هر زمان دیگر باید همه سلاجه و قلمها به سوی امپریالیسم آمریکا و متحدان داخلی آن نشانه رود و باید کاری کنیم که چنین شود.

بقیه از صفحه ۱

در این راه امپریالیسم آمریکا می کوشد با تحریم اقتصادی علیه مردم ایران به گرائی مایحتاج زحمتکشان دامن زند، دامنه بیکاری را افزایش دهد و این توهم را در بخش هایی از مردم که هنوز به آگاهی کافی نرسیده اند، ایجاد کند که گویا رژیم سرسپرده امپریالیسم می توانست شرایطی بهتر از امروز برای مردم فراهم سازد و در همین حال با تبلیغات گسترده خویش از رادیوها و مطبوعات رسمی و غیر رسمی خویش و از بلندگوهای دولتی های ارتجاعی از یک طرف تلاش دارد زمینه های اقدامات نظامی را در ایران فراهم سازد و از طرف دیگر روحیه بازماندگان رژیم سابق، طبقه سرمایه دار ایران، زمینداران بزرگ و فرماندهان امپریالیستی ارتش و هزاران ساواکی را تقویت کند و با بهره برداری از سیاست های نادرست دولت و حرکات سرکوبگرانه آن و تاراج های بی شمار مردم، زمینه را برای نیرو گرفتن و به قدرت رساندن محافل راسته به خود هموار سازد.

امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن شده اند که به هر قیمتی شده مبارزه طبقاتی مردم ما را علیه امپریالیسم به مبارزه میان صفوف مردم بدل کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی و جدت خلقها و زحمتکشان ایران را خندشان سازند. امپریالیسم جهانی می کوشد مبارزه طبقه کارگر علیه سرمایه داری و مبارزه دهقانان زحمتکش را علیه زمینداری بزرگ به مبارزه میان خلقها، مبارزه میان نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست مبدل سازد و تا آنجا که می تواند در صفوف نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست شگاف ایجاد کند. و این در حالی است که محافل جنگ افروز و سرکوبگر درون هیئت حاکمه که قاعد هرگونه تجربه سیاسی بوده و بخاطر اعمال و حرکات ضد مردمی و خشونت بار خود تاکنون میلیون ها تن را درمی راند که در جریان سرنگونی شاه فعالانه در مبارزه داشتند منفعل ساخته و یا به طرفداری از جبهه لیبرالها واداشته است، هنوز به اعمال جنگ افروزانه و ضد مردمی که خود را می دهند و درست در برابر این حادفکریانات انحراف به چپ جنبش کمونیستی و لیبرالها روبرو بیشتر به اعمال آتاریستی و شعارهای سرنگونی کشنده می شوند و ناگفته پیداست که این دو پیوسته بر هم تاثیر می گذارند و هر یک زمینه و بستر حرکات مخرب دیگری را فراهم می کند و اگر وضع بدین منوال پیش رود صفوف ضد امپریالیستی توده ها چنان تضعیف می شود و تشنج و درگیری و خشونت میان مردم چنان بالایی گیرد که نتیجه اجتناب ناپذیر آن قدرت گرفتن جبهه ضد انقلاب و به قدرت رسیدن حکومت دست نشانده امپریالیسم آمریکاست.

ما رئیس جمهور را به این واقعیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه تاریخی و آگاهی سیاسی و برخورداری از راه استقرار صلح عادلانه که حقوق کردستان را در چارچوب مطالبات حوظ طلبانه آنان را در هم شنکند، از هرگونه کوششی کوتاهی ابعادی قانع تر از پیش

امپریالیسم آمریکا، به ویژه پس از ملاقات بازرگان با بروینسکی که خشم انقلابی توده ها، تسخیر مرکز جاسوسی آمریکا توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، سقوط دولت بازرگان را در پی داشت و نیز پس از تحولات ماههای اخیر و سرخسج نیروهای ترقیخواه و انقلابی، " دانشجویان پیرو خط امام " و شخص آیت الله خمینی به این نتیجه رسیده است که تنها با سرنگونی حکومت کمونی و روی کار آوردن عناصری مثل بختیار و نژیبه و امثالهم و با به قدرت رساندن فرماندهان نظامی، می تواند سیاست های خود را در ایران دنبال کند و هدف خود را که به شکست کشاندن و سرکوب جنبش خلق ما است به پیش برد. امروز گام آشکار است که تلاش امپریالیسم آمریکا برای تحمیل یک سیاست مریو توسط مهرهای خود نیز درون حاکمیت با شکست روبرو شده است. از این رو در شرایط کنونی جهت گیری عمده امپریالیست اعمال فشارهایی از بیرون است. از همین روست که ما امروز شاهد آنیم که از یک سو عناصری از محافل سرمایه داران لیبرال امثال بختیار و نژیبه با حمایت همه جانبه امپریالیسم جهانی و به پاری شبکه های وسیع تبلیغاتی امپریالیست دست به تبلیغاتی گسترده علیه حکومت کمونی زده و تلاش دارند میلیون ها مردمی را که در نتیجه افزایش گرانی و بیکاری عدم تحقق بسیاری از خواست های دموکراتیک توده ها و خشونت های خونبار حکومت از حمایت آن سرباز می زنند، به سوی خود جلب کنند و از سوی دیگر با تمرکز تفککداران درباری خود در خلیج فارس و با پاکبانهی نظامی پاکستان عمان و عربستان سعودی و با سازماندهی هواداران رژیم شاه در مصر و اسرائیل و عراق و ارسال و توزیع سلاح در میان فئودالها و خوانین مرتجع مناطق جنوبی و مرکزی کشور در فرسجی، سانس و به تک فرماندهان ارتش حکومت

بر این اساس ما مصمم که بیش از پیش برای استقرار صلح در کردستان و جلوگیری از گسترش دامنه جنگ در این منطقه تلاش کنیم و از تلاشهای صلح طلبانه ای که در برخی محافل حکومت دیده می شود استقبال می کنیم. ما موظفیم عناصر جنگ افروز را که محافل جنگ افروز حکومت و چه آنها که با چپ رویها و حرکات آتاریستی خود بزرگترین خیانتها را به جنبش ضد امپریالیستی خلق ما روا می دارند و زمینه رشد گرایشات ضد دموکراتیک و جنگ افروزانه جناحهایی از حکومت را فراهم می کنند و ابدینسان جنگ ضد امپریالیستی مردم را به جنگ میان مردم تبدیل می کنند، افشا کنیم، ما مصممیم با توجه به مسئولیت عظیم سازمان با حرکات آتاریستی و شعارهای سرنگونی به ویژه حرکات چپ زبانه ای که توسط آتاریست ها در میان طبقه کارگر مینما ما دامن زده می شود به گونه ای همه جانبه مبارزه کنیم. ما باید کاری کنیم که به جنبش آتاریستی که دستور کشند دانشجویان زندانی را می دهند " مانده های سیاه را رهبری می کنند و امروز طبقه کارگر را به بندازند، بنیوانند مبارزات درخشان خلق ما را به انحراف کنند و بگماندازند قدرت باشند و نهدیروها و عناصری که باحرکات چپ روزه خود عمل در کنار ما می آورند، قرار گرفته و بزرگترین ضربات را به جنبش مینما ما وارد می سازند، بنیوانند جنبش را به انحراف کشند، امروز طبقه کارگر اعانه و هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران است که در این راه بکوشند و با قاطعیت و ایمانی استوار به میان مردم بروند و آنان را از حقایق آگاه سازند و طریق دوستی را که باید در پیش گیریم، تبلیغ و ترویج نمایند.

ما رئیس جمهور را به این واقعیت توجه می دهیم که تلاش برای سرکوب نظامی خلق کرد و سازمان های سیاسی رهبری کننده آن چیزی جز آسیب رساندن جدی به هدفها و آرمان های مردم ما نیست و فکر می کنیم که رئیس جمهور به آن اندازه از تجربه تاریخی و آگاهی سیاسی و برخورداری از راه استقرار صلح عادلانه که حقوق کردستان را در چارچوب مطالبات حوظ طلبانه آنان را در هم شنکند، از هرگونه کوششی کوتاهی ابعادی قانع تر از پیش

رئیس جمهور بازم حاضر شد تا ملین فاجعه
تزو رهبران خلق ترکمن راه مردم معرفی کند

با اینکه آقای رئیس جمهور در مناظره تلویزیونی به مردم قول داده بود جنبشگرانی که رهبران خلق ترکمن را در زندان جمهوری اسلامی به شهادت رسانده اند معرفی و مجازات کند، اما تا کنون هیچ گامی در این جهت برداشته است.

اخیرا رئیس جمهور در روزنامه انقلاب اسلامی چنین نوشته است: "روشن رئیس جمهوری بر قاطعیت است. استوار ایستاده است تا حاکمیت دولت (یعنوا بنی صدر) درهمه جا برقرار شود. هیچ چیز را از یاد نمی برد. همانطور که در برابر این گروهها می ایستد، در برابر کسانی هم که خود را هوادار جمهوری اسلامی می دانند اما خود سری می کنند، می ایستد. به این گروه نیز همدار می دهد که هنوز از یاد نبرده است که ۳ نفر کیند بدون آنکه سرکامه بشوند، از بین برده شدند و هروقت باشد علان این کار را به یاد می کند و به مجازات می رساند. (انقلاب اسلامی - ۲۳ اردیبهشت).

ما باز دیگر تأکید می کنیم که بدون معرفی و مجازات این جنبشگران، این فاجعه بازم اتفاق خواهد افتاد. آقای رئیس جمهور اگر واقعا خواستار آزادی، صلح، سیاسی و معامنت از اعمال جنبشگران باند های سیاه است، باید عاملین این جنایات را که برای رئیس جمهور کاملا شناخته شده هستند، به مردم ایران معرفی کند.



به جرم داشتن عقاید سیاسی معلمان را اخراج می‌کنند!

اخیرا در وزارت آموزش و پرورش، برای سرکوب دبیران آموزش و پرورش دست می‌زنند. این شیوه سرکوب که نشانه ورشکستگی ایدئولوژیک و اخلاقی طراحان آن است، بدون تردید با اعتراضات وسیع مردم، معلمان و دانش آموزان روبرو خواهد شد و شکست و رسوائی حتمی طراحان آن را به دنبال خواهد داشت در زیر نامه یکی از دبیران آموزش و پرورش را به وزیر آموزش و پرورش که در اعتراض به اخراج خود نوشته است، می‌خوانید

جناب آقای رجایی وزیر آموزش و پرورش ایران
احتراما، در تاریخ دوم اردیبهشت ماه جاری از طرف اداره کل آموزش عشایرنامه‌های کوتاه با امضای آقای مومنی مدیر کل آموزش عشایر به دستم رسید که مضمونش چنین است "آقای اشکوس چنین طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران طبق دستور تلفنی آقای کثیرانی معاون وزارت آموزش و پرورش از این تاریخ هیچ سمتی در آموزش و پرورش ندارید. ۱۳۱۳؟ خبلی جالب و بحث‌انگیز است! برای هر انسانی این سؤال مطرح می‌شود: ۱- مگر کارمندان و فرهنگیان آموزش و پرورش تلفنی استخدام شده‌اند که باید تلفنی برکنار شوند؟ ۲- مگر می‌شود در جمهوری اسلامی که خودش را طرفدار قانون الهی و انسانی می‌داند بدون محاکمه، بدون دلیل، به صورت شاهنشاهی کارمندان را و معلمان را عزل و نصب کرد؟

زندانی می‌انداختند و شکنجه می‌کردند؟
۵- من ۱۷ سال در بدترین شرایط در ایلات و روستاهای فارس معلم بودم بر علیه رژیم شاهنشاهی جنگیده‌ام - زندان رفتم شکنجه شده‌ام و اکنون هم با عوامل خان و عوامل ساواک در سیزدهم آتیا شما چنین افرادی را نمی‌توانید تحمل کنید؟ من چنین نامهای خصوصیت‌آمیز را توهین به مقام معلم می‌دانم و علیه مومنی مدیر کل آموزش عشایر و کثیرانی معاون وزارت اعلام جرم می‌کنم وزارت آموزش و پرورش و سایر مسئولین قضائی موظفند در قبال این مسئله پاسخگوئی تصمیمات خود در برابر مردم عشایر - فرهنگیان و دانش آموزان و دانشجویان باشند.

رو نوشت به نشریه "کار"

بسمه تعالی
آقای اشکوس طالبی دبیر دانشسرای مقدماتی دختران اداره کل آموزش عشایر؛
به موجب دستور تلفنی بامداد روز ۳۰ فروردین ۵۹ جناب آقای کثیرانی معاونت محترم وزارت آموزش و پرورش هیچگونه سمتی در وزارت آموزش و پرورش ندارید.
خلیل مومنی
مدیرکل آموزش عشایر

نقش اوپک در مبارزه با...

بقیة صفحه ۱

عربستان سعودی روزانه نزدیک به ۹/۵ میلیون بشکه نفت خام مردم عربستان را چپاول می‌کنند و اکثریت مردم عربستان در ابتدائی ترین شرایط زندگی به سر می‌برند. سیاست نفتی رژیم حاکم بر عربستان سعودی به عنوان اهرمی علیه کشورهای مترقی و ضد امپریالیست عضو اوپک بکار می‌رود. رژیم حاکم بر عربستان سعودی سیاست دیکته شده توسط انحصارات امپریالیستی را مو به مو اجرا می‌کنند. نقش دولت عربستان و دیگر رژیم‌های دست نشانده امپریالیسم در اوپک، در شرایط کنونی که امپریالیسم جهانی با بحران انرژی و مشکلات اقتصادی دست به گریبان است، بیش از هر زمان متوجه سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اکنون کمبود و گرانی منابع انرژی و به ویژه نفت به شکل حادی بروز کرده است و مستقیماً در مجموع سیستم تولیدی امپریالیسم تاثیر می‌گذارد و در جهت تشدید بحران کشورهای امپریالیستی عمل می‌کند.

مبارزه ضد امپریالیستی رو به گسترش خلق‌های سراسر جهان مواضع کشورهای مترقی و ضد امپریالیست در اوپک را تقویت نموده و اکنون جناح نیرومندی را در اوپک تشکیل داده است. تا جایی که دیگر سیاست انحصارات امپریالیستی که از طریق کشورهای نظیر عربستان سعودی بر اوپک اعمال می‌شد نمی‌تواند بطور یکجانبه به پیش رود.
وابستگی مطلق کشورهای امپریالیستی به ویژه اروپای غربی و ژاپن به نفت صادراتی کشورهای اوپک و رشد مبارزه ضد امپریالیستی در کشورهای عضو اوپک، که در کاهش تولید و افزایش قیمت نفت صادراتی خود را نشان می‌دهد بحران انرژی را عمیق‌تر کرده است. بحران انرژی در شرایط کنونی بیش از هر زمانی سبب تشدید تضادهای امپریالیستی شده است. و ابعاد این تضاد را

می‌توان در تصمیم‌گیری کشورهای اروپای غربی و ژاپن در مورد تحریم اقتصادی ایران و یا تحریم مبادلات تجاری با ژوروی به خوبی مشاهده نمود.
در کنفرانس اخیر اوپک در طائف، جناح مترقی و ضد امپریالیست توانست نسبتاً حدودی نظریات خود را پیش برد و برای بررسی همه‌جانبه‌تر مسائل نفت پیشنهاد شد که وزیران خارجه کشورهای امپریالیستی و نفت و دارائی کشورهای اوپک برای بررسی روابط "کشورهای تولید کننده نفت" و "مصرف کنندگان عمده صنعتی" کنفرانسی تشکیل دهند. همچنین تصویب شد که برای قیمت گذاری نفت خام اوپک با توجه به تورم و تغییر ارزش‌ها و میزان رشد کشورهای عضو اقتصاد سازمان توسعه همکاری‌های اقتصادی سیستمی تعیین شود یکی از مهمترین تصمیمات کنفرانس اوپک در طائف چنین بود که هیچ یک از کشورهای عضو اوپک میزان تولید خود را برای جبران کاهش تولید نفت ایران افزایش ندهند.

تصمیم دیگر اوپک به نقل از مصاحبه مین فر وزیر نفت (اطلاعات ۲۰ اردیبهشت ۵۹) در مورد پیوند دادن قیمت گاز صادراتی کشورهای عربی اوپک یا بهای نفت خام بود. طبق این تصمیم افزایش آتی قیمت گاز تابع افزایش قیمت نفت می‌گردد. کنفرانس مشترک ایران - الجزایر - لیبی برای ایجاد جنبه مشترک در سیاست‌های صادراتی نفت در تضعیف کشورهای نظیر عربستان سعودی بی تاثیر نبوده است و اقدامی در جهت مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های منطقه است. اتحاد عمل این کشورها در کام‌های نخست خود سبب افزایش قیمت گاز صادراتی الجزایر شد. این اتحاد عمل در کنفرانس طائف اثرات خود را در افزایش قیمت‌های نفت و گاز و کاهش تولید و صادرات نفت خام برجای گذاشت. و همچنین کوششی در جهت قیمت‌گذاری واقعی نفت بود.

تجاوز به حقوق دهقانان زحمتکش "پسرلوانگوت"

اردبیل

لیکن هیچ نتیجه‌ای از این شکایات عایدشان نشده است. مسئولین زاندارمری و پاسداران منطقه از همان ابتدا جانب غاصبین زمین را گرفته‌اند و به شکایات روستائیان هیچ ترتیب اثری نداده‌اند.

روستائیان مرفه این زمینها را غصب کرده و کاشته‌اند. زحمتکشان روستا برای جلوگیری از تجاوزات آنها، تاکنون بارها بطور دسته‌جمعی به "گرمی" و "تازه‌کنند" رفته و به زاندارمری و سپاه پاسداران شکایت برده‌اند.

"پسرلوانگوت" از روستاهای شهر اردبیل است در این روستا زمینی بوسعت ۱۲۰۰ هکتار وجود دارد که به تمام روستائیان تعلق داشته و برای چرانیدن گوسفندان بطور جمعی مورد استفاده واقع می‌شده است در چند ماهه اخیر دو تن از

بسیج مسلح توده‌ها ضامن پیروزی خلق‌های ماست

دستگاههای تبلیغاتی امپریالیسم جهانی

علیه مردم ما بسیج شده‌اند

چندی است که تبلیغات امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن دامنه و وسعت چشمگیری یافته است. اینک دشمنان مردم که منافع خود را در مرض نابودی می‌بینند سازمان یافته تر و بی‌پروا تر دست به کار شده‌اند. رادیکال‌های تبلیغاتی امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن کوشش می‌کنند با به راه انداختن تبلیغات پر سر و صدا به اتکای خواست‌های برآورد شده مردم و با بهره‌گیری از ناراضی‌تی‌ها و عصیان‌های در حال گسترش آنان نیات پلید خود را پیش برند. سیاست تبلیغاتی آنان هدف‌های زیر را دنبال می‌کنند:

- ۱- با پخش اخبار و مطالب نادرست سعی دارد تا جهت و سمت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنان را از سنت اصلی خود منحرف کرده و توده‌ها را از ادبانه مبارزات خویش دلسرد کند.
- ۲- مخدوش کردن مرز میان دوستان واقعی مردم با دوستان و جاسوسان امپریالیسم.
- ۳- ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه خلق هر و لوث کردن مبارزات بروح آنان؛ به ویژه لطمه وارد کردن به جنبش مقاومت خلق کرد.
- ۴- کسب حیثیت برای خود از طریق نزدیک جلوه دادن خود به نیروهای انقلابی.
- ۵- اشاعه و رواج فرهنگ مبتذل.
- ۶- سازماندهی و هدایت ایادی امپریالیسم در ایران. با توجه به اهداف این سیاست، افشای نیات پلید امپریالیسم که با کمک دوستان و جاسوسان داخلی تبلیغ می‌شود، جزء وظایف انقلابی نیروها و سازمانهای ترقیخواه است. وظیفه نیروهای آگاه و انقلابی است که برای مردم نقشه‌های جدید تبلیغاتی امپریالیسم امریکا و عواملش مانند بختیار را توضیح دهند. و نگذارند امپریالیست‌ها و دوستان و جاسوسان آن مردم ما را بفریبند.

اقدام پرستل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد که:

باید بدانند ماشه را ... بقیه از صفحه ۱۶

منصور حاج قاسمی همچنانکه در روزنامه جمهوری اسلامی مورخ یکشنبه ۲۸ اردیبهشت ماه نیز درج شده است، صرفاً به خاطر مبارزه برای ایجاد شوزاها و داشتن معتقدات سیاسی ترقیخواهانه بوده است. ستوانیار سوم، منصور حاج قاسمی، تنها به این دلیل اعدام گردید که معتقد بود: باید بدانند ماشه را به خاطر گی و به سوی چه کسانی می‌چکند! پرستل انقلابی ارتش اعتقاد دارد که کشف تمامی توطئه‌های طرفداران شاه و امپریالیسم امریکا در درون ارتش و کوشش در جهت اتحاد عمل با نیروهای ضد امپریالیسم جهانی به منظور خنثی کردن امپریالیسم امریکا است.

یازدهمین اجلاس

"اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا"

باموفقیت به کار خود پایان داد

یازدهمین نشست اعضای اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا، به منظور بحث و تبادل نظر پیرامون چگونگی برداشت محصول و وظایف و برنامه شوزاهای دهقانی در فصل درو، و ... در تاریخ ۱۴ اردیبهشت ۵۹ برگزار شد و با اتخاذ تصمیمات مهمی باموفقیت به کار خود پایان داد.

شرکت کنندگان در "اجلاس" ابتدا، با اعلام یک دقیقه سکوت، خاطره شهدای به خون خفته خلق، از جمله شهیدان جنگ تحمیلی اخیر ترکمن صحرا را گرامی داشتند. آنگاه یکی از اعضای "اتحادیه"، برگزار کننده یازدهمین اجلاس آن را شادباش گفت و سخنانی درباره اهمیت شوزاها و اتحادیه سراسری بیان داشت و گفت: "اتحادیه سراسری" که در راه کسب حقوق از دست رفته دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا مبارزه می‌کند همواره با کینه و دشمنی زمینداران بزرگ روبرو بوده است این دشمنی برای ما دهقانان و زحمتکشان نشانه حقانیت "اتحادیه سراسری" است. ما تلاش و توطئه‌های زمینداران بزرگ را برای درهم شکستن "اتحادیه سراسری" خنثی خواهیم کرد و بر آنان پیروز خواهیم شد. اعضای اتحادیه سپس به بحث و بررسی پیرامون مسائل مختلف پرداختند. برداشت محصول و نقش "اتحادیه سراسری" در این رابطه، جنگ تحمیلی کردستان، حمله به دانشگاهها به بهانه انقلاب فرهنگی، کوشش سراسری برای نابودی تشکلهای صنفی - سیاسی دانشجویان، شکست تجاوز نظامی امریکا، اهمیت اول‌ماه و نقش سراسری کارگر در

پیروزی مبارزات زحمتکشان روستا، از جمله مسائل مهمی بود که مورد بررسی قرار گرفت. یکی از اعضای "اتحادیه" ضمن سخنرانی در مورد اهمیت سیاسی و اقتصادی برداشت محصول، خاطره نشان ساخت که: "مسئله درو و برداشت محصول امسال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. زیرا برداشت موفقیت‌آمیز محصول امسال در واقع نشانه پیروزی روز افزون زحمتکشان ترکمن صحرا، در تمامی زمینه‌ها، از جمله امر تولید است."

او سپس در رابطه با چگونگی تقسیم کار به هنگام برداشت، حفاظت از محصولات درو شده، جلوگیری از اقدامات خرابکارانه سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سخن گفت و یادآوری کرد که حفظ محصول و کوشش در افزایش تولید گندم و جلوگیری از ضایعات در جهت مبارزه با امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن است. ما باید برای مقابله با محاصره اقتصادی امریکا، گندم بیشتری برداشت نماییم. شرکت کنندگان در "اجلاس" پس از این سخنرانی، در مورد کارشناسی عناصر ضد خلقی در امر برداشت محصول و حمایت پاره‌ای از مقامات مسئول از زمینداران بزرگ به مذاکره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که: "این وظیفه شوزاها است که ماهیت این اعمال را برای مردم توضیح دهند و به آنها نشان دهند که ان شیوه‌ها راه به جایی نمی‌برد و گواه این امر هم پیروزی‌های چشمگیر خلق تشکلهای سراسری ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوزاهای خلق ترکمن، شادباش خونینی است که به آنها می‌گوید.

تعمیل شد. مسئله زحمتکشان غیر ترکمن (سیستانی‌ها) نیز از جمله سائلی بود که در "اجلاس" به بحث گذاشته شد. اعضای اتحادیه متفقاً برهمسنگی مبارزاتی همه خلقها تاکید کرده و ضرورت تقویت هر چه بیشتر زمینه‌های وحدت "سیستانی‌ها" و "ترکمن‌ها" را که همه توسط یک دشمن مشترک یعنی طبقه سرمایه‌دار و زمینداران بزرگ، استثمار می‌شوند، یادآور شدند. در این رابطه تصمیم بر آن شد که به منظور افشای سیاستهای ارتجاعی دولت و فئودال‌ها برای ایجاد درگیری بین زحمتکشان ترکمن و "سیستانی" از تجربه تشکیل "شورای مرکزی" مرکب از نمایندگان شوزاهای همه ملیت‌ها اعم از ترکمن و غیر ترکمن استفاده شود. در پایان نشست، از آنجا که هنوز مسائل مهمی وجود داشت تصمیم می‌بایست در مردشان تصیم گیری شود. قرار شد کنگره شوزاها هرچه زودتر برگزار شود. برگزاری موفقیت آمیز اجلاس "اتحادیه سراسری روستائی ترکمن صحرا" نشانه رشد و گسترش مبارزات عادلانه خلق ترکمن و پیروزی جدیدی در راه تأمین صلح زمین و آزادی برای زحمتکشان است. جانبازهای زحمتکشان ترکمن صحرا و موفقیت روز افزون روشنفکران انقلابی آن در راه آگاه نمودن و شکل توده‌ها بدون تردید دستاوردها و تجربیات گرانبایی برای دهقانان سراسر ایران دربر خواهد داشت. سازمان ما، پیروزی نوین خلق ترکمن را با گرم‌ترین درودها، به دهقانان و زحمتکشان ترکمن صحرا و اتحادیه سراسری شوزاهای خلق ترکمن، شادباش می‌گوید.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند



گزارشی از اراک :

مشکل گرانی و زندگی طاقت فرسای مردم

گزارشی که در زیر می‌خوانید حاصل تحقیق و مطالعه رفقای ما در اراک است. این گزارش با جمع‌بندی نظریات ۲۷۰ نفر از اقشار متفاوت مردم اراک تهیه شده است. ما اقدام رفقا را در تهیه چنین گزارشی ستایش می‌کنیم و خاطر نشان می‌سازیم که تنظیم گزارشات صحیح، عینی و منطبق بر واقعیات، وظیفه‌ای انقلابی است که ما را در شناخت صحیح وضعیت مردم و اتخاذ تاکتیک‌های درست یاری می‌رساند. ما از همه رفقا می‌خواهیم که با تنظیم و ارسال چنین گزارشی نقش فعال‌تری در پیشبرد صحیح وظایف انقلابی بر عهده گیرند.

رفقا! جنبش کمونیستی ایران در شرایط کنونی به شناخت هرچه عینی‌تر از وضعیت مردم و "جامعه" نیازمند است و این نیاز را ما موظفیم با گوش پی‌گیر همه رفقا برطرف سازیم.

با پرفروغ‌ترین امیدهای کمونیستی برای شما

از روزهای قیام تا انتخابات ریاست جمهوری، اعتماد توده‌ها به مسئولین حکومتی، یک سیر نزولی مشخصی را پیموده است. در این میان "آیت الله خمینی" با موضوع گیری‌های خاص خود همچنان حلقه‌ای اتصالی است بین توده‌ها و حکومت. ایشان در مجموع توانسته‌اند گرانش توده‌ها را به نفع حاکمیت - نسبتاً - حفظ نموده و در توقعات و انتظارات رفاهی توده‌ها - به نوعی - تعدیل ایجاد نمایند. در واقع این حلقه‌ای اتصال توانسته است تا حدودی سیاست "صبر و انتظار" را جایگزین اعتراضات مردم نماید. لیکن این نگرش به هیچ وجه نباید ذنب این گرانش باشد که پس توده‌ها خواست‌های رفاهی خود را - در این مدت - رها کرده‌اند.

واقعیات نشان می‌دهد که اعتراضات اقتصادی - سیاسی نوین توده‌ها - از روزهای بعد از قیام تا امروز - تکامل جینی خود را طی کرده و جدیدی از حیات، مراحل بعدی خود را آغاز نماید. بی‌توجهی به این مساله برای جنبش کمونیستی ایران خطری جدی در بر خواهد داشت.

ارزیابی نقطه نظر توده‌ها به روشنی نشان می‌دهد که دیگر سیاست "صبر و انتظار" بطور محسوسی جای خود را به "بیان آشکار خواست‌ها" داده است. مثلاً با هرکس صحبت کنی، گرانی را به عنوان یکی امر واقع و پدیدهای غیرقابل انکار می‌پذیرد.

متعصب‌ترین افراد مذهبی نیز که باور داشتند "برای نان و خربزه انقلاب نکرده بودند" اکنون از گرانی دل خونی دارند و مانند همه زحمتکشان کلافه شده‌اند. اقشار میانی نیز در نهایت، ناراضی هستند و حتی لایه‌هایی از گروه‌های مرفه مردم نیز، "گرانی" را انکار نمی‌کنند.

از بین ۲۷۰ نفر از طبقات و اقشار مختلف که مورد ارزیابی قرار گرفته، تنها ۱ نفر آدم خیلی مرفه آنهم در برخوردی کاملاً سطحی و گذرا گفته:

"هیچ چیز گران نیست." می‌شود به جرات گفت:

مشکل "گرانی" به عنوان یک واقعیت غیرقابل انکار صد درصد در بین تمامی طبقات و اقشار مردم این شهر به صورتی حاد مطرح است و دیگر جای تردید و بحث باقی نگذاشته است. در نتیجه تنها نکته‌ای که این گزارش - در حد توان خود - بدان توجه نموده است، نوع برخوردها و عکس‌العمل‌هایی است که مردم نسبت به پدیده "گرانی" از خود نشان داده‌اند.

۱- اقشار تحتانی کارگران و سایر زحمتکشان شهروستا: در حدود ۶۰ درصد از افرادی که در این بخش مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند، از گرانی و کمبود مواد اولیه زندگی کاملاً "کژنزه" به نظر می‌رسند. ۴۰ درصد بقیه نیز به شدت اظهار ناراضی کرده‌اند. گاهی اعتراضات شکل "ضجه" به خود گرفته است: "پدرمون درآمده"، "ای آقا، باید سرمون بذاریم و ببریم"، "می‌سوزیم و می‌سازیم".

نکته‌ای که در این بخش از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، شناختی است که توده‌ها نسبت به کشف ریشه‌های اصلی "گرانی" پیدا کرده‌اند. عموماً می‌گویند "علت همه این گرانی‌ها سرمایه‌داران و امریکایی‌ها هستند".

یک موج مخالفت آشکار علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم در رابطه با فشارهای اقتصادی شکل گرفته است که آهنگ رشدش بسیار تند است. در این رابطه آهنگ رشد آگاهی‌های سیاسی - طبقاتی توده‌ها بسیار چشمگیر است. استدلال "دکاندرها" عامل گرانی‌اند" در بین توده‌ها رنگ باخته است. حتی آن جایی که از

"فروشنده‌گان" و "محتکران" صحبت به میان می‌آید بیشتر عمده فروشها و سرمایه‌داران مورد نظرشان است. دیگر به ندرت می‌شود در بین توده‌ها کسی را پیدا کرد که "کمینه‌ها" را عامل گرانی قلمداد کنند. در این بخش تنها ۲ مورد از این نحوه تفکر دیده شده است.

جملات زیر را توده‌های مردم در گفتگوهای خویش تکرار می‌کنند:

"گفتیم بنی‌صدر وضع را درست می‌کند که فقط حرف می‌زند، اهل عمل نیست"، "همان وعده و وعیدهای زمان شاه" این دولت هم دولتی نیست که به فکر ما باشد". به جز امام همه‌شون امریکایی‌اند" و ...

شورای انقلاب و بسیاری از لیبرال‌های درون حاکمیت اتوریته‌ی خود را از دست داده‌اند. مخالفت‌های آشکاری نیز با "بازرگان" شروع شده که قبلاً به ندرت در بین مردم عادی اراک دیده می‌شد. بطور مشخص او را "سرمایه‌دار" و "سازشکار" می‌نامند.

روستائیان بیشتر یا خشم و کینه از "گرانی" و "مسئولین حکومتی" صحبت می‌کنند. در روستاهایی که مساله‌ی ارضی مطرح است، در بین روستائیان که دنبال وام و ادارات کشیده شده‌اند انگیزه‌های تازه‌ای از بی‌اعتمادی به وجود آمده، که است که وزارت کشاورزی در برابر مطالبات دهقانان و مساله‌ی زمین اعمال کرده است.

عده‌ای نیز "مردم" را مقصر دانسته‌اند که تعدادشان ناچیز است. این دسته از زحمتکشان می‌گویند:

" بنی‌صدر تازه روی کار آمده، باید ببینیم چه می‌کند؟"، " دولت باید همه چیز را خودش کنترل کند"، " باید از طریق تعاونی‌ها فروش اجناس کنترل شود"، " در اسلام صبر هست باید صبر کرد"، " بنی‌صدر می‌تواند وضع را درست کند"، " آخر او نماینده‌ی امام است" و ...

یک نفر نیز گفته است: این گروه‌ها نمی‌گذارند. در مجموع کسانی که نظریاتشان زمینه‌هایی از استدلال‌های فوق را به همراه دارد، کاملاً در اقلیت می‌باشند.

۲- لایه‌های میانی کارگران و خریده بورژوازی: اساس تفکر توده‌های این بخش نیز با قسمت اول تفاوت چندانی ندارد. جز آنکه استدلال‌ات آنها - کم و بیش - رنگ و بوئی از تاریخ سیاست و اقتصاد را نیز به همراه دارد. بررسی خواست‌ها و نظریات مردم به وضوح نشان می‌دهد: آنجا که اعتراضات و مبارزات توده‌ها ناشی از یک مشکل مشترک و ملموس‌تری باشد، اقشار و طبقات خلق به هم نزدیک شده و به روشنی می‌شود در بین آنان اعتقادات مشترکی یافت.

کسبه نیز گرانی را از "بالا" دانسته و عامل آن را "سرمایه‌داران" می‌دانند. در استدلال آنان غالباً دو وجه مشخص دیده می‌شود. اول آنکه گرانی را مشخصاً به سرمایه‌داران نسبت می‌دهند. دوم آنکه سعی میکنند با این استدلال توجیهی نیز برای گران - فروشی‌های خود پیدا کنند. رویهمرفته کسبه درباری مشکل گرانی، واقفا با مردم به نوعی اظهار همدردی،

می‌کنند. زنان زحمتکش اراک در بیان اعتراضات و نظریاتشان از صراحت بیشتری برخوردار بودند. به روشنی می‌شود فهمید که زنان "گرسنگی" و "فشارهای اقتصادی" را ملموس‌تر احساس می‌کنند.

۳- مرفه‌ترین خریده بورژوازی اراک و سرمایه‌داران:

مرفه‌ترین گروه‌ها نیز "گرانی" را به عنوان یک امر واقع پذیرفته‌اند. لیکن بطور مشخص برخوردشان در باره‌ی گرانی با سایر طبقات و اقشار خلق متضاد است. هیچ نقطه‌ی مشترکی بین گفته‌های ایشان و توده‌های مردم وجود ندارد. خطو مرزشان را کاملاً رسم کرده‌اند. به راحتی می‌شود فاصله‌ی عمیق بین منافع توده‌ها و منافع ایشان را احساس کرد. اگر ناراضی نیز در گفته‌هایشان دیده می‌شود، به علت "کمبود کالا" و "عدم مرغوبیت اجناس" است. گرانی را معلول "حقوق زیاد کارگران"، "قطع رابطه با امریکا"، "تنوع در مراکز تصمیم‌گیری"، "هول زدن مردم و اینکه به حق خود راضی نیستند" می‌دانند.

در همه دنیا تورم وجود دارد. اینها همه از عوارض انقلاب است". یعنی که بترسید و دیگر انقلاب نکند! مردم را نیز حکومانه به "صبر" دعوت می‌کنند و از آنان می‌خواهند که "خدا را شکر" کنند. به حاکمیت نیز بنا به خواست‌های طبقاتی خود بدین‌اند. "آخوند بازی است"، "توی پاسداران، جهاد سازندگی، کمونیست‌ها نفوذ کرده‌اند. زمین‌های مردم را می‌گیرند، تقسیم می‌کنند". درون هیئت حاکمه عده‌ای طرفدار شوروی هستند. و ...

یادآوری می‌کنیم که دسته از هر اقدامی که در جهت سرکوب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی صورت می‌گیرد پشتیبانی می‌کنند و بیشترین نفرت را از "فدائی‌ها" از خود نشان می‌دهند، این دسته در مقابل هرگونه حرکت انقلابی مقاومت و مسپاشی می‌کنند و آمادمانند که از هرگونه کمکی به ضد انقلاب کوتاهی نکنند. آنان بیشترین دشمنی‌ها را با مبارزات کارگران و زحمتکشان علیه سرمایه‌داری و امپریالیسم از خود بروز می‌دهند.

آنجا که شوراهای واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری کار، مانع تبلیغات نفاق افکنانه دشمنان خود شوند

باردیگر موجودیت شوراهای بطور جدی مورد سؤال قرار گرفته است و این مسئله تازه‌ای نیست. از همان آغاز روی کار آمدن دولت بازرگان مقابله و مبارزه جوشی کینه توزانه علیه شوراهای آغاز شد و تلاش‌های فراوانی بعمل آمد تا اینگونه تشکلهای تودم‌های را در نطفه خفه کنند. ولی شوراهای، علیرغم همه تلاش‌های سرمایه‌داران و حتی در شرایطی که آزادی‌های سیاسی در مرداد ماه همانند امروز مورد تهاجم و تهدید قرار گرفت، مقاومت کردند. پس از تهاجم به شوراهای دهفانی ترکمن صحرا (که دستاورد مبارزاتی انقلاب دهقانان و زحمتکشان خلق ترکمن است) برنامه ریزان یورش به دانشگاهها و کشتار وحشیانه دانشجویان ضمن تلاش برای ایجاد رعب و وحشت در توده‌های مردم، درست در لحظاتی که خطر تهاجم امریکا یک خطر واقعی است و خاطر مردم ما را به خود مشغول داشته است محیطی مناسب برای بهره برداری و تبلیغات علیه نیروهای انقلابی و تشکلهای تودم‌های یافتند. بطوری که شوراهای، این دستاورد مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان بار دیگر مورد تهاجم جدی قرار گرفته است. شوراهای کارخانه‌ها که در شرایط انقلابی قبل از قیام عمدتا از دل کمیته‌های اعتصاب و پس از قیام به منظور کنترل و اداره کارخانجات متعلق به سرمایه‌داران وابسته و فراری شکل گرفتند، طی یک سال اخیر نقش قابل ملاحظه‌ای در جهت ارتقاء آگاهی طبقاتی کارگران و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک داشتند. شوراهای کارخانه‌ها در بسیاری موارد، حرکات و اقداماتی انقلابی و مترقی بر علیه سرمایه‌داری و قوانین و آئین‌نامه‌های آن انجام

دادند. نقش موثر شوراهای در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم و مبارزه بیگیر برای دولتی کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفتراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفتراک در

دادند. نقش موثر شوراهای در مصادره کارخانجات و اموال متعلق به سرمایه‌داران وابسته به دربار و امپریالیسم و مبارزه بیگیر برای دولتی کردن آنها، به راه انداختن واحدهای تولیدی‌ای که در جریان قیام و با فرار سرمایه‌داران از کار افتاده بود و سپس کنترل و اداره امور آن و افزایش بهره‌وری تولید در واحدها (میزان تولید کارخانه لیفتراک سازی تبریز پس از اداره آن توسط شورا از ۲ لیفتراک در

مجدد در آنها (کارخانه کاشی پارس قزوین - نیمه دوم فروردین ماه)، تحریک کارگران ناآگاه به ایجاد درگیری با کارگران مبارز و مترقی و همچنین دامن زدن به این درگیری و تشدید اغتشاش برای زمینسازی و توجیه ورود پاسداران به کارخانهها و بازداشت کارگران مبارز، اتهام و دروغ‌پردازی علیه نیروهای انقلابی و کارگران مترقی (در ۱۵ فروردین ماه جاری کارخانه ایرداک تبریز کارگر مبارزی

مورد تلاشهای حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیگاری، تورم، کمبایی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم ریخته و بازسازی آن را با همان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است.

ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکیلات توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) اتقاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراهای نمونه‌ای از تشکیلات توده‌های

کارگران پیشرو باید از برخورد‌های ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاگری‌های سیاسی و ارائه راه‌حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران، شورا را تقویت کنند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنجا که مبتنی بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهرآگین و نفاق‌افکنانه حاکمیت را که همواره از "خلال در تولید" توسط پیروان طبقه کارگر دم می‌زنند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند.

هفته به ۲۱ واحد رسید و یا بازدهی راه‌آهن سراسری با نظارت و کنترل شورا طی یک سال گذشته ۲۰٪ افزایش یافت) اخراج عوامل و وابستگان به دربار و امپریالیسم، ساواکی‌ها و دیگر مزدوران رژیم گذشته، مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که همراه بهبود شرایط کار و زندگی توده کارگران بود. از دستاوردهای شوراهاست. این تشکلهای سنگر واقعی مبارزه ضدامپریالیستی بوده است و هم از این روست که کارگران در روز اول ماه مه شمار (در سنگر شوراها، نه سازش، نه تسلیم، نبرد با امریکا) را سر می‌دهند.

مبارزه شوراهای که در گسترش خود، نظام سرمایه‌داری را به مخاطره می‌اندازد حزب جمهوری اسلامی و بنی‌صدر را وامی‌دارد که هرکدام به شیوه

قائل است و زیر عنوان تشکیل شوراهای ضد در صد اسلامی می‌خواهد کنترل خود را در کارخانجات برقرار کند. غافل از آنکه شورا نه بسک تشکیلات حزبی بلکه تشکیلاتی همگانی و توده‌ایست. انحلال شوراهای انقلابی و مترقی، تحریک توده‌های ناآگاه و به‌ویژه اعزام باندهای سیاه به کارخانجات (کارخانه ساندیس ارومیه در تاریخ ۳۰ فروردین مورد هجوم قرار گرفت و شورای آن منحل اعلام شد و ۱۵ تن از کارگران دستگیر شدند. کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتورسازی تبریز در هفته دوم اردیبهشت ماه جاری توسط عناصر مشکوک و باندهای سیاه اشغال شد و شورای انقلابی آن منحل گردید). برگزاری انتخابات مجدد (و کنترل شده) برای کنار زدن نمایندگان مترقی و مبارز در جوی تحریک شده و ضد - کارگری، تلاش برای حفظ و تثبیت شوراهای فرمایشی و مخالفت جدی با انتخابات

را به اتهام واهی رشوه‌خواری دستگیر می‌کنند). اینها از جمله روش‌هایی است که حزب جمهوری اسلامی با توسل به آنها می‌کوشد شوراهای کارگری را از مضمون و محتوی توده‌های و همگانی‌اش تهی کرده و آن را به صورت جریان فرمایشی در شکل توده‌های را به مای دولتی بدل کند و اما میر در با روشی دیگر شعار "بی شورا" را مطرح می‌کند او می‌کوشد که جنبه انقلابی توده‌های شوراهای را تحت - الشعاع قوانین و آئین‌نامه‌های ضد کارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری "نظم و امنیت" از هم بپاشد و متلاشی سازد. رئیس جمهور می‌کوشد تا با تضعیف تدریجی شوراهای وزارت کار و مدیریت کارخانه‌ها را تقویت کند و شورا را به زائده ادارات دولتی و مدیران تبدیل نماید. آنچه گفته شد، عمدتا در

مورد تلاشهای حاکمیت برای مقابله و اوجگیری از اعمال اراده توده‌ها از طریق شوراهایشان بود. اما مسئله جانب دیگری هم دارد. یعنی وجود:

الف - بحران عمیقی که به صورت بیگاری، تورم، کمبایی و گرانی گریبانگیر جامعه است و چارچوب قوانین گذشته را در هم ریخته و بازسازی آن را با همان مضامین ناممکن ساخته و طالب وضعیت دیگری است.

ب - اراده و آگاهی توده‌های مردم که تجربه قیام را پشت سر دارند، و به حقوق خویش و تشکیلات حافظ منافع خویش کم و بیش آشنائی یافته‌اند.

پ - وجود سازمان‌های انقلابی و مترقی که می‌کوشند بر بستر این واقعات برای گسترش مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها به سنگرهای واقعی این مبارزه یعنی تشکیلات توده‌های (به ویژه شوراهای کارگری و ...) اتقاء نموده و در جهت ارتقاء آگاهی و انسجام و زحمتکشان گام بردارند. گسترش و پیشبرد مبارزات ضدامپریالیستی - دمکراتیک منوط به دفاع فعال از سنگرهای این مبارزه یعنی شوراهای کارگری است. یعنی دفاع فعال از دستاوردهای دمکراتیک توده‌ها در برابر سرکوب و هرج و مرج. در مقابل خطری که شوراهای تهدید میکند (از هم پاشیدن و از محتوی تهی شدن) باید قبل از هر چیز از شورا، به مثابه یکی از دستاوردهای مبارزاتی مردم ما بر علیه رژیم شاه و امپریالیسم و همچون سنگری که تأمین منافع اقتصادی و سیاسی کارگران و زحمتکشان، محتوی آن بوده دفاع کرد. شوراهای نمونه‌ای از تشکیلات توده‌های

استقلال - کار - مسکن - آزادی



آنجا که شوراها واقعی کارگری بر کارخانه حاکم است

کارگران باید با افزایش تولید و بهره‌وری ...

بقیةازصفحه ۶

میهن ماست که در برابر تهاجم به حقوق دمکراتیک باید از آن قاطعانه پاسداری کرد. به این ترتیب نیروهای آگاه و ترقیخواه باید: ۱- مفهوم مترقی و انقلابی شورا و راز قدرت و استقامت آن را بیش از پیش به توده‌های کارگر توضیح دهند. اینکه نمایندگان شورا با رای مستقیم و مخفی همه کسانی که در کارخانه کار می‌کنند تعیین شده و بوسیله همانها نیز مستقیماً عزل خواهند شد و هیچ مقام و مرجع دیگری حق ندارد برای کارگران نماینده‌ای منصوب نماید و با نمایندگان آنها را خودسرانه عزل کند.

(بطور مثال دخالت بی‌جای اسنادار و مقامات "مسئول" دیگر در کار شوراهای تریز و مداخله وقیحانه اوباش در کارخانه پاکدیس ارومیه و بازداشت و عزل خودسرانه نمایندگان شورا توسط پاسداران و ...) شورا متعلق به کارگران است و تعیین خوب و بد آن نیز با آنهاست و کارخانه محل کار و زندگی و مبارزه کارگران است و از این رو هیچ کس حق تجاوز به حریم آن را ندارد. کارگران از شوراهای کارخانه‌ها در برابر تجاوز و تعدی سرمایه‌داران و باندهای آنان باید پاسداری کنند.

۲- با افشاکاری هرچه وسیع‌تر توطئه‌های ضد کارگری سرمایه‌داران و عواملشان و همچنین افشای توطئه‌ها و حرکات مداخله‌جویانه عناصر غیر مسئول و شناسایی باندهای سیاه و رهبران و سازماندهندگانشان، و نحوه کار آنها توده‌های کارگر را یاری دهند تا با اتحاد آگاهانه‌شان حول شورا از حقوق واقعی خویش دفاع کنند.

۳- با توجه به سطح مبارزاتی کارگران و ارزیابی وضعیت عیناً موجود آن، این مبارزه را به پیش برند و در لحظاتی که تهاجم منظم و سازمان‌یافته توطئه‌چینان و باندهای سیاه آغاز می‌شود، انتعاف لازم را برای

عقب‌نشینی‌های موقتی و رفع موج تهاجم و سرکوب از خود نشان دهند و شورا را (بمضمون آن را) از خطر ازم‌باشیدگی حفظ کنند تا مجال گسترش مجدد شوراهای را پیدا کنند و در این رابطه باید علاوه بر مقابله با توطئه‌گران ضدکارگر با جریان‌های انحرافی، چه

فاندرند در حرکت شرکت نمایند نیز باید در اتخاذ تاکتیک در نظر گرفته شد. و نه تنها سطح مبارزات کارگر بلکه وضعیت عمومی جامعه فضای سیاسی حاکم بر آن نیز مورد محاسبه قرار گیرد. نمونه‌هایی دیده شده است که شوراهای بدون توجه به

مقابله و رویارویی با سرمایه‌داران، اجرای انقلابی ۴۰ ساعت کار در هفته در تعدادی از واحدها و بسیاری اقدامات رفاهی که ثمراتش بهبود شرایط کار و زندگی دستاوردهای شوراهاست.

آثارشستی و چه تسلیم‌طلبانه درون کارخانه نیز خط فاصل روشن و متمایز ترسیم نمایند ۴- در برخی موارد مبارزات یک شورا ابعادی فراتر از چارچوب کارخانه می‌یابد و یا یک حرکت مشخص چشم‌انداز شرکت نیروهای وسیع‌تری را نشان می‌دهد و یا محتوی و شیوه مبارزه حساسیت نیروهای غیرکارگر و ضد کارگر را در دفاع از منافع طبقاتی‌شان برمی‌انگیزد (مثل حرکاتی که مضمونش تعرض شورا به "حریم" مالکیت خصوصی باشد) و همچنین مواردی که خواست‌های سیاسی بالنسبه مهم و یا خواست‌های اقتصادی (به صورتی گسترده و هماهنگ) مطرح می‌شود و امکان سرایت آن به نیروها و واحدهای دیگر کارگری می‌رود و یا حتی در یک شورا و یا چند شورا معدود سنت مبارزات انقلابی پایه می‌گیرد. و گامی برای گسترش شعارها و خواست‌های انقلابی کارگران به واحدهای دیگر می‌شود. در همه این موارد سنگینی بار وظیفه‌ای که نیروهای پیشرو و آگاه بردوش دارند آنچنان زیاد است که اتخاذ تاکتیک مناسب باسانی میسر نیست. در اینجا نه تنها باید توان و ظرفیت عیناً موجود کارگران و شورائی که حرکت را آغاز می‌کنند، بلکه ظرفیت و توان همه عناصر بالقوای که

تداوم آن حرکت و آن شعار را در جهت تحقق آن تضمین نماید. ایجاد کانون‌های هماهنگ کننده شوراهای گام شتی در این جهت است.

۵- با کار آگاه‌گرانه خود جناح‌بندی‌های ساختگی و تبعیض آمیز را که مانع اتحاد یکپارچه کارگران می‌شود خنثی نمایند. تبلیغات خنثی که بر مبنای تقسیم‌بندی کارگران به مذهبی و غیر مذهبی صورت می‌گیرد تنها به سود نیروهای ضد کارگر است. در شرایط کنونی بیش از هر زمان دیگر صف بندی ایدئولوژیک در درون شوراهای و تشکلهای توده‌ای مشابه آن (قطبی شدن کارگران در تشکیلات علنی) تنها از هم پاشاندن آن را تسریع می‌کند شورای انقلاب و حزب جمهوری اسلامی با دامن زدن به چنین جناح‌بندی‌هایی خصلت توده‌ای و همگانی شوراهای را زایل می‌کنند. وقتیکه حزب جمهوری اسلامی از شورای صد در صد اسلامی صحبت می‌کند، با مبنا قرار

بسی‌صدر با شعار " شورا بی شورا " می‌کوشد که جنبه انقلابی و توده‌ای شوراهای را تحت‌الشعاع قوتین و آئین‌نامه‌های ضدکارگری قرار دهد و این سنگرهای واقعی مبارزه با امپریالیسم را به بهانه برقراری " نظم و امنیت " از هم بپاشد و تلاش‌های سازد.

دادن ایدئولوژی و مذهب برای یک تشکل توده‌ای عملاً این تشکل را نفی می‌کند و مانع وحدت تشکیلاتی کارگران می‌شود. هدف تشکل‌های توده‌ای بسیج و سازماندهی توده کارگران (و یا دیگر اقشار) است برای حل مسائل خودشان و مسلم است که در چنین تشکل‌هایی موضوع مبارزه و جریانات مختلف سیاسی در چارچوب مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران و طرح‌ها و شیوه‌های عملی حل آن بروز می‌کند نه در قالب مجرد و ایدئولوژیک آن. آنچه که در این تشکل محور کار است مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

کارگری را هم به آسانی طرح کرده است و در نتیجه بجای آنکه به الگوی متمم پذیری تبدیل شود، موجبات انفراد و انزوا بیشت خود را فراهم کرده است. کارگران پیشرو نباید نمونه‌سازی از این یا آن شورا را دامن بزنند بلکه باید سعی کنند شوراهای را با شعارهای هماهنگ به پیش برند. گسترش متوازن و هماهنگ شعارهای انقلابی می‌تواند گرایش به الگوسازی صرف را تحت‌الشعاع قرار دهد و شعارهای انقلابی منفرد و پیشرو را مهار کند. طرح یک شعار انقلابی تنها آغاز یک حرکت نیست بلکه مهمتر از آن به معنای قبول مسئولیتی است که گسترش و

و کم و کیف این مبارزه باید در خدمت آن باشد. کارگران پیشرو باید از برخوردهای ایدئولوژیک در درون شوراهای پرهیز کنند و با افشاکاری‌های سیاسی و ارائه راه حل‌ها و شیوه‌های عملی حل مشکلات اقتصادی و سیاسی کارگران شورا را تقویت کنند.

۶- دستاوردهای مثبت کارخانه‌ها و واحدهای تولیدی‌ای را که توسط شوراهای کنترل و اداره می‌شوند تبلیغ نمایند. بخصوص بر افزایش تولید و بهره‌وری کار، آنچه که مستقیماً بر شور و اراده متحد و آگاهانه کارگران در اداره کارخانه است تأکید کنند و بدینوسیله تبلیغات زهر آگین و نفاق افکنانه حاکمیت را که همواره از "خلال در تولید" توسط پیشروان طبقه کارگر دم می‌زنند عملاً خنثی و بی‌اثر سازند. در این رابطه است که باید کارگران پیشرو مفهوم روشنی از نقش شوراهای پیشرو مبارزات ضد - امپریالیستی - دمکراتیک تصویر کنند. به این معنی که علاوه بر آنکه باید بر نقشی که شوراهای به عنوان نفی‌کننده ضوابط ورشکسته و ضد مردمی پیشین داشته و دارند تأکید شود، به اهمیت نقش سازنده شوراهای در مقابل نظم ورشکسته‌ای که نفی‌اش می‌کنند بیش از پیش تأکید کنند و مشخصاً نشان دهند که چه چیز نوینی را جایگزین کهنه می‌کنند و این امر با تأکید بر سهم این تشکل‌ها در سازندگی اقتصادی - سیاسی جامعه میسر می‌شود.

با تفهیم اصولی این دو جنبه مبارزه شورا (نفی ضوابط کهنه و بی‌ریزی ضوابط نوین) بر بستر مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده‌ها، پیشروان طبقه کارگر قادر خواهند بود رهنمودهائی انقلابی، مشخص و موثر بدهند و تعهد ویژه شان را در این مبارزه به نحوی مسئولانه ادا نمایند.

پیروزباد مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

یادداشتی از سفر نورو به کردستان

● مردم نگران مرکز بودند، خبر تأثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بر نخواهند داشت.

فرصت خوبی بود در ایام عید که به کردستان سفری کنیم. کردستان وقایع خونینی را پشت سر گذاشته بود. خبرها از دور می آمد. از خواست مردم کردستان برای داشتن شوراها، برای نابود کردن تحقیر و ستم ملی که طی سالها بر آنان روا شده بود. برای آنکه خرابی و بیدادی را که سالهای متمادی بر آنها رفته است نابود کنند به محض ورود، احساس تازه ای که به آدم دست می داد، احساس نگرانی از مرکز بود. آیا جنگ افروزان دوباره دست به تدارک حمله ای خواهند زد؟ آیا آنها نمی خواهند ایرانی آزاد و فارغ از ستم وجود داشته باشد؟ آیا آنها دوباره خانه ها و بیمارستان ها و مردم و کوچه و بازار را به گلوله خواهند بست؟ این نگرانی در چشم همه بود. کودکانی که روی تپه آواز می خواندند با شک و تردید غریبه ها را نگاه می کردند! آوازشان را قطع می کردند و می خواستند بدانند ما حامل خبرهای شومی برای آنها هستیم یا پیام آوران شادی. در گوشه ای، مردم جمع شده بودند و کسانی را که جوانان را معتاد کرده بودند، محاکمه می کردند. اکثر این عناصر وابسته به "مفتی زاده" بودند. مردم به مسافری می گفتند: خودتان قضاوت کنید ببینید در اینجا چه کسانی هوادار اسلام مفتی زاده ها شده اند و گرداننده بساط او هستند. متهم در جریان وقایع خونین کردستان، تنگ از مفتی زاده گرفته بود و مردم کرد را می گشت. دین جاهای دیگر نمایشگاههایی برپا کرده بودند که به مردم فجایع امپریالیسم را نشان می داد. در جای دیگر به مردم سواد یاد می دادند. و راه کشت و آبیاری بومی. در همه جا زندگی تیلور داشت. اما آهسته آهسته خبر کشتار "قلاتان" در همه جا پخش شد. سوخته مردم رو به

سنگرها آوردند. خبر تأثر انگیز "قلاتان" برای همه معلوم کرد که جنگ افروزان به آسانی دست از سر خلق کرد بر نخواهند داشت و به عنوانی مختلف سعی دارند منطقه را به آتش بکشند. در قهوه خانه ها در معابر عمومی صحبت از این قتل عام بود آنچه برای هر مسافر آزار دهنده بود این بود که به راستی این چه دستهایی است که در زیر پوشش اسلام قاچاقچیان و اوباش را اجیر می کند تا فرزندان راستین کرد را به گلوله بسپارد.

در سیامی مردمی که به پا خاسته بودند تا زندگی را بسازند و برقرار کنند، تصمیم و مقاومت موج می زد. دستهای آنان، آماده ساختن قلب آنها، از صلح مالا مال بود. حدود ۱۱ شب به ما خبر دادند زخمی های دهکده "قلاتان" به شیر و خورشید مهاباد منتقل شده اند. به بهانه دیدن برادر یکی از پیشمرگه ها توانستیم در آن وقت شب به بیمارستان برویم. بعد از دیدن چند زخمی که ماهها در بیمارستان بستری بودند

یکی از مجروحان قلاتان را دیدیم. پیروزی بود هفتاد و هشتاد ساله. دردی عمیق تمامی چشمانش را پر کرده بود. دردی که در چشم تمامی زحمتکشان آن را می توان دید. جنایتکاران با تیر بایش را از زیر زانو قطع کرده بودند. دهقان زجر کشیده و نگاهش امیدوار بود احساس کردیم که باید تا حق طلبانه و این جنایت بی شرمانه را به همه شناسانیم. باید زحمتکشان بزد، قم، تهران، خوزستان

کیلان و تمامی زحمتکشان ایران بدانند که این جنگ، جنگ شیبه و سنی نیست. جنگ کرد و فارس نیست. بلکه گوشه ای چشمگیر از مبارزات خلق بر علیه امپریالیسم است. باید همه زحمتکشان بدانند که کشتار در کردستان برای آن است که نگذارند زحمتکشان قدرت و اراده خود را برای ساختن یک ایران مستقل که کردستان جزئی از آن است به کار گیرند و به شمر رسانند.

قسمتهائی از اعلامیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شاخه آذربایجان

ترور رفیق کمال کیانفر (دانشجوی پیشگام تبریز)

بیانگر درماندگی و ضعف سرکوبگران در مقابل جنبش رو به رشد زحمتکشان است

خلق قهرمان ایران!
مردم مبارز تبریز!

عصر روز سه شنبه ۲۳ اردیبهشت ماه ۵۹ هنگامی که رفیق کمال کیانفر دانشجوی پیشگام (سال اول فنی رشته مکانیک تبریز) به همراه چند تن از هم زمانش مشغول پخش "خبرنامه کردستان" در مسیر چهار راه متحدین - میدان شهرداری بودند، توسط ماشین سپاه پاسداران تعقیب می شوند.

پاسداران مسلح برای دستگیری رفقا از ماشین پیاده می شوند، عابرین به محض مشاهده این عمل پاسداران به حمایت از رفیق کمال و هم زمانش بر می آیند. مردم رفیق را از چنگ پاسداران مهاجم رها می کنند. رفیق تلاش می کند که خود را از صحنه دور کند ولی پاسداران در حضور عده ای از مردم زحمتکش تبریز به طرف رفیق کمال نشانه روی کرده و او را هدف گلوله قرار می دهند. گلوله به مغز رفیق اصابت می کند. او در واپسین لحظه زندگی اش آخرین نیروی حیاتش را جمع می کند و برای آخرین بار می گوید: " درود بر کارگران رفیق کف خیابان می افتد و خون سرخش خیابان را گلگون می کند مردم به شدت به پاسداران اعتراض می کنند. مردم تلاش می کنند تا او را به بیمارستان برسانند ولی پاسداران با بیرحمی مانع رساندن رفیق به بیمارستان شده و نتیجتاً شهیدی دیگر به شهادت انقلاب ایران افزوده می گردد.

مردم با به شهادت رسیدن رفیق خشمگینانه دست به اعتراض زده و با دادن شعار: " این سند جنایت است امریکاست"، " ای جلاد تلنگت باد، امریکا مرگت باد"، " ملت قضاوت ایله، آیا بودور آزادلیق؟" (مردم قضاوت کنید - آیا این است آزادی؟) نفرت خود را از این عمل جنایتکارانه بیان می دارند.

این جنایت آشکار تنها نمونه کوچکی از اعمال ضدانقلابی است که اینک در سراسر میهن ما بر علیه جنبش انقلابی توده ها جریان دارد.

سرکوب جنبش انقلابی توده ها در شرایطی گسترش می یابد که امپریالیسم امریکا با همدستی مزدورانش در ارتش دست به تجاوز آشکار بر علیه جنبش ضد امپریالیستی دمکراتیک مردم مبارز میهن زده است.

این اعمال بیانگر تلاش مذبوحانه کسانی است که از جنبش رو به رشد توده ها به وحشت افتاده اند. ما ضمن محکوم کردن این عمل جنایتکارانه خواهان محاکمه علنی پاسدار قاتل بوده و سپاه پاسداران، شورای انقلاب و شعبه ریاست جمهوری را مسئول مستقیم این ترور جنایتکارانه می شناسیم.

ما از تمام نیروهای انقلابی، از جمله هواداران سازمان می خواهیم که با تمام توان خویش و با هر امکانش که در دسترس دارند ماهیت این عمل جنایتکارانه را برای توده ها توضیح دهند.

هواداران سازمان و دیگر انقلابیون صادق در چنین شرایطی که جنبش انقلابی توده ها مورد تهاجم امپریالیسم و عوامل مزدور سرمایه داری قرار گرفته، وظیفه دارند که با تمام توان خویش در جهت سازماندهی مبارزه زحمتکشان فعالیت انقلابی شان را شدت دهند.

ما ایمان داریم که هیچ نیرویی قادر نخواهد بود مانع رشد روزافزون جنبش انقلابی کارگران و زحمتکشان میهن ما گردد.

همگامی با نهضت مقاومت خلق کرد وظیفه مبرم همه نیروهای مبارز و انقلابی ایران است



۲۱ اردیبهشت

مربوان یکنبه

پنجم مبارز شهر امروز یکی از شهروان خود را که در جریان درگیری گروه رش به شهادت رسیده بود، به خاک سپردند. باز هم شهیدی به انبوه شهدای خلق اضافه شد.

بیجار

امروز بر اثر انفجار یک سی در اطراف مقر ارتش یک نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند.

پاوه

انفجار مین در اطراف پاوه باعث کشته شدن دو پاسدار شد. در این جریان دو پاسدار دیگر نیز مجروح شدند. این نتیجه است

اجساد ناپدید جنگی است که سرکوبگران مردم به راه انداخته‌اند و در آن

رحمتگان حتی از همه رنج می‌سیند. این پاسداران نیز اکثرا از افتخار رحمتگان جامعه برخاسته‌اند. بسیاری از جوانانی هستند که جز خدمت به میهنشان هدفی ندارند. آنها نیز قربانی مطامع فدرت‌مدان و مسئولان جنگ‌افروز مملکتی می‌شوند.

فرماندهانشان آنها را می‌فرسند، به بهانه خدمت به خلق، به کشتار خلق روانه‌شان می‌کنند. از اجساد پاک مذهبی‌شان سو استفاده می‌کنند و آنها را به جیبهای گسیل می‌دارند که جز مردم زحمتکش، کسی در میدانستان نیست. دست جنگ‌افروزان از آستان آستان بیرون می‌آید و سلاحتان که باید سینه دشمنان مردم را آماج خود بگیرد، قلب تودما را نشانه می‌رود.

آنها بسیاری‌شان فرسوده خورده‌اند.

ارومیه

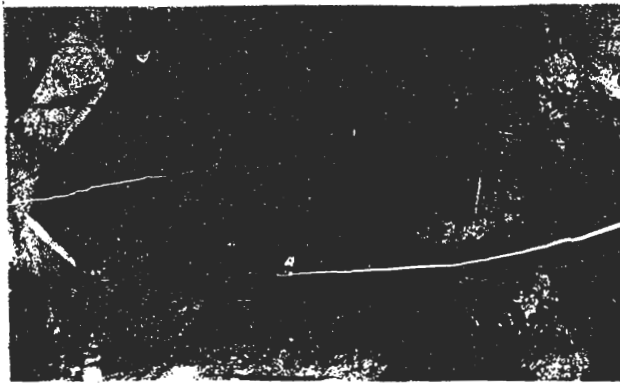
درگیری بین نیروهای نظامی و پیشمرگان ساعتها است که ادامه دارد. در جریان این درگیری ۲ پاسدار و ۸ سرباز کشته و مجروح شده‌اند. ... صبح روز بعد همچنان صدای شلیک‌های پراکنده به گوش می‌رسد.

بانه

به دستور فرماندهان ارتش هلی‌کوپترها و فانتوم‌ها مرتب شهر را بمباران می‌کنند. صبح امروز دو فرود هواپیما بر فراز شهر به مانوسور پرداختند. حوالی ظهر هلی‌کوپترها در آسمان شهر ظاهر شدند و شهر را به گلوله بستند. لیکن آتش سلاح‌های پیشمرگان به آنها امکان فرود نداد و مجبور به عقب‌نشینی

چه کسانی

به جای صلح، جنگ را دامن می‌زنند؟



جنگ تحمیلی اخیر بر خلق دلاور کرد، برای مردم رزمنده آن و پراگرسی‌های بی‌شماری را به دنبال داشته است. در معصومیت نگاه کودکان کرد آینده درخشانی موج می‌زند. در زیر این خانه‌های چادری کودکانی بزرگ می‌شوند که درس مبارزه را می‌آموزند.

اسلامی مخابره شده سربازان دیگری است که وضع ارتش را نمایان می‌سازد. اس بیام وضعیت پادگان را به شدت خطرناک توصیف کرده و صریحا اعلام نموده است که اگر تا دو روز دیگر کمک ارسال نشود پادگان به دست پیشمرگان سقوط خواهد کرد. همچنین سربازان پادگان جواس‌های به حی و عادلانه خلق کرد حمایت کرده بودند و اس خود منت محکمی است که دهان کسانی که می‌گویند با نفاق اپوزیسیون انقلابی خلق را در برابر دشمنان مشترکشان دچار تفرقه سازند.

به دنبال آن سربازان متزلزل است. بسیاری از سربازان که در جریان جنگ درک می‌کنند که مسئولان مملکتی و فرماندهان دست‌برورده آمریکا، آنها را فریب داده و به بهانه جنگ با صداغلاب به کشتار مردم واداشته‌اند، از اجرای فرمان آدم‌کشی سرباز می‌زنند. خلق کرد تاکنون بارها اعلام کرده است که صلح می‌خواهد نه جنگ. خلق کرد در برابر سرکوبگران و مخاطر صلح عادلانه دلاورانه مقاومت می‌کند و روحیه سربازان سرکوبگر را در هم می‌شکند. به متن زیر دقت کنید. بیامی است که از طریق بی‌سیم بین ارتش و پاسداران مبادله شده است این پیام خود تصویر زنده‌ای از تزلزل در ارتش ارائه می‌دهد:

سقز

در جریان درگیری‌های امروز شهر، ۳ ارتشی کشته و عده‌ای زخمی شدند. از مردم عادی نیز عده‌ای مجروح شده‌اند.

۲۲ اردیبهشت

خوی

امروز عده‌ای از پرسنل انقلابی، به منظور اعتراض به وقایع اخیر کردستان در پادگان شهر متحصن شده‌اند. ظهیر نژاد، فرمانده زاندرامی به دنبال این اقدام انقلابی پرسنل مبارز به خوی آمده است. متحصنین که دیده‌اند چگونه مسئولین جنگ افروز مملکتی و فرماندهان مردور آنها را به کشتار زنان و مردان زحمتکش کرد و می‌دارند، با این عمل انقلابی خود یک بار دیگر نشان می‌دهند که در میان سربازان، درجه‌داران و افسران جز کم نیستند کسانی که به هیچ قیمت‌سی حاضر نمی‌شوند گلوله‌هایشان را در سینه‌های خلق خویش بنشانند.

میاندوآب

امروز در شهر میاندوآب حدود ۸۰۰۰ نفر از اهالی شهرها و روستاهای مختلف گرد آمده تا شاهد محاکمه دو تن از پیشمرگان باشند. افراد فوق به جرم قتل یک هم‌وطن ترک میاندوآبی محاکمه و به اعدام محکوم شدند. حکم اعدام در ساعت ۳ بعد از ظهر در باغ "خانه بیپناهنگی" به اجرا درآمد. محاکمه توسط نیروهای سیاسی کردستان

میاندوآب

شهر امروز شاهد همسنگی سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

(حزب دمکرات) صورت گرفت. طبق اطلاع رسیده افراد مزبور از پیشمرگهای حزب دمکرات بوده‌اند. اقدام انقلابی نیروهای جنبش مقاومت در زمینه مجازات افراد فوق، باعث تحکیم هر چه بیشتر وحدت مبارزاتی خلق ترک، و کرد شد و در عین حال نشان داد که جنبش مقاومت کردستان هرگونه تجاوز به جان و مال زحمتکشان را به ویژه از سوی افراد پیشمرگه، به‌شدت بدترین وجه مجازات می‌کند.

۲۳ اردیبهشت

سردشت به شنبه

در اینجا نیز جنگی خامانوسور بر خلق کرد محصل شده است. اکنون مدتها است که از آغاز جنگ می‌گذرد و در این مدت چه ها که بر زمین نریخت و چه خانه‌ها که بر سر پاکنش چه خانه‌ها که بر سر پاکنش ویران شد. پایگاه "کرتنه" همچنان در محاصره نیروهای پیشمرگه خلق است. روحیه سربازان متزلزل است. مردوران جانی در پادگان محصور دارند. این عناصر خودفروخته که تعدادشان به ۳۰ نفر می‌رسد سربازان را دلداری می‌دهند و آنها را به جنگ و آدم‌کشی تشویق می‌کنند. این هم از سهاک‌های مقامات دولتی است که از یک طرف به بهانه خلق سلاح گروه‌های مسلح خلق را به خاک و خون می‌کشند و از سوی دیگر بیست تریس افراد - جاترها - را مسلح کرده به اسم پیشمرگان سلطان کردند. به جان مردم می‌اندازند. در جریان روز و خوردی که اسفند سب نیروهای نظامی مسافر در پادگان و پیشمرگان مسلح خلق روی داد یک پیشمرگه شهید و ۳ پیشمرگه زخمی شدند. در این میان یکی از جاتش‌های معروف به اسم "لاخس" شوه سلی" نیز زخمی شده است.

۲۴ اردیبهشت

سردشت چهارشنبه

حلات هلی‌کوپترها ادامه دارد. ارتش و سپاه پاسداران همچنان به تهاجم ادامه می‌دهند. امروز در "وسط" هلی‌کوپترهای ارتش به‌جای حمله به سنگر نیروهای جنبش مقاومت مواضع نیروهای ارتش و سپاه پاسداران را به گلوله بستند. در این حادثه بیش از ۳۵ پاسدار و ارتشی کشته شدند. هم‌اکنون آب و برق شهر قطع است. سردشت یک شهر جنگ زده است. خانه‌های ویران، آثار گلوله و خنجره، گرسنگی، بیماری، فقدان امکانات اولیه و ... این است چهره‌ای که سیاست

۲۴ اردیبهشت

سردشت چهارشنبه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

اشنویه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

کرمانشاه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

تقدیر

دشمن نیروهای مسلح خلق کرد با جاتش‌های مزدور درگیر شدند و ۲ تن از آنها را به هلاکت رساندند.

کرمانشاه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

اشنویه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

اشنویه

امروز یک هلی‌کوپتر ارتش سقوط کرد و ۲ خلبان آن کشته شدند. روز گذشته ۳ هلی‌کوپتر شوک پاسداران و نظامیان مجروح را به اسن شهر منتقل کردند.

سرکوبگران خلق کرد، دشمن همه خلقهای ایران هستند

گرایشات آنارشیستی و سندیکالیستی "پیکار"

سازمان پیکار عمدتا در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتا از روشنفکران آماطور تغذیه می‌شود این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائما و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند، به نحوی که اگر در این حد افراط، روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند در حد دیگر فرسنگها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این یعنی آنارشیسم.

می‌نویسد: عین همین وظیفه را هسته در قبال سندیکا هم دارد منتهی با این تفاوت که هسته با توجه به این که یک جمع سیاسی است (۱) فقط در رابطه با شورا می‌تواند حتی در فعالیت‌های آن شرکت هم داشته باشد. در حالی که با توجه به این که سندیکا یک تشکیلات صنفی است، هسته فقط بر کار آن می‌تواند نظارت و کنترل داشته باشد و دیگر لزومی به شرکت آن در فعالیت‌ها و امور سندیکا نیست. با چنین بینشی است که "پیکار"، ارگان سیاسی - تبلیغی سازمان "پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" به دوست‌داران آزادی طبقه کارگر و روشنفکران عرضه می‌شود. با این توضیح که: "ما بعد از این گوشش می‌کنیم که از طریق این نشریه، دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و نیروهای وابسته به آنها در رابطه قرار دارد، توضیح دهیم و موضع خود را نسبت به این مسائل در حد توان خود روشن کنیم."

و بدین ترتیب جنبه دیگری از اکتونومیسیم حاکم بر خود را به نمایش می‌گذارد: دید گروهی و منافع محفلی سازمان پیکار با انتشار روزنامه "پیکار" قصد آن را ندارد که وظایف و تعهدات خود را حداقل به عنوان روشنفکر انقلابی ناقل آگاهی پرولتاریائی به انجام رساند. قصد آن را ندارد که تبلیغ و ترویج ایده‌های پرولتاریائی را در دستور کار خود قرار دهد، قصد آن را ندارد که افشای سیاسی کند. او قصد آن دارد که دیدگاه‌های خود را نسبت به مسائل توضیح دهد و موضع خود را نسبت به آنها روشن کند. و این کمال تنگ‌نظری و دید محدود و گروهی حاکم بر این سازمان است. برای پیکار در این مقطع "توده‌ها" مطرح نیستند. خود او، موضع خودش و دیدگاه‌های خودش مطرح است. باید اذعان نمود که اکتونومیسیم حاکم بر پیکار اگرچه همواره همراه او و راهنمای عمل او بوده است (۱) اما در مقاطعی گسستگی‌هایی دارد و گاهگاهی اصلاحاتی در مسیر انحرافی‌اش رخ می‌دهد. به عنوان مثال در پیکار شماره ۱۳ آنجا که بحث از قدرت دوگانه و ارگان‌های قدرت توده‌یی می‌شود نشانه‌هایی از تصحیح درک خود را نسبت به شوراها بروز می‌دهد. ولی انحرافات ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود. لنین علت "کرایش قهرجایی در بقیه در صفحه ۱۱

اکتونومیسیم ناب است. همان کارگردگی شایع و مسلط بر سازمان پیکار است. این دید سندیکالیستی است و از مفهوم مبارزه سیاسی فرسنگها فاصله دارد. این دید تفاوت بین شورا و سندیکا را نمی‌تواند درک کند. ممکن است فریاد اعتراض‌فرق‌ای پیکاری بلند شود که این مواضع مورد استناد مواضع آن سازمان نبوده است بلکه نظریات یکی از "حوزه‌های" آن سازمان بوده است (داستان "کارگر به پیش" هم از آن جمله داستان‌هایی است که فقط برای فرار از انتقاد اختراع شده است برای ما با توجه به مهارت "پیکار" در معلق زدن و رد مکانیکی نقطه‌نظرات قبلی خود با انتقاد از خود سطحی داستان "کارگر به پیش" همچنان در ابهام باقی مانده است). ما اعتراضی و رفقای پیکاری را درست نمی‌دانیم و نظر خوانندگان را به مقاله "وظیفه کارگران در مقابل مدیریت کارخانه چیست؟" که در پیکار شماره ۳۳ به چاپ رسیده است جلب می‌کنیم.

"در چنین شرایطی وظیفه شورا (مراد ما از شورای واقعی (!!!) نه شورای انقلابی لنینیستی، بلکه از نظر وظایف و مضمون همان سندیکای واقعی - سرخ - می‌باشد) یا سندیکای واقعی کارگران چیست؟ وظیفه شورا یا سندیکای واقعی کارگران عبارت است از تشدید نظارت و کنترل خود بر مدیریت کارخانه... از آنجا که شورا یا سندیکای واقعی کارگران، نماینده کارگران می‌باشد... آیا باز هم جای بحثی هست؟ شورا یا سندیکای واقعی، به عبارت صریح‌تر شورای سازمان پیکار همان سندیکای واقعی است، همان شکل صرفا کارگری، همان سازمان مبارزه اقتصادی فقط کارگران است و این محصول عدم درک مضمون شورای کارخانه که همانا اعمال قدرت توسط همه کسانی که در کارخانه شاغل هستند و به عبارت دیگر کنترل کارخانه است. به علاوه اکتونومیسیم حاکم بر سازمان پیکار همراه با سطح بائین‌تئوریک جنبش بطور کلی و سازمان پیکار بطور خاص در مورد تشکیلات توده‌یی و هسته‌های سیاسی یا به عبارت دیگر هسته‌های کمونیستی کارخانه تا بدان حد است که "کارگر به پیش" در شماره ۳ خود (۱۵ فروردین ماه ۵۸) تحت همان عنوان "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" و هنگام صحبت از "هسته‌های سیاسی کارگران و وظایف آن" مهمترین وظیفه تشکیلاتی هسته "را" فعالیت در جهت تشکیل شوراها کارگری می‌داند و

دیگر این ایده در سطح جنبش کمونیستی ایران جا افتاده است که "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" در جریان قیام اکتونومیسیم تمام عیاری را به نمایش گذاشت و در حالی که توده مردم به خیابان‌ها ریخته و به عالی‌ترین شکل مبارزه یعنی مبارزه قهر آمیز و مسلحانه پرداخته بودند، پیکاری‌ها آن چنان شیفته مبارزه اقتصادی توده کارگران شده بودند که حتی فرصت نگرستن به صحنه اصلی مبارزه را از دست داده بودند. آنها قاصراز درک درست سطح و شکل مبارزاتی خلق و نیز از وظایف محوله بر دوش پیشاهنگان طبقه مفتون اشکال نازل مبارزاتی کارگران (خواست‌های صنفی) شدند.

در چنین اوضاع و احوالی بود که سازمان پیکار یکباره خود را با قیامی شکوهمند روپرو دید. قیامی که علیرغم آنهمه شور و هیجان و اشتیاق مبارزاتی پرولتاریا که پیکاری‌ها را سخت‌گفت‌زده کرده بود، با دستاوردی در خور پرولتاریا به سرانجام نرسید.

سازمان پیکار که یکباره از خواب غفلت و خوش مبارزه اقتصادی بزریده بود، خود و پرولتاریا را عیب مانده می‌پاید و می‌بیند که فرصت "افزایش حصلت انقلابی دولت از بالا" را از دست داده است و به دنبال طرح شعار شورا از جانب ما و سایرین راه چاره را در "فتار از پایین" و عمدتا از طریق شوراها می‌بیند و با طرح شعار "پیش به سوی سبیم شدن طبقه کارگر" در قدرت سیاسی! به کارگران توصیه می‌کند که "اصلی‌ترین وظیفه کارگران با تمام ضرورت و اهمیت خود" "ایجاد شوراها کارگری" است. علاوه "ایجاد شوراها کارگری... اهمیت اساسی و تعیین کننده‌یی در سرنوشت طبقه کارگر و هم در سرنوشت توده‌های خلق ما دارد." سازمان پیکار در ارائه این رهنمود توجه قابل ستایشی هم بر دو شکل مبارزه اقتصادی و سیاسی در شورا دارد و از بیان این نکته نیز فروگذارد نمی‌کند. اما انحرافی که تمام بار و بود سازمان پیکار را فرا گرفته است ریشه‌دارتر از آن است که به این سادگی‌ها تصحیح شود و جای دیگر خود را نشان می‌دهد. در متن همین مقاله که تحت عنوان اصلی "درس‌هایی از سازماندهی کارگران" با نام "پیش به سوی تشکیل شوراها کارگری" در شماره دوم "کارگر به پیش" چاپ شده است آنجا که از "نکاتی که باید در انتخاب نمایندگان شورا توجه کرد" صحبت می‌کند کارگر زدگی خود را باز دیگر به عیان بروز می‌دهد و می‌نویسد: "شوراها فقط کارگری است و به هیچ وجه کارکنان دیگر نباید در آن شرکت کنند. یعنی حتی حق رای هم ندارند چه رسد به اینکه برای شورا انتخاب شوند. با این تعریف شوراها دارای دو خصوصیت هستند یعنی کارگری و دیگری واقعی بودن آن. که وظیفه‌شان دفاع از منافع و حقوق کارگران و مبارزه در راه رسیدن به خواست‌های سیاسی و اقتصادی کارگران می‌باشد. فقط کارگر است که درد کارگرا می‌فهمد و کارمندان باید برای خود شورای کارمندی جدا از شورای کارگری تشکیل دهند." و این همان

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

گرایشات آنارشیستی ...

بقیة صفحه ۱۰

سوسیال دموکراسی روسیه (اکنونومسم) را چنین توضیح می‌دهد:

"گسترش تبلیغ، سوسیال دموکرات‌ها را با قشر عقب‌مانده و تحتانی پروولتاریا روبرو کرد. برای جلب این قشر لازم می‌آمد که مبلغ خود را به نازلترین سطح شعور وقف دهد. او آموخت که "خواست‌ها و ملاحظات لحظه مشخص را به پیش کشد و ایده‌آل‌های سوسیالیسم و مبارزه سیاسی را عقب راند. طبیعت فعالیت آماتوری و ناقص سوسیال دموکرات‌ها، روابط بسیار ضعیف میان محفل‌های آموزشی در شهرهای مختلف و بین سوسیال دموکرات‌های روسیه و رفقایشان در خارجه که دانش ژرف و تجارب انقلابی غنی‌تر و نیز افق سیاسی وسیع‌تری را دارا بودند طبیعت این جنبه (مطلقاً اساسی) فعالیت سوسیال دموکراتیک را بطرز مبالغه‌آمیزی عمده نمود که به افرادی امکان آن را می‌داد که جوانب دیگر را به فراموشی سپرده ..."

حال اگر توجه کنیم که سازمان پیکار عمدتاً در محدوده روشنفکران فعالیت می‌کند و سیاست‌هایش نیز عمدتاً از روشنفکران آماتور تغذیه می‌شود در می‌یابیم که این انحراف در بطن خود انحراف دیگری را می‌پروراند و افراط‌هایی را به دنبال دارد که دائماً و به سادگی به یکدیگر بدل می‌شوند. به نحوی که اگر در این حد افراط روشنفکران به دنبال توده‌ها می‌افتند و در مقابل آنها سر فرود می‌آورند و سطح آگاهی آنها را همان سطح آگاهی پیشرو می‌دانند، در حد دیگر فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها قرار می‌گیرند و به‌جای آنها و به وکالت تسخیری از طرف آنها دست به اقداماتی جهت حل مسائل و مشکلاتشان می‌زنند و این، یعنی آنارشیسم بر آن وجه دیگر فعالیت پیکاری‌هاست که در کنار و به موازات وجهی که از آن سخن گفتیم دیده می‌شود. البته باید در نظر داشت که در لحظات متفاوت یکی از این دو وجه اکنونومسم یا آنارشیسم غالب است.

توجهی از گزارشات چاپ شده در این نشریه تحت عنوان "جنبش کارگری" تأکید و حتی تبلیغ پرشور حرکات و اعتراضاتی است که بریستر خواست‌ها و نیازهای طبقه کارگر و نیز اعتراضات و مبارزات آنها توسط عده‌ای محدود از کارگران آگاه و مبارز و بدون انطباق با سطح آگاهی و مبارزاتی توده کارگران ایجاد شده است و عملاً هم در اکثر موارد به شکست انجامیده است. (گزارشات استرالایت، شادانپور، ایرانا، مینو نازخ و ...) نمونه جالب را می‌توان در "گزارشی از تصرف انقلابی یک ساختمان ۹ طبقه

● اگر در روزهای قیام، اکنونومسم ناب، پرچم پیکار بود، اکنون آنارشیسم ناب پرچم رزم سازمان پیکار است. آنگاه که توده‌های مردم در کوچ و خیابان‌ها گوگتل مولوتف می‌ساختند او سرگرم چانه‌زنی بر سر اضافه حقوق بود!

در خیابان آزادی توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر" در پیکار شماره ۴۰ یافت. در مورد این ساله که "تصرف انقلابی" ساختمان "توسط زحمتکشان گود نشین جنوب شهر برای خود این زحمتکشان گود نشین به چه صورت و تاجه اندازه مطرح بوده است همین بس که برای حفظ ساختمان تداومی از خود نشان ندادند. ثانیاً یکی از گوندشبان جوان که در تصرف ساختمان نقش داشت، در پاسخ پاسداری که از او پرسید چرا اینجا را گرفتید چنین جواب داد:

"والله آمده بودند و گفته بودند که خانه‌های بالای شهر خالی است! آیا نمی‌خواهید در آنها زندگی کنید؟ اگر می‌خواهید بجنبید و ما هم آمده بودیم. علاوه عدم توجه به سطح واقعی مبارزات

● پیکار تنها ناتوانی عظیم خود را در درک قانونمندی مبارزه توده‌ها به نمایش می‌گذارد و از گسترش و چگونگی گذار مسالمت‌آمیز مبارزات توده‌ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی‌داند. و همواره آماده است که قهر پیش رس و عصیانیت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده‌ای بنشانند.

● حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف پراکنده‌اش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه‌دار، متشکل کند و به تدارک بپردازد "پیکار" بی‌تابانه انفجار فشفشه‌های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پروولتاریا می‌نامد و گودخانه اعلام می‌دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود ...!"

کارگران و اتحاد تاکتیک برپایه آن و ایجاد "تشکیلات کارگری از بالا" از دیگر جنبه‌های بروز و نمود این طرز تفکر است. "طرح تشکیلاتی کارگران پیکار" که در پیکار شماره ۱۳ ارائه شده است به خوبی این شیوه کار را نشان می‌دهد. توجه کنید:

"به دلیل عدم وجود تشکیلات سراسری کارگری، کارگران پیکار کارخانه‌یی، کارگاهی و یا حتی پروژه‌یی، می‌توانند و باید در یک "کانون سراسری کارگران پیکار" گرد آیند. لیکن لازم است که همراه و همزمان با تشکیل کانون سراسری کارگران پیکار، کارگران مناطق مختلف، اقدام برای ایجاد کانون منطقه‌یی خاص خود بنمایند. این "کانون منطقه‌یی

به آنارشیسم و چپ‌روی سازمان پیکار بپردازیم که فعلاً به نظر می‌رسد جنبه غالب انحراف آن باشد:

تصور می‌کنیم خوانندگان نشریه "پیکار" با ما در این مورد اتفاق نظر داشته باشند که عباراتی چون "امروزه تقریباً تمامی کارگران به این حقیقت پی برده‌اند. که سرمایه‌داران با کمک دولت حامی‌شان" (شماره ۲۲) به دفعات و مکرراً به جا بی‌جا در متن این نشریه، کار گذاشته شده است. در پشت چنین عباراتی همان ایده فرسنگ‌ها جلوتر از توده‌ها بودن و ذهنیت خود راهمان ذهنیت‌آنها دانستن قرار دارد. این نقطه نظر به میزان زیادی در اخبار و گزارشات این نشریه منعکس است. به نحوی که میزان قابل

تمام کارگران پیکار آن منطقه را در بر می‌گیرد ... در صورتی که کارگران پروژه‌های، سندیکا و یا اتحادیه خاصی خودشان را نداشتند، می‌توانند از طریق نمایندگان خود در کانون شرکت کرده، از این طریق و با استفاده از کمک‌های کانون به ایجاد سندیکای خود اقدام نمایند.

از این جملات هر خواننده اندک آگاهی متوجه می‌شود که "چون تشکیلات کارگری نداریم" آن را از بالا و در محل مورد نظر خودمان، محل تجمع روشنفکران انقلابی (که در آن زمان "خانه کارگر" بود) به وجود می‌آوریم. سازمان پیکار با طرح این شیوه ایجاد تشکیلات کارگری این مسئله را نمی‌فهمد که چون "تشکیلات کارگری نداریم" به عنوان روشنفکران انقلابی موظفیم با شرکت در مبارزات روزمره کارگران و با افشاکاری اقتصادی و سیاسی و تبلیغ لزوم و اهمیت سازماندهی و تشکیل سطح آگاهی آنان را ارتقاء دهیم و حرکات و اعتراضات کارگران را در تشکیلاتی مناسب و منطبق با تجربیات کارگران سازمان دهیم و نه اینکه "چون تشکیلات کارگری نداریم" به جای توده کارگران، روشنفکران انقلابی و یا در بهترین حالات کارگران آگاه و مبارز (و نه توده کارگران) را در محلی جمع کنیم و منتگشان نامیم و بر آن نام "تشکیلات سراسری کارگران بگذاریم تا بتوانیم با پنهان شدن، در پشت آنها، به جای پروولتاریا و در عوض آنان ذهنیات خودمان را تبلیغ و به توده‌ها تحمیل کنیم.

حالب اینجاست که در شماره ۲۷ (هفده دیماه ۵۸) پیکار تحت عنوان "ماهیت ضد کارگری کنفدراسیون کارگران را بنسبیم" که از نخستین شماره "پیکار پوشش" نشریه گروهی از کارگران کارخانه پوشش نقل شده است، به این نحوه سازماندهی و شکل (ازبالا) جواب می‌دهد (مسئله ناآگاهانه، چون حرکات آگاهانه پیکار خلاف آن را ثابت می‌کند):

"اصولاً کنفدراسیون" (بخوان تشکیلات سراسری - کانون سراسری) باید چگونگی تشکیل شود؟ کارگران باید اول سندیکا تشکیل دهند و سپس از اتحاد این سندیکاها، اتحادیه‌های کارگری به وجود آید و بالاخره اتحادیه‌های کارگری با هم متحد شوند و کنفدراسیون کارگران را ایجاد کنند ... در جلسه‌یی که مسئولان به اصطلاح کنفدراسیون تشکیل دادند، کارگران سئوالاتی کردند که کاملاً ماهیت کنفدراسیون‌چی‌ها را روشن کرد. آنها را رسوا ساخت. یکی از کارگران پرسید چگونه زمانی که هنوز سندیکاهای کارگری ایجاد نشده، شما برای خودتان و بدون اطلاع کارگران دست به ایجاد کنفدراسیون کارگری زده‌اید ... نماینده این کنفدراسیون ضدکارگری جواب داد: چیزهایی که شما گفته‌اید وقت زیادی می‌گیرد و چند سال طول می‌کشد. ما یک‌باره آمده‌ایم کنفدراسیون کارگری ایران را به وجود آورده‌ایم بعداً می‌توانیم سندیکا و اتحادیه به وجود آوریم!"

در پایان باید اضافه نمود که تداوم حرکات چپ و حتی تشدید این حرکات توسط این سازمان نکته‌یی است که به روشنی می‌توان بر آن انگشت گذاشت. نمونه بارز و برجسته و جدید آن تصویری است که "پیکار" شماره ۴۹ از گروگانگیری کارگران مینو ترسیم کرده است:

"گروگان گیری سرمایه‌دار خصوصی وابسته: بدین ترتیب کارگران یکی از بزرگترین سرمایه‌داران خصوصی وابسته را ..."

بقیة در صفحه ۳

مردم میهن ما قاطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

۴۲ سال قبل صهیونیستهای اسرائیلی به کمک کشورهای امپریالیستی سرزمین فلسطین را اشغال کردند

اما سرانجام:

خلق قهرمان فلسطین است که پیروز خواهد شد

۱۵ ماه ۵۸ سالروز تقسیم فلسطین در سال ۱۹۴۸ میلادی (۱۳۲۷ هجری شمسی) و تشکیل دولت زادپرست اسرائیل در سرزمین فلسطینی هاست. جنگ جهانی اول منجر به قطع تسلط امپراطوری عثمانی بر فلسطین شد اما دولت انگلیس توانست توسط جامعه ملل تحت الحماکتی این سرزمین را برای خود دست آورد امری که تا سال ۱۹۴۸ همچنان برقرار ماند.

در اواخر سال ۱۹۴۷ مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصمیم فلسطین را بدو بخش شرقی و غربی تقسیم نمود. در هر یک از این دو بخش یک دولت یهودی و عربی تشکیل می داد. سگد این بخش از ۱۰٪ یهودی می شد. بر طبق این قطعنامه اورشلیم نیز مسطفاً بی‌المللی اعلام می شد که سیاست توسط سازمان ملل اداره شود.

در ۱۵ ماه مه ۱۹۴۸ دولت اسرائیل بر مسای این طرح تشکیل شد. در این فاصله مخالفت اعراب به صورتهای گوناگون و پراکنده بود و منجر به کشته شدن هزاران تن و بیرون رانده شدن بیش از یک میلیون نفر آنها از سرزمین اجدادی شان گردید. آنها تا مدتها چشم به اقدامات دولتهای عرب و سازمان ملل متحد برای احقاق حقوق خود دوخته بودند و زندگی سختی را در اردوگاههایی که بسرعت در کشورهای عرب تدارک دیده شده بود، می گذراندند. سالها با نام آواره و مسئله اشغال میهنشان تحت عنوان مسئله آوارگان در مجامع بین المللی مطرح بودند اما

در اردن در این مورد نمونه است. دیگر اینکه دشمن، یعنی صهیونیسم و دولت اشغالی دارای نزدیکترین پیوند ممکن با دولت ایالات متحده است بطوری که اسرائیل بدون کمک آمریکا نمی تواند روی پای خود بایستد. از طرف دیگر دولت آمریکا نیز

در اوایل سال ۱۹۶۵ خلق فلسطین که دیگر از شیوههای دیپلماتیک صرف طرفی نبسته و از دولتهای عربی نیز برای گرفتن حق خویش مایوس شده بود، بپا خاسته و با تشکیل و توسل به مبارزه مسلحانه، قدم در راه جدیدی از مبارزه نهاد. این مبارزه تا کنون توانسته است هویت سیاسی

در فلسطین، هر خانه، اداره، مدرسه و هرکجای نقطه این خاک، سنگری است برای مبارزه. عکس، رزمندگان جوان را در حال آموختن اسلحه نشان می دهد که آتش گلوله های آن قلب محترض امپریالیسم آمریکا را نشانه گرفته است.



جبهه برقرار باشد. دوم اینکه برنامه مشترک می بایست آنچنان برنامه میهن پرستانه ای باشد که هیچگونه راه گریزی برای بورژوازی در آن وجود نداشته باشد که امکان دهد این طبقه با سازش طرحهای ساخته و پرداخته امپریالیسم، انقلاب را به نابودی بکشاند. سوم آنکه حزب طبقه کارگر مبارزه ای اصولی را در داخل جبهه به منظور بسط و تکامل برنامه مشترک به کار بندد. و بالاخره خصوصیت چهارم اعمال اصول دیمکراتیک در روابط بین نیروهای گوناگون موجود در جبهه است.

جبهه خلق برای آزادی فلسطین شرط پیروزی بر دشمن را جنگ دراز مدت نوده ای می داند. جنگی که توسط جبهه خلق سازماندهی و رهبری می شود. اما در مورد جبهه خلق معتقد است که این هدف استراتژیکی است که برای رسیدن به آن باید مبارزه کرد. اما این امر به هیچوجه از اهمیت چنین جبهه ای جتنی قبل از تأمین حزب پیشاهنگ در آن نمی گاهد.

امپریالیسم و صهیونیسم همواره تلاش می کنند تا نیروهای گوناگون مقاومت را از یکدیگر پراکنده سازند. اما نیروهای انقلابی و به ویژه طبقه کارگر موظف است حداکثر تلاش را برای بسیج هرچه بیشتر مردم فلسطین و تأمین بالاترین سطح وحدت ممکن در بین آنان بنماید. حتی در زمانی که هنوز انقلاب به عهده دارد.

خلق فلسطین تا پیروزی نهایی هنوز راه درازی در پیش دارد. اما از هم اکنون نشانه هایی از شکست دشمن به چشم می خورد. اردوگاه امپریالیسم با بحرانی اقتصادی مواجه است و دولت صهیونیستی اسرائیل هم بعنوان جزئی از این سیستم از عوارض این بحران در امان نیست. اما قابل توجه این است که شدت بحران در اسرائیل به مراتب بیشتر است. تورم در اوایل سال جاری به حدود ۱۰۰٪ رسیده. اعتصابات در کشور افزایش می یابد و ارزش پوند اسرائیلی به سطحی که تاکنون سابقه نداشته است تنزل کرده است.

از بورژوازی ملی، به ویژه در مناطق اشغالی، تضادی آشنی ناپذیر دارد این است پایه عینی برای اتحاد وسیع طبقاتی اتحادی برای مقابله با دشمن در شکل جبهه متحد ملی که شامل تمامی احزاب و سازمانهای نماینده این طبقات، نیروهای گوناگون ملی و سازمانهای خلقی (اتحادیه های زنان، دانش آموزان، دهقانان و کارگران) می شود.

اما جبهه خلق برای آزادی فلسطین به هیچوجه بر این عقیده نیست که سازمانها و احزاب گوناگون اختلافات خود را در وجود جبهه خلق ندیده بگیرند و مرزهای طبقاتی را مخدوش سازند. جرح حبش چهار خصوصیت را برای این جبهه ضروری می داند: اول اینکه استقلال ایدئولوژیکی، سیاسی و تشکیلاتی هر سازمان واجمله حزب طبقه کارگر در چارچوب

عمده ترین اهرم اعمال قدرت سیاسی - نظامی و اقتصادی خود را در منطقه در وجود اسرائیل می بیند. بنابراین پیروزی خلق فلسطین ضربه مهلکی بر امپریالیسم آمریکا بطور کلی سیستم امپریالیستی جهانی خواهد بود و بارهم به همین دلیل است که مبارزات فلسطینی باید انتظار مقاومتی طولانی از جانب دشمن را داشته باشند، مقاومتی که سرانجام با نابودی اسرائیل و اختصار امپریالیسم روبرو خواهد شد.

خلق فلسطین در مبارزات طولانی خود به ویژه در ۱۵ ساله اخیر بیش از پیش به حکم ضرورت پی برده است که پیروزی بر دشمن غدار جز با وحدت کلیه نیروهای خلقی امکان پذیر نیست. نیروهایی که باوجود اختلاف منافع طبقاتی و مواضع سیاسی و ایدئولوژیکی، در مبارزه با دشمن مشترک می توانند و باید متحد شوند. جرح حبش دیرکل جبهه

و پذیرش جهانی را برای این خلق رزمنده تأمین کند مهمتر اینکه امید آنها را به پیروزی اجتناب ناپذیرشان نه بر پایه ای واهی بلکه بر اساس واقعیات موجود و ارزیابی نیروهای خودی و دشمن و نیروهای ذخیره هرکدام افزایش داده است.

مبارزان فلسطینی بر اساس خصایل عام و مشترک با دیگر جنبشهای آزادیبخش از تجارب آنها درسهای زیادی آموخته اند. بسا اینهمه خصوصیات استثنائی مبارزه خلق قهرمان فلسطین را از دیگر جنبشهای رهائیبخش ممتاز می کند. اول اینکه این خلق عمدتاً نه در سرزمین مادری بلکه عموماً در خارج از میهن خود بسر می برند. این امر پیوند بسیار نزدیک و ضروری را میان جنبش فلسطین و نیروهای مترقی کشورهای میزبان ایجاد می کند. بطوری که پیروزی مردم فلسطین با امر انقلاب در این کشورها به هم گره خورده است. کشتار مبارزان

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سر کردگی امپریالیسم آمریکا

بقیه در صفحه ۱۴



بقیماز صفحه ۱۱

گرایشات آفارشیشتی و...

گروگان گرفتند... این بزرگترین مبارزه کارگران کارخانه مینو در طی بیست سال عمر کارخانه بود... چهارشنبه ۱ اسفند ۵۸ خبر رسیده بود که چند تن از عوامل کارفرما شروع به توطئه نموده و می خواهند کارمندان را به اعتصاب وادار کنند و جریان مثل جریان خرمدره درست کنند. بلافاصله از طرف دفتر هماهنگی حکم بازداشت آنها صادر شد... در این روز انتظامات منظم تر و عالی تر از روزهای قبل بود. از طرف خود کارگران افسر گشتیک تعیین شد. و به نوبت هر ۶ ساعت به ۶ ساعت پستها تعویض می شد. در ضمن از طرف دفتر هماهنگی اسم شب تعیین شد و اسم به کارگرانی که در شب گشت می دادند یاد داده شد تا افراد غریبه و غیر محسوس شناسائی گردند. همچنین در پستهای حساس مثل پمپ بنزین، موتورخانه، افراد بیشتر و هوشیارتری به نگهبانی گماشته شدند. تمام پستها و تابلوهای برق کاملا محافظت می شد... در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود... یکشنبه ۱۲/۵ کارگران آن روز چوب و لاستیک آماده کرده بودند تا در مقابل گاز اشک آور و نبرد تن به تن آماده باشند. آنروز کارگران بنزین، شیشه و روغن آماده کرده بودند، آنروز کارگران کوکتل مولوتف درست کرده بودند تا در صورت حمله مقابله کنند! آری آنروز سطح بالای مبارزات کارگران ایران که بطور خودبخودی دست به مقاومت مسلحانه می زنند به نمایش گذاشته شد.

(تاکیدات از خودنشریه بیکار است) به این می گویند تبلیغ سوسیال دموکراسی ناب! کوئی "بیکار" می خواهد تلافی عدم حضورش در قیام را در آورد. اگر در روزهای قیام انکوئیسیم ناب، پرچم بیکار بود اکنون آنارشیزم ناب پرچم رزم سازمان بیکار است! آنگاه که توده های مردم در کوچه و خیابانها کوکتل مولوتف می ساختند او سرگرم چانه زنی بر سر اضافه حقوق بود و حالا که طبقه کارگر بیش از هر زمان دیگر نیازمند آن است که صفوف برانگیزش را برای وارد آوردن ضربه اساسی به طبقه سرمایه دار متشکل کند و به تدارک بپردازد "بیکار" بی تابانه انفجار فشفشه های جنجال برانگیزش را شلیک توپخانه پرولتاریا می نامد و کودکانه اعلام می دارد که "در کارخانه حکومت کارگری برقرار بود...!" "بیکار" تنها ناتوانی عظیم خود را درک قانونمند مبارزه توده ها به نمایش می گذارد و از گسترش و چگونگی گذار سلامت آمیز مبارزات توده ها به مبارزات قهرآمیز چیزی نمی داند و همواره آماده است که قهر پیشرو و عصیبت روشنفکران را به جای قهر انقلابی و قانونمند توده ای بنشاند. مواضع "بیکار" در جریان تهاجم به دانشگاهها گواه دیگری بر این حقیقت است. "بیکار" تنها ماجراجوئی انقلابی روشنفکران خرده بورژوا و آفارشیشتی را که بدان مبتلا است با روشنی به نمایش می گذارد و آن را اثبات می کند.

۵ و ۶ "کارگر به پیش" شماره ۲

نوطئه اخراج کارگران و ضرورت اتحاد کارگران رسمی و پیمانی در مقابل آن

کارگران پیمانی در چنین شرایطی موفق شدند با طرح خواستهایی از قبیل:

- ۱- استخدام رسمی
 - ۲- سود ویژه
 - ۳- عیدی
 - ۴- پرداخت حقوق روزهای تعطیلی
- و... به برخی از این خواستها برسند. کارگران به کار بازگشتند و جو عمومی اعتراضات فرو گتن کرد. مدیرعامل توانست (با اتکای قانون کار) طرح نوطئه جدیدی را بریزد. او شروع به اخراج کارگران پیمانی نموده و روزانه ۲۰ تن از آنان را اخراج می نمود.

پس از چندروز بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج می کنند. از اواش... اردیبهشت سال قبل، حدود ۳۵۰ کارگر پیمانی مشغول به کار شدند. مدیرعامل کارخانه (ایرانطلب) با اطلاق موقت و روزمزد بودن (پیمانی بودن) می خواست از یکطرف هروقت که اراده کرد بتواند کارگران را اخراج کند و از طرفی حقوق و مزایای کارگران رسمی را به آنان نپردازد. او زیر چتر حمایتی قانون کار ضد کارگری و به ویژه ماده ۳۳ این اقدامات ضد کارگری را انجام می داد. کارگران پیمانی به واسطه پایگاه روستائیان و به ویژه موقتی بودنشان، نتوانستند به اتحاد و تشکیلی پایدار (در برابر این اجابفات کارفرما و قانون کار) دست یابند و کارفرما نیز متقابلا با اخراج های پیاپی به این عدم تشکیلی کارگران دامن می زد تا اینکه در اسفند ماه گذشته به دنبال اعتراضات کارگران رسمی به نحوه پرداخت سود و عیدی و... زمینه مناسبی فراهم شد تا کارگران پیمانی هم بتوانند بطور یکپارچه حرکت کرده و از میان خود ۵ تن را به نمایندگی برگزینند

تبعیض آمیز) به منظور مقاومت در برابر اخراج بخشی از کارگران.

- ۲- برخورد کلی و اصولی با آن که در چارچوب تقویت این تشکیلی و هماهنگی آگاهانه با دیگر تشکیلات کارگری هزینه زندگی و گرانی و کمبایی کالاهای مورد نیاز مردم، دورنمای تیره ای را در زندگی توده کارگران بیکار ترسیم می نماید. اخراج کارگران پیمانی عمدتا ناشی از دو مسئله است:

- ۱- توطئه طبقه سرمایه دار و عواملش در کار تولید و اداره کارخانه ها، با بهره برداری از قوانین ضد کارگری موجود (که میراث دوره آریامهری است)
- ۲- ضعف تشکیلی و آگاهی کارگران (به ویژه کارگران موقت) در امر مبارزه با سرمایه داران و قوانین ضد کارگری حامی آنها. حاکمیت قوانین موجود و به ویژه قانون کار مشخص دست کارفرما را باز می گذارد تا با اتکالی به آن بتواند کارگران را به آسانی اخراج نماید. این "حقی" که قانون کار و دولت به سرمایه دار می دهند به نحو موثری دامنه اخراج کارگران را گسترش می دهد و کارگران را گروه گروه به صفوف میلیونی بیکاران می افزاید. با توجه به این مسئله، چگونگی برخورد کارگران نیز در مقابل اخراج می تواند عمدتا دو جنبه داشته باشد:

- ۱- مبارزه کارگران پیمانی و موقت در قدم اول باید تلاش در جهت هماهنگی و اتحاد عمل یکپارچه با کارگران رسمی در درون کارخانه ها و کارگاهها باشد. این امر یعنی توسل به اقدامات اعتراضی یکپارچه و هماهنگ علیه فشار سرمایه دار و قانون کار) و دیگر قوانین تفرقه افکن و

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

نامه یکی از هواداران

از عشق و فداکاری زحمتکشان نیرو بگیریم

آنچه که در زیر می آید، گوشه‌هایی از خاطرات زحمتکشان است که با عشق و ایمانی تزلزل ناپذیر به رهبری زحمتکشان از استعمار و ستم طبقاتی گار و مبارزه می‌کنند و با ایثار و آگاهانه و ستایش انگیز راه مبارزه برای زندگی نوین را در پیش گرفته‌اند. آنچه که می‌خوانید، نوشته‌ای است که یکی از رفقای هوادار برایمان فرستاده است:

رفیق دستفروشی دارم که مدیست من، سرد و گرم روزگار چشیده و آبدیده حوادث، که رنج و ستم سرمایه‌داری از چروکهای چهره شکسته و مهربانش آشکار است. زن و بچه‌اش را در ده گذاشته و برای تهیه لقمه نانی در کرج دستفروشی می‌کند. هر روز که به اندازه کافی فروش داشت، آن روز خنده از چهره خستاش محو نمی‌شود ولی روزی که موفق نمی‌شود حتی خرجی روزانه خودش را نیز درآورد، اندوهگین و کم حوصله می‌شود و با کسی حرف نمی‌زند و وقتی هم که حرف بزند اول و آخر نظام سرمایه‌داری را به باد ناسزا می‌گیرد. به سراغش می‌روم، چون می‌بینم مشتری دارد، پشت سرش می‌ایستم تا مانع کارش نشوم. به حرفهایش گوش می‌دهم و مشتری را ورنه انداز می‌کنم، می‌بینم یکی از بازاری‌های معتبر است که چندین طازه دارد. به رفیق دستفروش می‌پیشنهاد می‌کنم که یکی از طازه‌هایش را اجاره کند منتهی روزانه اجاره‌اش را بپردازد. رفیق دستفروشم می‌پرسد: "طازه‌ها کجاست؟" بازاری می‌گوید: "یکی در خیابان قزوین است که اجاره‌اش می‌شود روزی ۸۰۰ تومان، یکی در خیابان بریان ۲۰۰ تومان، و یکی هم میدان فوزیه است روزی ۱۳ تومان!"

دستی روی شانه‌اش می‌زنم و سلام می‌کنم. به آرامی برمی‌گردد و بکمرش با خوشحالی مرا در آغوش می‌گیرد. شروع می‌کند به درد دل: "خوب شد آمدی، قلم داشت می‌ترکید. این حاجی را دیدی؟" گفتم: "بله، همه صحبتایان را هم شنیدم" گفت: "داشتم حساب می‌کردم که این آدم روزانه چقدر عایدی دارد، فقط از همین سه دستگاه که حساب کنیم یعنی توی ۷۰ متر زمین ۲۵۰۰ تومان درآمد مفت دارد تازه هنوز این از اون کله کنده‌هاش نیست. حالا ببین سرمایه‌دارهای کله کنده دیگر چه زندگی ای دارند و بعد با زندگی ما مقایسه‌اش کن که هر روز باید نگران نان شبمان باشیم این وضع تا کی باید دوام بیاورد؟ رفیق کارگری دارم که همیشه به من می‌گوید: "این وضع زیاد دوام نمی‌آورد چون مردم دارند راه مبارزه کردن را یاد می‌گیرند، سرمایه‌داری کلکش کنده است آن وقت اوضاع سر و سامان بعد رفیق دستفروش چهره‌اش باز می‌شود و با امید و اشتیاق به من می‌نگرد و من نیز تأیید می‌کنم که بله همانطور می‌شود که رفیق کارگران می‌گوید. بعد مرا کنار دستش می‌نشاند تا از این رفیق بیشتر برابم صحبت کند. او تعریف می‌کند: "این رفیق که سالهای سال در کوره یز-خانه‌ها، کارخانه‌ها و ... کار کرده بود و در همین اواخر نیز کارگر یکی از کارخانه‌های تبریز بود. به شدت به سازمان فدائی علاقمند است و عشق می‌ورزد از آن بیشتر از نظام سرمایه‌داری نفرت دارد. این رفیق من بخاطر فعالیتهای زیادش و اینکه در کارخانه در مقابل زورگویی‌های کارفرما مقاومت می‌کرد، او را از کارخانه اخراج کردند. او با جدیت توانست حق اخراج خودش را از اداره کار بگیرد و درآمدت بیکاری زندگی‌اش را از همین پولی که گرفته بود بگذراند. رفیقم عادت داشت همیشه یک مقدار از درآمدش

۲۲ سال قبل صهیونیستهای ... بقیمار صفحه ۱۲

بیشرفت جنبش مقاومت فلسطین اثرات تشدید کننده‌ای در بحران برجای می‌گذارد. دولت صهیونیستی اسرائیل برای مقابله با جنبش مقاومت فلسطین و پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه و تجاوزگرانه خود سالانه میلیاردها دلار صرف خرید تلاح‌های بیشتر می‌کند. از طرف دیگر اعتباراتی که از کشورهای امپریالیستی برای اجرای برنامه‌های نظامی و مستعمراتی گرفته می‌شود دارای بازدهی مالی نیست و در نتیجه باعث رویهم انباشته شدن قرض و افزایش مشکلات اقتصادی می‌شود. ما اطمینان داریم خلق فلسطین با مبارزات درخشان خود راه خویش را به سوی پیروزی نهایی می‌کشاید و این امر با وجود کارشکنی‌ها و نفاق‌افکنی‌های جریان‌های ارتجاعی مانند امل که روز بروز ماهیتش برای مردم فلسطین بیشتر آشکار می‌شود ادامه خواهد یافت. آنها در این مبارزه تنها نیستند. تمام نیروهای ضد امپریالیست و صلح‌دوست جهان، کشورهای

قابل توجه رفقا! با توجه به این که گاهی فاصله زمانی ارسال کمک‌مالی از جانب شما و تنظیم و چاپ کد + مبلغ در "کار" به دو یا سه هفته می‌کشد، در صورت چاپ نشدن "کد + مبلغ" خود بعد از سه هفته در این مورد تذکره دهید.

کمکهای مالی دریافت شده

ردیف	نام	مبلغ	تاریخ	ملاحظات
۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲
۱۳
۱۴
۱۵
۱۶
۱۷
۱۸
۱۹
۲۰
۲۱
۲۲
۲۳
۲۴
۲۵
۲۶
۲۷
۲۸
۲۹
۳۰
۳۱
۳۲
۳۳
۳۴
۳۵
۳۶
۳۷
۳۸
۳۹
۴۰
۴۱
۴۲
۴۳
۴۴
۴۵
۴۶
۴۷
۴۸
۴۹
۵۰

چهارشنبه
سال دوم
چهارشنبه
۱۲۶
سند
ارتش
وارد شهر
کرد از ش
پیرامون ش
شهر سند
خود گرفته
در دسته
دست به
سرکوبگران
تاریخ ۲۲
سئون ارت
بو سست
حمله پست
جمعا در
نانک در
ورودی از
باجود
باجداران
وارد شهر
و تلفن در
منازعه‌ها
مردم شهر
مخالفت
وجود ارت
شهری
دسته‌های
دادماند
سرد
می‌زنند
باجداران
قرار می
جوانان د
همچنان د
کرمان
فرماند
کرمانشاه
رفتن به
برگزارش
پیروز
در از
دوآب به
نظامی ک
شدند.
قصه د
منقرش
۲۷
سند
ارتش
سند
می‌کنند
عوض ک
به طره
دبوارها
می‌سپا
تاکتیک‌ها
رعب در
نبرد
این
تائیری
تائیر
جهای
دست
آنها
سرکوبگر
شود
می‌خوان
گردماند



توضیح

در کار "ویژه گردان شده" خبری نقل شده بود تحت نام "اعدام دو خلبان درامقن" در تاریخ ۹ اردیبهشت چنین اعدامی صورت نگرفت است و بدینوسیله غیر تصحیح می شود.

مبارزات روستائیان
زخمکش منطقه خرقان
ساوه (روستای ویدر)

زخمکش روستای "ویدر" هاندن اکثر روستائیان میهنان - سالیات که با زورگویی و ستم زمین داران و سرمایه داران بزرگ روبرو هستند تمام ناراحتی ها و کمبودهایی که در گذشته وجود داشت و روستائیان به خاطر از بین بردن آنها علیه رژیم سابق به مبارزه پرداختند. امروز هم بر دوش اهالی این روستا سنگینی می کند. مبارزه مردم ویدر علیه زمین داران بزرگ و سرمایه داران در سال ۵۶ - ۵۵ دامنه بسیار گسترده ای پیدا کرد. آنها به کک جوانان آگاه روستا، در برابر تجاوزات "ایرج خان سفیدامیرحسینی" که زمینهای زراعی هفتان را غصب می کرد، به مقاومت متحد و یکجاری دست زدند و علیرغم حملات سرگورگوانه زاندرمی و پلیس آریامهری مرده ایستادند و سرانجام زمینهای غصب شده آنها را با آزادی انقلابی پس گرفتند. پس از قیام همراه با اوج گیری مبارزه زخمکش روستا در برابر سران ایران، اهالی "ویدر" نیز به حرکت انقلابی خود اوج تازه ای بخشیدند. آنها مدتی روستا را که در تصرف سرمایه داری نام "بوفریز" بود، به نفع خود مصادره و مورد بهره برداری قرار دادند. سرمایه دار مزبور که از عوامل رژیم سابق است و امروز زیر سای اسلام خرید و با جماعه آب می کشد، با جماعه کمیته مرکزی انقلاب اسلامی، نامهای به امضای آقای گنی دریافت می کند با این مضمون که اهالی روستا نمی بایست مزاحم کار وی شوند. او را با استفاده از این نامه و به نام پاسداران مردم را تهدید می کند که در صورت ادامه تصرف مدعی آنها را به اعدام انقلاب اسلامی معرفی خواهد کرد.

روستائیان بارها به مقامات مسئول مراجعه می کنند ولی همه جا با حمایت آنان از سرمایه دار مزبور روبرو می شوند و سرانجام زیر فشار کمیته و پاسداران رعایت می دهند که در ازای دریافت مبلغ "مینی در ماه" اداره مدتی را بوقت به سرمایه دار مزبور سپارند.



خلق مبارز گرد، در کنار سایر خلقهای دلاور ایران برای صلحی عادلانه و ایرانی آزاد و دیمکراتیک مبارزه می کنند تا لحظه های عشق و صلح و آزادی را به ارمغان آورد.

جنوب تهران :

ساکتین قسره اسفندیاری را می خواهند از خانه هایشان بیرون کنند

آنها در بخشی از اعتراضه خود می نویسند: "اولا ما کشاورزان ساکتین این قسره سالیات سال است روح برده ایم با گذشتن از یکسال از انقلاب نه تنها املاک وسیع ارباب تقسیم نشده است بلکه ارباب برای زمینهای این منطقه توسط اربابها به تدریج قطعه قطعه شده و به عنوان زمین مسکونی به فروش رسیده است. فتوالها که به این ترتیب می خواهند روستائیان را از زمینهایشان بیرون کنند. اخیرا دست به حمله جدیدی زدند و با انتشار مطالبی سراسری در مطبوعات ساکتین ساکتین روستائیان بحال ایجاد یارک برای صاحبان خانه های مسکونی هستند و با عده ای از خارج مسکن کرده اند و زمینها را تصرف کرده اند سعی در تفرقه افکنی بین زخمکش روستا و ساکتین منطقه دارند. آنها باین ترتیب می خواهند جلوی گسترش مبارزات روستائیان برای مصادره زمینهای خود را بگیرند. کشاورزان مبارز "قسره" در حالی که با هوشتاری با این اعمال تفرقه افکنانه زمینداران بزرگ مبارزه می کنند و همچنان مصممند که زمینهای خود را مصادره کنند اعتراض خود را به مطالبی که در مورد مبارزات آنها در بعضی از مطبوعات، به دروغ مکتسب شده است، اعلام داشته اند.

چه کسانی به جای صلح، جنگ...

۲۶ اردیبهشت

سنندج جمعه

ارتش و سپاه پاسداران وارد شهر شده اند. پیشمرگان کرد از شهر خارج شده و پیرامون شهر مستقر شده اند. شهر سنندج چهره دیگری به خود گرفته است. اهالی شهر در دستهای سرودخوانان دست به تظاهرات علیه سرگورگان می زنند. در تاریخ ۲۴ اردیبهشت یک ستون ارتش که در تپه "شب بو" مستقر شده بود موید حمله پیشمرگان قرار گرفت. حتما در حدود ۶۰۰ فروند تانک در شهر و راههای ورودی آن مستقر شده اند. با وجود این نظامیان و پاسداران کمتر جرات می کنند وارد شهر شوند. آب و برق و تلفن در شهر قطع است. مزارعها تعطیل هستند و مردم شهر به اشکال مختلف مخالفت خود را نسبت به وجود ارتش و پاسداران در شهر نشان می دهند. گروههای جوان و جوانی که دستهای سرودخوان تشکیل داده اند و در کوچهای شهر سرود "مغربی را فریاد می زنند توسط نظامیان و پاسداران دستگیر و مورد آزار قرار می گیرند اما سرود جوانان در کوچهای سنندج همچنان طنین افکن است.

کرمناشاه

فرمانده لشکر ۸۱ زرهی کرمناشاه به علت امتناع از رفتن به کردستان از کار برکنار شده است.

پیرانشهر

در اثر نجات مین در راه دو آب بین نقد و پیرانشهر، نظامی کشته و دو نفر زخمی شدند. این ستون نظامی نقد داشت در بالای کوه مستقر شود.

۲۷ اردیبهشت

سنندج شنبه

ارتش و پاسداران که در سنندج مستقر شده اند تلاش می کنند نمای ظاهری شهر را عوض کنند. آنها شارهائی به طرز قدری از خود روی دیوارها می نویسند. پوستری می چسباندند و سلاحها و تانکهایشان را برای ایجاد رعب در سطح شهر به نمایش درآوردند. هیچکدام از این اقدامات کوچکترین تأثیری روی روحیه مردم ساکنین شهر نمی گذارد، بهمهای کوچک اشغالگران را دست نی اندازند، دنبال آنها راه افتاده، علم سرگورگان شعار می دهند و "مغربی را" شعار می خوانند. بازاریان اعلام کرده اند تا وقتی که دستگیری

بوکان

ساعت ۱۱ صبح ۲ فروند هلی کوپتر بر فراز جاده بوکان - میاندوآب در روستای "ملا" به پرواز درآمده و با مسلسلهای کالیبر ۷۵ این

افراد و تفتیش خانهها پایان ناپید دست از تعطیل مزارعهای خود برنخواهند داشت. دو دختر رزمنده اعدام شده اند و تعداد جوانان اعدام شده تاکنون به حدود ۱۲ نفر رسیده است. عده ای از بزرگان و پرستاران متعدد شهر که به کک پیشمرگان شتافته بودند دستگیر شده اند. پاسداران کودکان هفت - هشت ساله را به صف کرده به آنها کیموت و شیرینی می دهند و به این وسیله از آنها می خواهند که جای پیشمرگاری را به آنها نشان دهند. اما این کودکان در روزهای حماسه آفرین پدران، برادران، مادران و خواهران خود، سکوت و رازداری را در مکتب مبارزه آموخته اند. آنها به پاسداران پشت می کنند و به بازی کودکانه خود ادامه می دهند. شبها با وجود حکومت نظامی تیراندازی در شهر به شدت صورت می گیرد. بیشتر درگیریها به خارج از شهر منتقل شده است و از فرودگاه سنندج تا نزدیک کامیاران حدود "توانکش" جادهها در اختیار پیشمرگان است. در جادههای دیگر که توسط ارتش و پاسداران کنترل می شوند دستگیری اهالی شهر ادامه دارد. در طی سه روز اخیر مردم سنندج تظاهرات بزرگی در محلات مختلف شهر به راه انداختند. آنها طی شارهائی اعتراض خود را به ورود ارتش به شهر نشان دادند، حکومت نظامی را محکوم و از پیشمرگان شهید تجلیل به عمل آوردند. به این ترتیب مقاومت و مبارزه مردم در اشکال سیاسی خود در شهر جریان دارد. خیلی از مردم حتی از پذیرفتن مواد غذایی کمی امتناع می کنند. پیروزی در محله قطارچیان ضمن خودداری از گرفتن مواد غذایی، شتی خاک از زمین برداشته و می خورد. پیروز دلاور با صدای بلند می گوید: "من این خاک را می خورم اما هرگز از بروج و روغن شما نخواهم خورد."

سنگر

شهر همچنان به وسیله توپ و خمپاره و کالیبر ۵۵ کوبیده می شود. پاسداران نمی توانند از مواضع خود که یک ماه قبل در آن مستقر شده اند، به جلو پیشروی نمایند به همین جهت تنها با خمپاره و گلوله باران شهر اکتفا می کنند. در اثر اصابت گلوله خمپاره شرکت انبوسرانی اطمینان در سفر آتش گرفته و مائینهای داخل آن سوخته است. در اثر تیراندازیهای اخیر دو کودک چهارساله و شش ساله به نامهای محمدسلیمی و رحمان سلیمی و یک پیرمرد زخمی شده اند.

خوی

پرسنل پادگان خوی در اعتراض به جنگ تحمیلی کردستان و برای خودداری از رفتن به این منطقه متحمن شده اند.

شیراز

در شیراز نیز پرسنل پادگان متحمن شده اند. از قرار معلوم عده ای از پرسنل این پادگان نیز در دلاغه به اعدام و زندان محکوم شده اند که پرونده آنها به مرکز ارسال شده است.

جلدیان

دیروز در درگیریهای در اطراف پادگان جلدیان در گرفت که عده ای از زاندارهای محل کشته شدند و پادگان پیرانشهر به حالت آماده باش درآمده است.

۲۸ اردیبهشت

سنندج یکشنبه

در اطراف سنندج جنگ هنوز ادامه دارد، در طول شب نیز درگیریها در شهر شدت می یابد. مردم شهر به ویژه زنان از تفتیش خانهها به وسیله پاسداران جلوگیری می کنند.

آزاد پسر همه شهدای خلق کوره



فرزاد خلق فدائیکر
و دیروز بر دشمنان مرده تسلیم ناپذیر باشیم

گرامی باد خاطره رفقای شهید اردیبهشت ماه

هرماه برای سازمان ما، ماه شهادت، ماه مقاومت و ماه فداکاری در راه رهایی خلق است. خاطره رفقای که در سالیان ستم و دیگتازی، دلاروانه بپا خاستند و با نثار خون خود آرمان وفاداری و ایثار در راه خلق را آموزش دادند، بدون تردید همیشه ماندنی است. خاطره شهدای اردیبهشت ماه را گرامی میداریم اساسی بقاشی که در اردیبهشت ماه به شهادت رسیده اند:

- علی اکبر جعفری
- مریم پنجه شاهی
- فرزاد دادگر
- کاظم سعادت
- محمدرضا قنبر پور
- عزت غروی
- هادی فرجاد
- جهانگیر باقری پور
- فریده غروی
- حسین قاضی
- ارزنگ شایگان
- میترا بلبل صفت
- قربان علی زرکاری
- شیرین فضیلت کلام
- ناصر شایگان
- فرهاد صدیقی پاشکی
- لادن آل آقا
- مرصیه احمدی اسکویی
- بهروز دهقانی
- محمود نمازی
- مهدی حاتمی
- احمدرضا قنبر پور
- زهرا مددیر شانه چی

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

به کمیته مرکزی حزب کمونیست و بینام

به مناسبت:
نودمین زادروز رفیق هوشی مین
پنجاهمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست ویتنام
سی و پنجمین سالگرد تأسیس جمهوری دموکراتیک ویتنام
و پنجمین سالگرد پیروزی کامل انقلاب در جنوب

رفقا، سلامهای گرم ما را به مناسبت فرا رسیدن سالگرد این روزهای تاریخی که نقاطی درخشان در تاریخ مبارزات حماسی خلق برادر ویتنام علیه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا و در جهت رسیدن به صلح، دموکراسی و سوسیالیسم می باشد بپذیرید.

حزب کمونیست ویتنام به رهبری رفیق هوشی مین با درک عمیق مارکسیسم - لنینیسم و انطباق آن بر شرایط ویتنام و مبارزه با انحرافات گوناگون در جنبش کمونیستی ویتنام و جهان، توانست انقلاب ویتنام را به پیروزی کامل رسانیده، کشور را متحد ساخته، گامهای عظیمی در راه ساختن سوسیالیسم، دفاع از میهن سوسیالیستی و اجرای وظایف انترناسیونالیستی خویش بردارد.

خلق قهرمان ویتنام امسال در شرایطی سالگرد این روزهای تاریخی را جشن میگیرد که در کشور خود گامهای عظیمی در جهت پیشرفت اجتماعی، برقراری صلح، دموکراسی و ساختمان سوسیالیسم به جلو برداشته است. جمهوری سوسیالیستی ویتنام تحت رهبری حزب برافراشته کمونیست با برافراشتن پرچم انترناسیونالیسم پروлетری، سهم عظیم خود را در پیشبرد انقلاب جهانی ایفا نموده است و مورد مباحثات کمونیستهای سراسر جهان می باشد. طبقه کارگر و خلقهای سراسر جهان و منجمله ایران همواره از مبارزه قهرمانانه طبقه کارگر و مردم ویتنام در مبارزه انقلابی خود الهام گرفته و درسهای آن را در مبارزات خود به کار بستند.

رفقای ویتنامی!
مردم ما اینک از هر سو با تجاوزات و توطئههای امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن روبرو است ما به پیروزی مردم خود بر امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن ایمان داریم. شما بدون تردید خروش مردم ما را که در عین حال صدای همبستگی آنان با خلق قهرمان ویتنام است شنیدماید. ما یک بار دیگر با خرسندی این پیام را برای شما بازگو می کنیم:
"امریکا تو خالیست، ویتنام گواهیست"
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن ابراز همبستگی انترناسیونالیستی خود با جمهوری سوسیالیستی ویتنام موفقیتهای بیشتری را برای خلق قهرمان ویتنام و حزب شما آرزو می نماید.

۲۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ - نودمین زادروز رفیق هوشی مین
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

اعدام پرسنل انقلابی ارتش به جرم این اعتقاد است:

"باید بدانند ماشه را به خاطر چه و به سوی چه کسانی ... بقیه صفحه ۱"

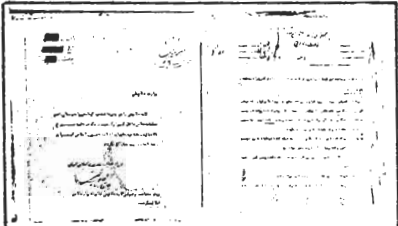
کرده اند. فرار پرسنل انقلابی ارتش از نقاط مختلف کردستان و خودداری آنان از شرکت در جنگ برادر کشی کردستان هرروز دامنه وسیعتری میگیرد. مبارزات پرسنل انقلابی ارتش، ادامه مبارزاتی است که بر محور استقرار شوراهای سربازان، درجهداران، همافران و افسران جز' به منظور ایجاد یک ارتش مردمی و دارای پیوندهای استوار با زحمتکشان صورت میگیرد. اعدام استواران و افسران ارتش، ادامه مبارزاتی است که در تمام دوران بعد از قیام تاکنون ادامه داشته همواره توسط فرماندهان ارتش و حامیان آنان به اشکال مختلف صورت گرفته است. اعدام استواران و افسران ارتش، ادامه مبارزاتی است که در تمام دوران بعد از قیام تاکنون ادامه داشته همواره توسط فرماندهان ارتش و حامیان آنان به اشکال مختلف صورت گرفته است.

نظامیان سرکوبگر در کردستان فاجعه می آفرینند

و بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی از شورای انقلاب! جایزه می گیرند!!

کشتار هم مهیا کرد ما شرکت می کنند. به استخدام مزدور برداشته است. این عاملین کشتار خلق، در واقع چیزی نیست جز بخش شوری انقلاب در تعقیب برنامه همه جانبه برای سرکوب خلق کرد از آغاز تهاجم به کردستان در فروردین ۵۸ با برداشت ۹ واحد ضرب حقوقی به نظامی که در

از حاصل دسترنج کارگران دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران اعم از کرد، ترک، بلوچ، عرب و فارس ترکمن، سرکوب شده به حقوق که بدینگونه توسط شورای انقلاب برای کشتار خود آنان



من سند:
جمهوری اسلامی ایران
وزارت دفاع ملی
لااحه قانونی برداشت فوق العاده روزانه بر بستلی که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند:
ماده واحده
به هریک از (افسران، درجهداران و همافران - رزهای مسلح جمهوری اسلامی ایران (اعم از کادر ثابت و وظیفه) که در عملیات نظامی داخل کشور شرکت می نمایند علاوه بر فوق العاده روزانه که به موجب مقررات مربوط به آنان تعلق میگیرد، برای هر روز شرکت در عملیات بر مبنای ۹ واحد ضرب حقوقی بعنوان فوق العاده مأموریت عملیات نظامی برداشت می گردد.
تصره ۱- فوق العاده مأموریت عملیات نظامی سراسر وظیفه شرکت کننده در عملیات سنجند در این قانون روزانه بر مبنای ۱ صریب حقوقی خواهد بود.
تصره ۲- از فوق العاده مأموران مشمول این قانون ثابت غذا و محل سکونت وجهی کسر نخواهد شد.
تصره ۳- مقررات این قانون از تاریخ ۵۸/۱/۱ قابل اجرا می باشد.
تصره ۴- نوع و مدت عملیات نظامی را ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران تعیین می نماید.
(خوانائست) شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران مورخه ۵۸/۸/۲۹
امضا قطب زاده جمران

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر